سال ۱۳۹۲
حماسه سیاسی
حماسه اقتصادی

۲

الزامات و نقش رسانه ملی در تحقق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی

دکتر حسن خیری وزوانی

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

بسم الله الرحمن الرحیم

الزامات و نقش رسانه ملی در تحقق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی

نویسنده:

حسن خیری وزوانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

الزامات و نقش رسانه ملی در تحقق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خیری وزوانی، حسن، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: الزامات و نقش رسانه ملی در تحقق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی / حسن خیری وزوانی.

مشخصات نشر: قم: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

ISBN: ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۵۱۴ – ۲۸۶ – ۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۷ - ۱۶۰.

موضوع: رسانه های گروهی -- ایران -- جنبه های سیاسی

موضوع: رسانه های گروهی -- ایران -- جنبه های اقتصادی

موضوع: رسانه های گروهی در رشد اقتصادی -- ایران

موضوع: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۹۲

موضوع: ایران -- سیاست اقتصادی -- ۱۳۹۲

شناسه افزوده: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندیکنگره: ۱۳۹۲ الف ۹۵ خ ۹ / ۸۲ / ۹۵ P

رده بندیدیویی: ۳۰۲ / ۲۳۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۴۳۰۹۲

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

دیباچه

دیباچه

انقلاب اسلامی ایران، انفجار نوری بود که سنت الهی حاکمیت مستضعفان تاریخ بر جهان را نوید داد و تحولی تاریخ ساز بود که مسیر حرکت تاریخ را دگرگون ساخت. این انقلاب پیچ تاریخ در گشوده شدن فضای عقلانیت، معنویت و برخورداری از روحیه پرنشاط جهاد در مقابل استکبار محسوب گردید.

این تحول ژرف ممکن نبود مگر با بهره مندی از رهبری متکی بر خاستگاه احکام نورانی اسلام و مکتب اهل بیت: و ولایت فقیه که در طی گذشت سه دهه با فهم عمیق از آموزه های اسلامی و شناخت موقعیت و شرایط زمانی و مکانی، کشور مقتدر و فهیم ایران را به طور خاص و مسلمانان جهان و مستصعفان جهان را به طور عام، به سوی موفقیت ها و کامیابی های فراوان هدایت نمود.

در این تحول عمیق انسانی اجتماعی که تمدن سازی نوین اسلامی را وجهه همت خویش قرار داده است، سنت های حسنه بسیاری بنیان نهاده شد که هر کدام منشأ خیرات و برکات فراوانی بوده است. از سنت وحدت شیعه و سنی گرفته تا روز قدس و ایام الله های دیگر همه از این جمله اند. در این میان یکی از سنت های حسنه که از سوی مقام معظم

ص: ۱۰

رهبری پـایه گـذاری گردیـد، انتخـاب شـعار سال است که هر ساله در بیانات نوروزی ایشان اعلام می گردد و انتظار می رود مسیر راهبردی، سیاستی و برنامه ای آن سال در مدار ارزش اعلام شده از سوی رهبر پیگیری گردد.

بـا توجه به شـرایط جـامعه، چنـد سالی است که شـعارهای سال دارای رنگ اقتصادی است؛ چه اینکه دشـمن مأیوس از مقابله با این نظام، همت خویش را مصـروف ایجاد تنگناهای اقتصادی کرده تا شاید با تحریم ها و محدودیت هایی که برای ملت ایران ایجاد می کند، بتواند مردم را خسته کند، ولی هشیاری مردم و توجه به راهنمایی رهبری، هر روز بیش از پیش، دشمن را درمانده کرده است. امسال نیز بخشی از شعار سال به این موضوع مهم اختصاص یافت و با عنوان حماسه اقتصادی مطرح گردید.

از سـوی دیگر، امروز ملـت ایران بـا یکی از حسـاس ترین روزهـا از نظر سیاسـی، روبرو است. انتخابـات، به ویژه انتخابـات ریاسـت جمهوری، همواره مورد طمع دشـمنان بوده است. نیاز به یادآوری نیست که در این باره، با اندکی غفلت، دشـمن توانست در جریان انتخابات سال ۸۸ فتنه کنـد و مـدتی فضای آرامش را از مردم سـلب نمایـد. بنابراین، از یک سو، طمع ورزی دشـمن باقی است و به نقاط ضـعف و قدرت ما واقف تر گشـته و از سوی دیگر مردم فهیم، عبرتی و درسـی را در پیش روی خود دارد که می تواند از آن بهره جویـد. در این شـرایط، طـبیعی است که رهبر فرزانه انقلاـب، حمـاسه آفرینی را از این ملت، انتظـار داشـته باشـد و بر این مبنـا، بخشی از شعار سال «حماسه سیاسی» نام گرفته است.

تحقق شایسـته این شـعارهای عظیم، مسـتلزم درک درست تکلیف فردی و اجتمـاعی است. همه مردم و نهادهـا و سازمـان ها در این زمینه موظفند بدون از دست دادن فرصت، تشریک مساعی کرده و ادای دین نمایند.

ص: ۱۱

در این راستا، سازمان صدا و سیما، به عنوان رسانه ملی و دانشگاه عمومی از تعهد و رسالت ویژه ای، برخوردار است و تلاش می کند به وظیفه خویش عمل کند. بر این اساس، پیش از اعلام شعار سال عرصه ساختار مطالعاتی خود را تدوین نمود و تیم های تحقیقاتی بلافاصله پس از اعلام شعار سال، کار مطالعاتی را آغاز نمودند. آنچه در پیش رو است یکی از این دریچه هایی است که گشوده شده و در مدت کوتاه حاصل مطالعات خود را عرضه می نماید. از مسئولان محترم مرکز پژوهش های اسلامی به خاطر در اختیار گذاشتن این فرصت مغتنم سپاس گذاری می کنیم.

ص: ۱۲

ص: ۱۳

مقدمه

مقدمه

صدا و سیما به عنوان دانشگاه عمومی، مهم ترین دستگاهی است که تولید و بازتولید فرهنگ عمومی و هویت سازی فردی و جمعی را در نظام جمهوری اسلامی ایران برعهده دارد.

فرهنگ در بردارنده باورها، ارزش ها و هنجارهای جامعه است که هویت فردی و اجتماعی را می سازد، سبک زندگی مردم را مشخص می کند و اساسی ترین عنصر تمدنی به شمار می رود. بنابراین، به نظر می رسد برای برنامه ریزی در حوزه فرهنگ، باید عناصر سه گانه باورها، ارزش ها و هنجارها با دو وجه حقوقی و اخلاقی و زمینه های تحقق سبک زندگی به عنوان محصول باورها و ارزش های فرهنگی و در نهایت شرایط و معیارهای تمدن سازی مورد لحاظ قرار گیرد :

عرصه باورها

باورها مهم ترین و زیر ساختی ترین عنصر فرهنگی است. فرهنگ جامعه ما اسلامی است و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از متن جهان بینی اسلامی تبلور و تحقق یافته و بر آن است تا در جامعه آموزه های اسلامی در تمام ابعادش را تحقق بخشد و برای نشر آنها در سراسر جهان اهتمام

ص: ۱۴

ورزد. منبع اصلی معارف و آموزه های اسلامی در قرآن و عترت نهفته است.

رهبر انقلاب تحول معرفتی را لازمه حرکت های بعدی به سوی نظام، دولت و کشور اسلامی می داند و این تحول معرفتی باید در تمام ابعاد باشد، از جمله بعد فرهنگی.

ما ابتدای راهیم. اولًا باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید براساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم؛یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هر کدام مترتب بر همدیگراست؛ اینها همه یکسان و یک چیز نیستند.(۱)

تأکید رهبر انقلاب بر اولویت معرفت قابل توجه است. ایشان فرهنگ را نسبت به اقتصاد و سیاست مقدم می داند و حتی جبر رسانه ها و تقدم آن بر فرهنگ را نیز برنمی تابد:

مسئله فرهنگ از مسائل اقتصادی مهمتر است، از مسائل سیاسی مهم تر است. فرهنگ چیست؟ فرهنگ عبارت است از آن درک، برداشت، فهم، معتقَد و باور انسان ها و روحیات و خلقیات آنها در زندگی؛ آنهایی است که انسان را به کار وادار می کند. فرهنگ حاکم بر یک کشور مثلًا اگر چنانچه فرهنگ مسئولیت پذیری بود، این عمل مردم را هدایت می کند... این کارها به عهده ی کیست؟ رسانه ها خیلی نقش دارند؛ اما رسانه ها قالبند؛ محتوا و مضمون، دست ماست.(۲) فرهنگ با

۱- از بیانات مقام معظم رهبری در سال ۸۵ در جمع دانشجویان.

۲- از بیانات مقام معظم رهبری در سال ۸۹ در جمع اعضای مجلس خبرگان.

ص: ۱۵

میراث فرهنگی نیز تفاوت های جدی دارد. فرهنگ همان چیزی است که تمام هستی انقلاب اسلامی بدان وابسته است:

سیاست در خدمت فرهنگ است، اقتصاد در خدمت فرهنگ است، هنر در خدمت فرهنگ است، برای فشار آوردن به فرهنگ داخلی ملت ما. آنها می دانند که اگر فرهنگ را عوض کردند، دیگر مبارزه ای باقی نمی ماند. اگر مبارزه با استکبار هست، اگر میل به ایستادگی و مقابله با دخالت اجنبی هست، به خاطر فرهنگ است. انسان یک فرهنگی دارد، همین فرهنگ را بیایند عوض کنند، همه چیز می شود مال خودشان؛ لذا همه فشار روی فرهنگ است. در مقابل این حرکت فرهنگی و این تهاجم عظیم فرهنگی که می خواهند روح انقلاب را، روح استقلال را، روح دین را از ما بگیرند، اولویت فرهنگی ما این است که برویم حالا ـ فرضاً کاروانسرای شاه عباسی را آباد کنیم؟! این یعنی اشتباه کردن در تشخیص آن قلمِ کار فرهنگی؛ این یک اشکال است.(۱) این سخنان همان نگاه امام خمینی رحمه الله است که معتقد بودند «راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است؛ اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.».(۲)

عرصه ارزش ها

باورها و ارزش های هر جامعه رابطه دوسویه با هم دارند. ارزش ها از باورها برمی خیزد در متقابلاً باورها در ارزش ها مقبلی می شود. نظام

۱- از بیانات مقام معظم رهبری در سال ۸۹ در جمع اعضای مجلس خبرگان.

۲- امام خمینی ،صحیفه نور، ج۱، ص ۳۹۰.

ص: ۱۶

مقدس جمهوری اسلامی ایران با تبلور ارزش های اسلامی به ویژه جهاد، ایثار و شهادت تکوین یافت و بی تردید علت بقای این نظام همان علت موجده آن است. اهتمام استکبار جهانی برای از پای در آوردن این نظام نیز حفظ، روحیه و هشیاری انقلابی را اجتناب ناپذیر می کند و در این راستا سیره علمی و عملی امام خمینی رحمه الله الگوی بی بدیلی است که زنده نگه داشتن آن تضمین کننده این مسیر الهی است.

عرصه هنجارها (سبک زندگی، تکون هویت)

ارزش های هر جامعه هنجارها و الگوهای رفتاری متناسب با خود را در پی دارد و راه و روش زندگی فردی و جمعی جامعه نمایان گر ارزش های آن جامعه است. مراجع و مسیرهای متنوع فرهنگی موجب می گردد که فرهنگ پذیری همواره از مسیر مطلوب و مورد انتظار جامعه صورت نپذیرد و گستردگی امکانات رسانه ای بر التقاط و آشفتگی در این فضا می افزاید. برای استحاله فرهنگی مطمئن ترین راه آن است که باورهای جامعه تغییر یابد و تغییر باورها منجر به دگرگونی در ارزش ها و هنجارها می ستود ولی با وجود این زیرساختی و عمیق بودن باورهای جامعه، تهاجم و تبدل فرهنگی را با مشکل مواجه می کند، بنابراین معمولاً مهاجمان فرهنگی برای سست کردن پایه های فرهنگی هر جامعه از تحول و دگرگونی در هنجارها شروع کنند. به عنوان مثال مدگرایی در وهله نخست تحولی در هنجارها و الگوهای رفتاری است که چه بسا بدون تحول در ارزش های مورد قبول جامعه نیز اتفاق افتد؛ ولی خود می تواند زمینه سست شدن ارزش ها و در نهایت دگرگونی در باورداشت های جامعه را در پی داشته باشد.

ص: ۱۷

بنـابراین در برنـامه ریزی هـای فرهنگی بایـد به تحولاـت در سـاحت هنجارها نیز توجه شود و راه و روشـی که حاصل آن به تحکیم ارزش هـا و باورهـا می انجامـد و از سوی دیگر مـانع توفیق اسـتکبار جهـانی برای اسـتحاله فرهنگی شود، تحقق باورهـا، ارزش ها و هنجارها در قلمروهای مختلف اقلیمی، اجتماعی و... شـکل دهنده هویت در سـطوح فردی و جمعی است. تحقق فرهنگ در سـطوح فردی و جمعی و در قالب قومیت، ملت، امت و... زمینه ساز تنوع نگرش به خود و دیگران و تحقق «من» و «ما»های مختلف است.

در جامعه متکثر ایران از نظر قومی، مذهبی و... و با وجود تنوع سـبک های زندگی و در مواجهه با تهاجم فرهنگی دشـمنان اسلام و انقلاب اسـلامی، برنامه ریزی برای تقویت انسـجام و همبستگی حائز اهمیت فوق العاده است. در فرهنگ اسلامی، کنش های درون فرهنـگ عمـومی، کنش هـای عقلاـنی معطـوف بـه ارزش انـد. کـارکرد فرهنـگ مـدرن تخریب روابطی چـون همسـایگی، دوسـتی وازدواج، پـدر مـادری ... و تنزل آن به سـمت عقلاـنیت ابزاری است. با تخریب این روابط جامعه به تدریـج ذره ای شـد، فردگرایی آهسته آهسته بنیان جامعه را می خورد. «فرهنگ عمومی» به «فرهنگ عامه» تقلیل یافته و از طریق «صنعت فرهنگ»، با« فرهنگ عامه پسـند» جایگزین می شود. در هسـته اصـلی فرهنگ عمومی «ارزش های بنیادین جامعه» قرار دارد. ساخت، تولید، بسط و توسـعه آن فراتر از ظرفیت های آدمی است. خودش در شرایط خاصی ساخته شده وگسترش می یابد.(۱)

۱- حسـین کچوئیان، هست ها و بایدهای هویت ما، ماهنامه زمانه، فروردین ۱۳۸۷، شماره ۶۷و ۶۸، ص۳۳ ، به نقل از اصغر اسلامی تنها، نظریه پدیدارشناختی فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ص: ۱۸

دیدگاه های رهبر انقلاب، درباره سبک زندگی نیز، از همین منظر اهمیت دارد. از منظر ایشان تمدن نوین اسلامی، دو بخش دارد:

یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است ... بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است .... بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد؛ که همان سبک زندگی است.»(۱) و این مسیر به تمدن سازی خواهد انجامید. «انقلاب اسلامی، پیشرو نظام اسلامی نوین سازنده تمدن نوین اسلامی است.»(۲)

رهبر انقلاب اسلامی با نام گذاری دهه چهارم انقلاب به نام دهه پیشرفت و عدالت، در ابلاغ سیاست های برنامه پنجم توسعه خاطر نشان نمودند «انتظار می رود این سیاست ها که با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت تنظیم شده، بتواند در جای جای کلیه فعالیت های کشور چه در بُعد تقنین و چه در بُعد اجرا ظاهر گردد».

مقام معظم رهبری طبق سنت حسنه هر ساله خویش که متناسب با شرایط و نیازهای جامعه، شعاری را برای سال برمی گزینند، سال ۱۳۹۲ را سال «حماسه سیاسی؛ حماسه اقتصادی» نامید. بدیهی است رسانه ملی باید برای تحقق منویات مقام رهبری اهتمام ویژه نماید. در این خصوص طرح «رسانه ملی و تحقق شعار سال» در دستور کار قرار گرفت.

۱- مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱.

۲- مقام معظم رهبری.

ص: ۱۹

فصل اول: موقعیت نهاد سیاسی و نهاد اقتصادی در اسلام

اشاره

فصل اول: موقعیت نهاد سیاسی و نهاد اقتصادی در اسلام

ص: ۲۰

ص: ۲۱

نظام مقدس اسلامی ایران بر پایه آموزه های اسلامی تکون یافته است و تولید هرگونه موفقیت و کامیابی، بر اساس این میزان ارزیابی طبیعی است که تحقق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر این مبنا، شایسته به نظر رسید برای ورود به بحث اصلی در فصل اول عناصر و ارکان نظام اقتصادی و سیاسی اسلام بررسی شود.

الف) نهاد سیاسی در رویکرد اسلامی

اشاره

الف) نهاد سیاسی در رویکرد اسلامی

حاکمیت بالاصاله از آن خداوند است و برای سامان دهی به نیازهای فردی و جمعی انسان ها، افراد و سیستمی با احراز شایستگی های مقرر شده از جانب خداوند، حق و تکلیف حاکمیت را می یابند.

شریعت اسلام تنها منبع و مصدر تشریع است. بنابراین اولاً: احکام ثابت فقهی به میزانی که به زندگی اجتماعی مربوط است جزو قوانین اصلی نظام حکومتی اسلام است. ثانیاً: استخراج برخی از احکام متوقف بر اجتهاد است. و بنابراین به تناسب شرایط، حکم الهی دارای بدیل هایی خواهد بود که انتخاب آنها متوقف بر رعایت مصلحت است(۱). ثالثاً، بنابر نظر برخی از فقهاء چون شهید صدر،

۱- محمد باقرصدر، الاسلام یقود الحیاه، ص۱۹.

ص: ۲۲

شریعت اسلام اختیار تصمیم گیری در پاره ای از موارد را به خود انسان سپرده است که بدان منطقه الفراغ گویند؛ در این حوزه، حکومت اسلامی، با رعایت مصلحت جامعه اسلامی، دست به گزینش می زند.(۱)

امت اسلامی، در سلطه تشریعی و تنفیذی، صاحب حق شمرده شده و این همان حقی است که به انسان به عنوان خلیفه خداوند داده شده است. از این جهت، اهتمام به امور اجتماعی و سیاسی، مسئولیت شرعی به شمار می رود.

مرجعیت آگاه، مفسر شرعی اسلامی است و او نائب امام زمان است.

انسان ها، همه در برابر خداوند، خاضع و مدیون اند. کسی حق به استضعاف کشیدن و برده کشی انسان های دیگر را ندارد و همه در برابر قانون مساوی اند.

همه نعمت ها و موهبت های خدادادی اعم از مادی و معنوی، ابزار و زمینه هایی هستند که آدمی باید برای تعالی و سعادت دنیوی و اخروی خود از آنها بهره می برد.

در مقابل نعمت هایی که به انسان داده شده، حساب و کتابی وجود دارد و هیچ کس از این حساب و کتاب مستثنی نیست.

اداره امور جامعه و سیاست نیز از نیازهای انسانی است و خداوند برای آن دستور مشخص دارد.

امور سیاسی نیز همچون دیگر امور باید متضمن سعادت حقیقی دنیوی و اخروی انسان باشد.

۱- محمد باقرصدر، الاسلام یقود الحیاه، ص ۱۹.

ص: ۲۳

انطباق امور بر احکام اسلامی، حاکمیت روح اسلام با اقامه کردن مبادی ضمان اجتماعی، توازن اجتماعی، توزیع ثروت بر اساس اسلام، ایجاد عدالت اجتماعی در داخل و ترویج اسلام در اقصا نقاط جهان، ارائه الگوی مناسب حاکمت اسلامی و یاری رساندن به همه مستضعفان و مظلومان از وظایف دولت اسلامی به شمار می رود.

لازمه چنین تعهدی آشنایی حاکمان به راه سعادت و توان رهبری در این مسیر است.

از منظر اسلامی، ایجاد فضای عمومی که در سایه آن ابعاد مختلف زمینه بروز بیابند و جمع گسترده تری را در برگیرد، از اهمیت مضاعفی برخوردار است، بنابراین حفظ نظام اسلامی، از بسیاری از عبادات فردی و جمعی واجب تر است. همانطور که، حفظ اصل دین به خودی خود، از همه چیز حتی از حفظ نظام اسلامی، واجب تر است؛ چه اینکه، اگر چراغ دین خاموش گردد، یا به بیراهه رود، چیزی باقی نمی ماند تا در پرتو آن زمینه بسیج نیروها و تربیت آنها در آینده به وجود آید. به عنوان نمونه سکوت حضرت علی علیه السلام در دوره خلفا با رعایت این اصل توجیه می گردد.

توحید کلمه و کلمه توحید که خود از سفارشات امام راحل و مقام معظم رهبری است؛ ریشه در قرآن و روایات دارد. بیدلیل نیست که دشمنان از صدر اسلام تاکنون، رویارویی با حاکمیت اسلام، منحرف کردن آن و رویکرد دنیوی دادن و عرفی شدن آن را، در دستور کار خود قرار دادهاند. بقای اسلام در گرو کلیت آن است. «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ...؛ همه به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.» (آل عمران: ۱۰۳) و نیز امام علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۲۴

والزموا السواد الاعظم فان الله مع الجماعه و ایاکم والفرقه فان الشاذ من الناس للشیطان کما ان الشاذ من الغنم للذئب؛ همراه جامعه بزرگ اسلامی باشید و از آن جدا نشوید ;زیرا قدرت و حمایت خدا با جامعه متحد است و از اختلاف و جدایی پرهیز نمایید ;زیرا کسی که از امت اسلامی فاصله بگیرد، طعمه دیو شیطنت است ;همان طور که گوسفند جدای از رمه، طعمه گرگ است. (۱)

چنگ زدن به ریسمان محکم الهی را، در گرو دو عنصر دشمنی با طاغوب و ایمان به خدا، دانسته است: «...فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِن بِاللّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی(۲)» (بقره: ۲۰۶) دو عنصری که در اثر جنگ نرم تجزیه می شود. روند جنگ نرم در توصیف بنی امیه قابل برداشت است:

ان بنی امیه اطلقوا تعلیم الایمان و لم یطلقوا تعلیم الکفر اذا احملو علیه لم یعرفوا(۳)؛ همانا بنیامیه آموزش ایمان به مردم را آزاد گذاشتند؛ ولی آموزش کفر و مفهوم و مظاهر و ابعاد آن را آزاد نگذاشتند، تا وقتی مردم را عملاً به طرف کفر بردند، آنها، نتوانند حق و باطل را بازشناسند.

امام و امت، از واژگانی است که در فرهنگ اسلامی دارای بار فرهنگی و تعیین کننده راهبرد اسلام در جامعه است. امام در جامعه

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۲- بقره:۲۵۶.

۳- شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی کلینی ، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱۵؛ به نقل از: ره توشه راهیان نور ویژه محرمالحرام، ص ۴۷.

ص: ۲۵

اسلامی، پیشوایی است که همراهی و اطاعت آن تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی است. امام در عصر حضور، انسان کاملی است که دارای علم لدنی و خدادادی است و در عرصه علم و عمل معصوم و از خطا و اشتباه و سهو در حکم و موضوع در امان است و در عصر غیبت، امام کسی است که اوصاف او توسط امام معصوم بیان گردیده، کسی که از نظر دانش اسلامی برتر و قابل اعتماد به تشخیص اهل فن و از نظر نفسانی مبری از هوای نفس و مطیع امر الهی است. وجود این عناصر تحلیه و تخلیه شرط بقای امامت است. این شرایط، به تناسب در همه ارکان و پیکره جامعه اسلامی باید جاری و ساری باشد. در این صورت، ریسمان محکم الهی باقی مانده و وحدت کلمه و کلمه توحید تحقق می یابد در غیر این صورت، زمینه ناملایمات و فتنهها فراهم می شود.

از منظر اسلامی، گرچه شرعاً حاکمیت برای خدا و تجویزی است که از جانب خداوند اعلام می شود، مع الوصف، بنای خداوند در تشریع، بر ابلاغ تکلیف و آزاد گذاری افراد است. به همین خاطر بین مشروعیت و مقبولیت حاکمیت تفاوت است. حاکمیت اسلامی وقتی زمینه تحقق می یابد که علاوه بر مشروعیت از مقبولیت نیز بر خوردار باشد.(۱)

نیاز به رهبری

نیاز به رهبری

جامعه دینی برای رسیدن به رستگاری نیاز به پیشرفت، تحول و تکامل دائمی دارد، بنابراین پیش از این که به مدیری نیاز داشته باشد که نظم و

۱- ۶.حسن خیری وزوانی، مبانی نظام اجتماعی اسلامی، صص۳۱۶-۳۱۲.

ص: ۲۶

ثبات را تأمین کند، نیاز به رهبری دارد که آرمان ها و خط مشی ها را تبیین و جامعه را از سکون و سقوط پاسداری کند.

مدیر بیشتر به برنامه ریزی، سازمان دهی، کنترل، تصمیم گیری و حل مسئله می پردازد و رهبری ایجاد حساسیت نسبت به موضوعات، تولید مسائلی که زمینه تحرک را فراهم می کند، ایجاد انگیزه و امید، اکتفا نکردن به موفقیت های مقطعی و جهت دهی و نصب راهنما برای حرکت را بر عهده دارد. به عنوان مثال در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که چند تن از مؤمنان، با یک خرما سر می کردند و خندق حفر می کردند، تا خود را از هجوم مشرکان یکپارچه شده، برهانند؛ پیامبر اسلام، با صدای هر بار فرود آمدن کلنگ، از سقوط امپراطوری های آن زمان خبر می داد.

یکی از مشکلات سیاسی کشور ما در برخی مقاطع زمانی و در برخی حوادث این است که کارگزارن نظام جایگاه خود را فراموش کرده و از جایگاهی که قانون برای آنها مشخص کرده است عدول و تخطی کرده اند. به عنوان مثال از رئیس جمهور انتظار می رود سیاست های کلی و کلان ابلاغی مورد تأیید رهبری را اجرا و تفکیک قوای سه گانه را رعایت کند؛ نه آنکه در مقام نظریه پرداز در حوزه دین و اصول اساسی اظهار نظر کرده و خود را در مقام مفسر قرار دهد و تلقی او این باشد که فهم او از موضوات باید پیگیری شود. از این جهت صدا وسیما با برنامه ریزی می تواند فرهنگ عمومی را مستعد فهم این موضوع کند و با برگزاری نشست های تخصصی و کارشناسی فضا را برای پیشگیری از این مسائل مهیا نماید.

در علم مدیریت، رهبری این گونه تعریف شده است: «... رهبری،

ص: ۲۷

فرایند نفوذگذاری بر مردم است؛ به طوری که از روی اشتیاق و میل، کوشش هایشان را برای رسیدن به هدف های گروهی متمرکز نمایند».(۱) تفاوت مدیر و رهبری را می توان به شرح ذیل ارائه کرد:(۲)

مدیر

رهبر

مدیران اداره می کنند.

مدیران نگهداری می کنند.

مدیران کنترل می کنند.

مدیران چگونگی و چه موقع را سؤال می کنند.

مدیران تقلید می کنند.

مدیران دید کوتاه مدت دارند.

مدیران شرایط موجود را قبول می کنند.

رهبران ابداع می کنند.

رهبران توسعه می دهند.

رهبران الهام بخش هستند .

رهبران چرا و چه را سؤال می کنند.

رهبران به وجود می آورند.

رهبران دید بلند مدت دارند.

رهبران شرایط موجود را به چالش می کشند.

ابتنای جامعه اسلامی بر اعتقاد و عشق به پیشوایان دینی، زمینه ساز ظهور رهبرانی است که کم و بیش دارای نوعی اقتدار کاریزمایی هستند. اصولاًـ رهبری تحول و تغییر، بـدون بهره داشتن از این ویژگی کـار آمـد نخواهـد بود. بر این اساس، آن نوع رهبری امکان ظهور دارد که دارای ویژگی های زیر باشد:

پیروان به درست بودن اعتقادات و باورهای رهبر اطمینان دارند.

عقیده و باورهای پیروان شبیه باورهای رهبران است.

۱- فرزاد فخیمی، سازمان و مدیریت، ص۲۹۳ به نقل از: رهبری، نوشته هیوز و دیگران، ص۱۱.

۲- فرزاد فخیمی، سازمان و مدیریت، ص۲۹۳ به نقل از: رهبری، نوشته هیوز و دیگران، ص ۳۰۱.

ص: ۲۸

پیروان رهبرانشان را بدون قید و شرط قبول دارند.

پیروان احساس تعلق و وابستگی به رهبرشان می کنند.

پیروان مشتاقانه از رهبر خود اطاعت می کنند.

پیروان احساس پایبندی عاطفی نسبت به سازمان و مأموریت خود دارند.

پیروان دارای هدف های متعالی هستند.

پیروان بـه خـاطر اعتقـاد بـه عقایـد و تصـمیمات رهـبر بر ایـن باورنـد که می تواننـد در کسب مـوفقیت در مـأموریت گروهی سـهیم باشند.(۱)"

پیشوایان دینی در نظام اجتماعی اسلام، دارای اقتدار های چند گانه ای هستند که بر توان آنها در پیشبرد امور می افزاید. آنان:

دارای اقتـدار مرجعیت رسـمی اند. این اقتدار از سوی خداوند کسب شده و با معجزه و کرامت و اسـتنادات قابل اعتماد برای مؤمنان اثبات گردیده است.

دارای قدرت تخصـص اند. این ویژگی پیامبر و ائمه برای مؤمنان محرز شده و برای پیشوایان بعدی با اعلام نظر کارشناسان به اثبات می رسد.

اقتـدار آنهـا دارای ضـمانت اجرایی است. این ضـمانت اجرا در جـامعه ایمانی که حقوق آن نیز به اخلاق آمیخته است و از پشـتوانه اخلاقی و وجـدانی بهره منـد است، نیروی عظیمی را در اختیار متولیان جامعه اسـلامی قرار می دهـد که شوق به شـهادت و رضایت الهی از مصادیق آن به شمار می رود.

۱- فرزاد فخیمی، سازمان و مدیریت، ص۲۹۳ به نقل از: رهبری، نوشته هیوز و دیگران، ص ۳۳۳.

ص: ۲۹

پیشوایان دینی با پیشگامی در اعتقاد به آنچه دیگران را به آن می خوانند و عمل به آنچه می گویند، حسن شهرت، تقوا، صداقت و پایداری، پیش از حاکمیت بر جامعه، حاکم بر دلهایند.

بنابراین حاکم اسلامی مستلزم:

حاکمیت بر دلها است.(برجستگی ویژگی هنجاری و اخلاقی جامعه)

پیشگامی، صمیمیت، صداقت و توان برقراری مفاهمه است.

رهبر جامعه راه را نشان می دهد، تولید مسئولیت می کند و این خود مردم هستند که اقدام می کنند و خود را به خطر می اندازند.

رهبری، فرهنگ نوخواهی مبتنی براصول و آرمان ها را رواج داده، از خو گرفتن به وضع موجود پیشگیری می کند.(۱)

حاکمیت عدالت و اجتهاد نه حاکمیت شخصی

حاکمیت عدالت و اجتهاد نه حاکمیت شخصی

یکی از وظایف اصلی رسانه ملی، تبیین صحیح حاکمیت اسلام برای افکار به منظور آگاهی مردم از سیستم حاکمیتی در جامعه خود و مقابله با تهاجم فرهنگی است. همان طور که گفته شد در اسلام حاکمیت از آن خداوند است. هیچ کس حق استعلا و حاکمیت بر انسان ها را ندارد؛ مگر آنکه بر اساس معیار های اسلامی، به صورت خاص یا عام در حوزه مشخصی تکلیف حاکمیت به او سپرده شده باشد. حاکمیت ولی فقیه در عصر غیبت از این قبیل است. پس حاکمیت ولی فقیه، حاکمیتی است که دو شرط اصلی در آن نهفته است:

۱. حاکمیت شخص نیست، بلکه حاکمیت کارشناس دینی است.

۱- مبانی نظام اجتماعی اسلام، صص ۳۱۶ ۳۱۹.

ص: ۳۰

۲. برای پرهیز از اقدام خلاف شرع و مصالح جامعه اسلامی، احراز عدالت کارشناس اسلامی «فقیه» شرط اصلی است.

افزایش نیاز به حاکمیت اسلامی در جامعه مدنی

اصولاً ـ جامعه مدنی، جامعه ای است که در آن دانش و فناوری، توسعه یافته و تقسیم کار گسترده ای اتفاق افتاده است. نهادهای اجتماعی، با کارکرد مشخص و حوزه مسئولیتی خاص فعال هستند. بدیهی است در این وضعیت، قدرت انتخاب و اختیار انسان ها افزایش می یابد، تعلقات اجتماعی سنتی، کم رنگ می شود و نیاز به عنصر پیوند دهنده نهادها و افراد ضروری تر می نماید.

در جوامعی که رنگ قبیلگی، قومی و خانوادگی دارند، خود به خود تکلیف افراد مشخص است. در این جوامع هویت شکل می گیرد و نقش های اجتماعی محول ارائه می شود و حوزه اکتساب محدود و قابل کنترل است.

در این جوامع، خانواده با گستردگی کارکردهای خود، مأمن مطمئنی در اختیار فرد برای هویت پذیری و تأمین نیاز های خود قرار می دهد. سنت حاکم بر جامعه، تداوم بخش فرهنگ حاکم بر جامعه است. متولیان دینی، با استقلال نسبی به کار آموزشی و تربیتی خود اشتغال دارند و سیستم آموزشی عمدتاً غیر رسمی و بدون حاکمیت دولتی و از سوی نهادهای سنتی مثل نهادهای مذهبی اعمال می شود. در این جوامع نهاد دولتی عمدتاً متولی امنیت جامعه و دفاع از مرز و بوم است و کمتر در عناصر فرهنگی دخالت می کند. در این جوامع، پذیرش رئیس قبیله و طایفه به معنای پذیرش کل قبیله و طایفه است. در صدر اسلام تسلیم رئیس قبیله به منزله تسلیم همه است.

ص: ۳۱

امروزه اوضاع متفاوت شده است. دیگر پذیرش رئیس قبیله به منزله پذیرش همه، به حساب نمی آید. دولت فقط دارای کارکرد نظامی و انتظامی نیست و در همه امور از جمله در امور آموزشی، دینی، تربیتی، اطلاع رسانی و ترسیم امور فرهنگی دخالت می کند. خانواده نیز کارکردهای پیشین خود را از دست داده و به دولت و نهادهای دولتی سپرده است. در این وضعیت، بیش از گذشته، نیاز به هماهنگی بین عناصر اجتماعی احساس می شود. باید شبکه تعاملات افراد نیز بازسازی و جهت داده شود و این امور، غالباً از سوی سیستم حاکمیتی صورت می گیرد. پس دولت موقعیت متفاوتی نسبت به گذشته پیدا کرده که می تواند جهت حرکت جامعه را تعریف کرده، جامعه را به سمتی که می خواهد هدایت کند. در این وضعیت، اسلام که دارای سیستم جامع و نسخه هدایتی در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی است، نمی تواند بی تفاوت باشد و نسبت به نیاز بیشتر به رهبری احساس مسئولیت نکند.(۱)

ب) نهاد اقتصادی

ب) نهاد اقتصادی

خداوند مالک همه چیز از جمله انسان است.

انسان خلیفه خداوند در زمین است.

تصرف انسان در جان و مال و محیط طبیعی در حدودی که خداوند تعیین کرده، محدود است.

انسان در برابر استفاده و نحوه بهره گیری از آنچه در اختیار اوست، از جان و مال گرفته تا دیگر دارایی ها مسئول است و باید در برابر خداوند جواب گو باشد.

۱- مبانی نظام اجتماعی اسلام، ۳۱۸ ۳۲۰.

ص: ۳۲

از جمله مصادیق پاسخ گویی انسان، پاسخ گویی در مورد مصالح جامعه و نقش او در سامان دادن عدالت اجتماعی و اقتصادی و مواجهه او با فقر و فقرا است.

جامعه از مجموع افرادی تشکیل شده که با هم در ارتباطند اشتراکات اعتقادی و ارزشی از آنها روح جمعی می سازد و زمینه های حرکت جامعه را به عنوان یک کل واحد، دارای سرنوشت مشترک در سعادت و شقاوت، فراهم می سازد. پس سعادت فرد و جمع به هم گره خورده است.

بر اساس رویکرد اقتصادی اسلام:

الف) کسب ثروت و درآمد، بنا به چهار شرط برای حرکت در مسیر سعادت لازم است:

یک حلال باشد. «هر کس مالی را از غیر راه حلال به دست آورد، جایگاهش آتش است».(۱)

دو دوری از کنز. «ما برای جمع مال فرستاده نشدیم، برای خرج آن مبعوث شده ایم». (۲)

سه عدم تضییع مال. «مال باید در راه حلال و امور خیر مصرف شود، ضایع نگردد و در راه های فساد و حرام به کار نیفتد».(۳)

چهار دوری از حب مال. حب مال سبب فساد اعمال، آرزوهای دور و دراز، سستی دین و فساد یقین می شود.(۴)

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۴، ص ۲۹۹۲.

۲- الحیاه، ج ۳، ص ۶۰.

۳- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۴، ص ۲۹۹۲.

۴- سید حسین میر معزی، فلسفه علم اقتصاد اسلامی، صص۷۳ ۷۶.

ص: ۳۳

ب) راه های صرف مال:

یک تأمین معاش با دوری از اسراف و تبذیر.

دو پرداخت بدهی ها و حقوق و واجبات مالی مانند خمس و زکات و کفارات.

سه انجام عبادات واجب یا مستحبی که مستلزم مخارج مالی است. مانند زیارت خانه خدا و قبور ائمه.

چهار انفاق در راه خدا، مانند رسیدگی به فامیل، صدقه دادن به فقیر و اموری مثل تبلیغ دین، ساختن مسجد و مدرسه و پل و کمک به مجاهدان که از آن به «سبیل الله» تعبیر می شود.

پنج سرمایه گذاری جهت رفع نواقص مالی و افزایش دارایی.

سلامتی، امنیت، وسعت روزی و مونس موافق، چهار ویژگی سعادت در بسیاری از روایات است. مفهوم رفاه از دیدگاه اسلام با این چهار ویژگی تبیین می گردد. سلامتی شامل سلامتی بدن و روان و امنیت، امنیت جان، مال، آبرو، شغل و حقوق اجتماعی را در برمی گیرد و مونس موافق گویای این است که برای زندگی مرفه لازم است که انسان با انسان های صالح رابطه اجتماعی و اقتصادی داشته باشد، زیرا در غیر این صورت حقوقش پایمال می شود و وسعت روزی زمینه ساز زندگی ایمانی است. در حدیثی از معصوم آمده: «دنیای خود را اصلاح و برای آخرت خود عمل کنید، زیرا در آینده به تحقیق خواهید مرد.»(۱) پس، از منظر اسلامی، زندگی مرفه آن است که پاسخ گوی نیازهای مادی و نیازهای معنوی باشد.

۱- الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۱، ص ۱۰۱.

ص: ۳۴

الگوی صحیح مصرف در اسلام یعنی رفع نیاز واقعی در تأمین معاش با رعایت میانه روی و موقعیت زمانی و مکانی. اموال، ملک حقیقی خداوند و خلق عیال خداوند است. مردم باید این اموال را در راهی که غرض اصلی خلقت است مصرف نمایند؛ یعنی برای رفع نیازهای اصلی زندگی. بنابراین، آنچه فوق کفاف است، اسراف خوانده می شود و حرام است.

یکی از اهداف مهم اقتصادی اسلام عدالت اقتصادی است. کار مفید اقتصادی، موجب به وجود آمدن حق نسبت به ثروت های جامعه است. «لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمّا اکْتَسَبُوا وَ لِلنِّساءِ نَصیبٌ مِمّا اکْتَسَبْنَ». (نساء: ۳۲) حق کسانی که نمی توانند کار کنند، رفع نیاز در حد کفاف است. بر این اساس، نیازمندان، در اموال ثروتمندان دارای حق اند. «وَ فی أَمْوالِهِمْ حَقّ لِلسّائِلِ وَ الْمَحْرُوم». (ذاریات: ۱۹)

پس، از منظر اسلامی همه مردم باید از سطح کفاف در زندگی برخوردار باشند. اختلاف های درآمدی از تبعیض در امتیاز های قانونی و دسترسی به فرصت ها ناشی نمی شود. ثروتمندان باید حق نیازمندان و ولی امر را بپردازند.

آمیختگی نظام اقتصادی اسلام به تأمین نیاز های مادی و معنوی انسان ها، باعث شده هدف غایی آن نیل به بالاترین مقام عبودیت باشد. از طرفی نظام اقتصادی اسلام، در لوای نظام اخلاقی و تربیتی آن قرار می گیرد و محتوا و شکلش بر اساس آن ساخته می شود.

برخی ارزش های اقتصادی اسلام عبارت است از:

اهمیت کار و عبادت شمرده شدن آن.

عدالت اقتصادی در همه مراحل اقتصادی.

پاداش مطابق کار و به ازای تلاش، نه سیستم عرضه و تقاضا.

ص: ۳۵

ارزش کار به قدر توان.

تکافل و هم یاری.

برتری قرض الحسنه از صدقه.

مجاهده برای زندگی آبرومندانه و ضد ارزش بودن سربار دیگری شدن.

مذموم بودن بیکاری، کم کاری، ربا، غش و عدم صداقت.

کار متقن و وجدان کاری.

اخلاص در کار و انگیزه تقرب الهی.

شایسته سالاری و ضابطه گرایی.

عدم ممانعت کار با تعهدات دیگر.(۱)

۱- مبانی نظام اجتماعی اسلام، صص ۳۲۰ ۳۲۵.

ص: ۳۶

ص: ۳۷

فصل دوم: ابتنا بر اسناد بالادستی و سیاست های سیاسی، اقتصادی

اشاره

فصل دوم: ابتنا بر اسناد بالادستی و سیاست های سیاسی، اقتصادی

ص: ۳۸

ص: ۳۹

نظام جمهوری اسلامی از بدو پیروزی، مسیر تدوین قانون اساسی و پایبندی به قانون را در عرصه های سیاسی و عملیاتی وجهه همت خویش قرار داد و آنگاه با تدوین چشم انداز بیست ساله این مسیر را طراحی نمود و در قالب برنامه های پنج ساله تاکنون در طی پنج برنامه تلاش کرده از فعالیت های کور و ناهمگون و سلیقه ای بپرهیزد. این خود آگاهی در عرصه های دیگر نیز رخ نمود و تدوین منشور اخلاقی انتخابات از آن جمله است. در نظامی که مبتنی بر عدالت و اجتهاد و اصل ولایت فقیه است، توجه به بیانات و منویات رهبری نظام از اسرار و رموز این حرکت مقدس به شمار می رود، امتیازی که دشمنان نظام را سردرگم کرده و تحلیلی برای آن نمی یابند و موجب شده تا همه همت خود را صرف تضیعف این رکن مهم نظام نمایند. ضرورت طرح مباحث این فصل در راستای توجه به این واقعیت ها است. از آنجا که رسالت رسانه ملی فرهنگ سازی به ویژه در عرصه عمومی است آنچه در این زمینه نیز بوده برجسته شده است.

الف)قانون اساسی، خاستگاه تعیین سیاست های کلان

الف)قانون اساسی، خاستگاه تعیین سیاست های کلان

جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه ای است که بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادگی انسان حفظ شده و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده

ص: ۴۰

است. ارکان این جامعه بر امامت و رهبری مستمر و ایفای نقش آن در تداوم انقلاب اسلام و نیز اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین: استوار است بر از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری استفاده می کند و هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری را نفی می کند.

در چنین جامعه ای اقتصاد وسیله است و هدف از تحکیم بنیادهای اقتصادی، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل است.

برخی از خصوصیات اساسی جامعه مورد بحث در قانون اساسی به شرح زیر است:

استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی.

وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت.

تأمین نیازهای مادی و معنوی انسانی در جریان رشد و تکامل و شکوفایی استعدادها.

بالندگی تولید و اشتغال کامل و مولد.

اشتغال کامل و خوداتکایی و کارآمدی.

اقتدار ملی، مشارکت مردمی و حاکمیت قانون.

عزت ملی؛ وحدت ملی.

اتحاد ملل اسلامی.

در اصل ۳ و ۴ و۸ و۹ و۱۰ و۱۱ و ۱۴ و ۱۵ و۱۹ و۲۰ و۵۶ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۷۵ دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مقدس اسلامی، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار گیرد.

ص: ۴۱

ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کوچک ترین خدشه ای وارد کند و در مقابل هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزاد ی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

به حکم آیه کریمه «إِنّ هـذِهِ أُمّتُكُمْ أُمّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) همه مسلمانان یک امت واحدند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و

ص: ۴۲

اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و تلاش کند وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام محقق شود.

به حکم آیه شریفه «لا یَنْهاکُمُ اللّهُ عَنِ الّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ أنْ تَبَرّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إلَیْهِمْ إنّ اللّهَ یُحِبّ الْمُقْسِطینَ»(ممتحنه: ۸) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

یکی از اصول سیاست فرهنگی کشور، برابری قومی است. مطابق این اصل، علاوه بر اینکه برابری قومی باید به عنوان یکی از اصول سیاست فرهنگی عنوان گردد، باید در برنامه ریزی ها نیز مورد توجه باشد. یعنی ما در مورد برابری قومی نیاز به شعار نداریم و باید مرز بین سیاست و شعار را رعایت کنیم. البته بحث برابری قومی از جنبه های غیرفرهنگی نیز قابل بحث است که در این جا مورد بررسی ما نیست.

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی

ص: ۴۳

خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد (از جمله اصل ۵۶، ۵۷ و ۱۰۷ قانون اساسی) می آید اعمال می کند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیر محارب استوار است.

جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می داند. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.

ب) سیاست های کلان فرهنگی بر اساس چشم انداز بیست ساله کشور

ب) سیاست های کلان فرهنگی بر اساس چشم انداز بیست ساله کشور

تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی، تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی.

ص: ۴۴

ایجاد جامعه ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزش های اسـلامی، فرهنگ مدار و شهروندانی آگاه، عزت مند و برخوردار از ملاک های درستکاری و احساس رضایتمندی.

رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی.

پیشبرد راهبرد گفت وگوی میان تمدن ها و فرهنگ ها در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی.

ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده.

نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق، افزایش سـهم کشور در تولیدات علمی جهان، گسترش و تعمیق نهضت نرم افزاری و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری.

توسعه علوم و فناوری های جدید شامل فناوری زیستی، ریزفناوری، فناوری فرهنگی، فناوری زیست محیطی و فناوری مواد جدید.

توسعه ارتباطات و زیرساخت های ارتباطی و فناوری اطلاعات، متناسب با پیشرفت های جهانی.

بر اساس این سند، جامعه در چشم انداز بیست ساله جامعه ای دارای ویژگی های زیر است:

جـامعه ای برخوردار از عـدالت اجتمـاعی، سـلامت، رفاه مادی، جایگاه اول اقتصاد و علم و فناوری در منطقه، مردم سالاری مسـتقر، محیط زیست مطلوب ومتکی بر ارزش های اسلامی و اخلاقی و امنیت روانی، اجتماعی.

در این جامعه فقر نیست، درآمد عادلانه است، فساد و تبعیض وجود

ص: ۴۵

ندارد. از دانش پیشرفته برخوردار است در علم و فناوری توانا است. متکی بر سهم برتر نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی است و از آزادی های مشروع و حفظ کرامت و حقوق انسان ها و امنیت اجتماعی و قضایی برخوردار است. از نظر جهانی مستقل و مقتدر است و دارای سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه است .

فرهنگ عمومی مبتنی است بر ایثارگری، مسئولیت پذیری، ایمان، برخوردار از وجدان کاری، دارای انضباط، دارای روحیه کاری، الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و نهاد خانواده مستحکم.

در این جامعه امنیت اجتماعی و برابری فرصت ها و تأمین امنیت غذایی وجود دارد. سطح درآمد سرانه بالا است و اشتغال کامل وجود دارد. رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی و تعامل سازنده با جهان و نواندیشی و پویایی فکری و تأکید بر جنبش نرم افزاری از شاخصه های این جامعه است.

معیارهای توسعه و پیشرفت در این جامعه عبارتند از: شاخص های اقتصادی و اجتماعی، بهداشتی، علمی و فناوری، حقوق انسانی و آزادی های مشروع مدنی، پایداری محیطی و فرهنگی دینی و دفاعی امنیتی.

ج)سیاست های کلان فرهنگی برنامه پنجم:

ج)سیاست های کلان فرهنگی برنامه پنجم:

گزاره های سیاست فرهنگی در سیاست های کلی برنامه پنجم عبارتند از:

تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح های مهم.

ص: ۴۶

زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی رحمه الله و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها.

تقویت قانون گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در تولید.

مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات.

استفاده بهینه از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام.

ایجاد درک مشترک از چشم انداز بیست ساله و تقویت باور و عزم ملی برای تحقق آن.

تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی های آنان.

هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی اسلامی، رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.

د)راهبرد ها و سیاست های مقام معظم رهبری در سخنرانی اول فروردین ۱۳۹۲

د)راهبرد ها و سیاست های مقام معظم رهبری در سخنرانی اول فروردین ۱۳۹۲

مقام معظم رهبری طبق یک سنت حسنه، روز اول فروردین هر سال در سخنرانی مشهد مقدس طبق به شرایط کشور و جهان را تحلیل و شعار

ص: ۴۷

سال را انتخاب می کنند. در سال جاری (۹۲) نیز این اقدام صورت پذیرفت و ایشان سیاست های کلان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تبیین کرد، برخی از مباحث مورد تأکید ایشان که می تواند در راهبردها و سیاست گذاری رسانه ملی مورد توجه قرار گیرد، به شرح زیر است.

پیش بینی اقدامات دشمن و اقدام فعال و هوشمندانه در مقابل طراحی های او.

انتخابات مظهر حماسه سیاسی، اقتدار نظام اسلامی، مردم سالاری اسلامی، اراده ملی و آبروی نظام است.

انتخابات مخصوص یک جریان و سلیقه خاص سیاسی نیست، بلکه حضور در انتخابات وظیفه و حق همه کسانی که دل در گرو منافع ملی و استقلال کشور دارند. .

در انتخابات امسال نیز، با عنایت پروردگار و همت ملت ایران باید مشارکت گسترده ای تحقق یابد، زیرا انتخابات ریاست جمهوری در همه مسائل اصلی کشور تأثیر گذار است. روی گردانی از انتخابات مناسب کسانی است که با نظام اسلامی مخالفند.

رأی مردم تعیین کننده نهایی در انتخابات است و تشخیص مردم در شناخت اصلح مهم است و مردم باید با تحقیق از افراد مورد اطمینان و دقت در کاندیداها، به فرد اصلح برسند.

هرگونه سخن یا اظهارنظری مبنی بر اینکه رهبری به فرد خاصی نظر دارد، نادرست است.

مردم مراقب باشند تا در شناخت فرد اصلح تحت تأثیر اظهارات رسانه های گوناگون از جمله پیامک های انبوهی که رواج پیدا کرده، قرار نگیرند.

ص: ۴۸

حوادث سال ۸۸ از آنجا آغاز شد که عده ای نخواستند به قانون و رأی مردم تمکین کنند و در مقابل، مردم را به شورش های خیابانی دعوت کردند که یکی از خطاهای جبران ناپذیر بود.

رئیس جمهور آینده باید ضمن آنکه دارای امتیازات رئیس جمهور قبلی باشد، از نقاط ضعف او نیز به دور باشد.

باید انتخاب مردم در انتخابات ریاست جمهوری، نشانگر پیشرفت و تکامل و انتخاب بهترین ها در هر دوره نسبت به دوره های قبل باشد.

کسانی که وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری می شوند، باید پایبند به انقلاب اسلامی و ارزش ها، پایبند به منافع ملی ومعتقد به اداره کشور، با عقل جمعی و تدبیر باشند.

در مسائل کشور نیز ارزیابی و محاسبه ملی، کاری با اهمیت است، زیرا قابل عبرت گرفتن و بهره گیری برای آینده است.

ملت ایران باید با نگاهی کلان و واقع بینانه، ارزیابی صحیحی از شرایط کشور داشته باشد.

ارزیابی شرایط کشور با نگاه صرف به مسائلی همچون گرانی ها، کاهش تولید در برخی واحدهای تولیدی و فشارهای اقتصادی، ناقص و نادرست است. نگاه صحیح آن است که در میدان عظیم و پر چالش ملت ایران، در کنار نقاط ضعف و مشکلات، پیشرفت ها و دستاوردهای بزرگ نیز دیده شود که در این صورت نتیجه چنین ارزیابی کلانی، سربلندی و قهرمانی ملت ایران است.

در خصوص تحریم های به اصطلاح فلج کننده امریکا، در این صحنه پرچالش، ملت ایران توانسته است با هوشمندی و ظرفیت و قدرت بالا، تهدیدها را تبدیل به فرصت کند و همانند قهرمانی ورزشی، از یک

ص: ۴۹

هماوردی سخت و همراه با زحمت و تلاش و خستگی، پیروز خارج شود و تحسین همگان را نیز برانگیزد. اگر چنین نگاهی به کشور و شرایط آن باشد، قطعاً قهرمان این صحنه عظیم، ملت ایران است.

دشمنان برای مقابله با پیشرفت های ایران دو روش را در پیش گرفته اند: ۱. مانع تراشی عملی همچون تحریم وتهدید و مشغول کردن مسئولان، نخبگان و ملت به کارهای فرعی و غیر اولویت دار؛ ۲. تبلیغات گسترده و پرحجم برای پنهان کردن پیشرفت های ملت ایران و بزرگنمایی برخی نقاط ضعف.

مرکز اصلی توطئه ها بر ضد ملت ایران، امریکا است و امروز بعد از گذشت ۳۴ سال، هر گاه که نام دشمن برده می شود، ذهن ملت ایران به سرعت متوجه امریکا می گردد. علاوه بر امریکا، دشمنان دیگری هم وجود دارند، که دولت انگلیس خبیث از جمله آنها است، اما از خود استقلالی ندارد و با دنباله روی، نقش مکمل دولت امریکا را دارد.

رژیم غاصب صهیونیستی در حد و اندازه ای نیست که در صف دشمنان ملت ایران به حساب بیاید. اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی ایران، تل آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد.

امریکایی ها دائماً برای این چند دشمن ملت ایران، تعبیر نادرستِ «جامعه جهانی» را بکار می برند در حالیکه «جامعه جهانی» به هیچ وجه درصدد دشمنی با ایرانی و ایران اسلامی نیست.

دشمنان بر خلاف ظاهر فریبی، حرکت برنامه ریزی شده ای را آغاز کرده اند و انتظار داشتند بعد از چند ماه، ملت ایران تسلیم زورگویی آنها شود و دست از فعالیت های فزاینده علمی خود بردارد، اما آنچه که اتفاق افتاد خلاف خواسته و پیش بینی بدخواهان بود.

ص: ۵۰

اگر تحریم ها اثر گذاشته، علت آن اشکال اساسی در وابسته بودن اقتصاد کشور به نفت است و بر همین اساس باید اقتصاد بدون نفت از برنامه های اصلی و دارای اولویت های دولت آینده باشد.

رسیدن به اقتصاد بدون نفت امکان پذیر است، اما شرط آن برنامه ریزی صحیح و اجرا، است.

یکی از اقدامات بدخواهان ملت ایران در عرصه سیاسی، تلاش برای منزوی کردن نظام اسلامی است اما برگزاری اجلاس سران عدم تعهد در تهران با حضور سران و مسئولان بلند پایه جنبش عدم تعهد و تحسین ایران به دلیل پیشرفت های شگرف علمی و فناوری و اقتصادی، طراحی دشمنان را با شکست کامل مواجه کرد.

ایجاد تردید در ملت ایران و جدایی آنان از نظام اسلامی یکی از اقدامات بدخواهان در عرصه سیاسی است.

حضور متراکم و پرشور و شوق مردم در راهپیمائی ۲۲ بهمن و ابراز احساسات آنان به اسلام و انقلاب اسلامی مشت محکمی بر دهان دشمنان بود.

حضور قدرتمندانه ایران در پشت صحنه جنگ هشت روزه غزه و به زانو درآمدن رژیم صهیونیستی در مقابل مبارزان فلسطینی و همچنین اقرار بدخواهان به غیرقابل حل بودن مسائل منطقه ای بدون حضور ایران، موجب بی نتیجه شدن دشمنی ها در این عرصه ها شد.

همه این فشارها و دشمنی ها به ویژه تحریم ها در کنار برخی از آثار منفی آن، آثار مثبت بزرگی نیز داشته است که مهم ترین آن، فعال شدن نیروهای درونی و استعدادهای ملت ایران و تحقق کارهای عظیم و زیربنایی در سال گذشته است.

ص: ۵۱

کشف منابع جدید نفت و منابع جدید اورانیوم، ایجاد و توسعه نیروگاه ها و پالایشگاه ها، اقدامات زیربنایی در بخش راه و در حوزه انرژی، دستاوردهای مهم علمی و فناوری از جمله پرتاب ماهواره ناهید و پرتاب کاوشگر پیشگام به همراه موجود زنده به فضا، ساخت جنگنده فوق پیشرفته، تولید داروهای حساس و نوترکیب، کسب رتبه اول در حوزه نانو فناوری در منطقه، کسب مقام های برجسته علمی، افزایش سرعت پیشرفت علمی، رشد تعداد دانشجویان در کشور، موفقیت های علمی در سلول های بنیادی و انرژی های نو و انرژی هسته ای، بخشی از پیشرفت های شگرف جوانان و دانشمندان ایرانی در سالی است که قرار بود ملت ایران بر اثر تحریم ها فلج شوند.

درس بزرگ موفقیت ها و دستاوردهای سال ۹۱، این است که یک ملت زنده هرگز بر اثر تحریم، فشار و سخت گیری دشمن به زانو در نخواهد آمد.

وابستگی کشور به نفت، بی اعتنایی به سیاست های کلان اقتصادی و گرفتار شدن به سیاست های روزمره از جمله نقاط ضعفی هستند که لازم است مسئولان کشور، به خصوص دولت آینده به آنها توجه کنند و بدانند که کشور باید سیاست اقتصادی کلان، روشن، برنامه ریزی شده و مدون داشته باشد .

هر اندازه که بنیه کشور قوی باشد و مسئولان با وحدت و همدلی و بر اساس تدبیر عمل کنند، تأثیر اقدامات خصمانه دشمنان به حداقل خواهد رسید.

ملت ایران با موفقیت های خود در سال گذشته ثابت کرد که وابسته

ص: ۵۲

نبودن به امریکا و قدرت های بزرگ نه تنها موجب عقب ماندگی نیست، بلکه موجب پیشرفت می شود.

پیش دستی در کارهـای علمی، وظیفه بزرگ اخلاقی و عاقلانه دولت هـا، صـنعت گران، کشاورزان، سرمایه داران و کارآفرینان، پژوهشگران، طراحان علمی و صـنعتی، استادان دانشگاه ها، مـدیران اقتصادی و پارک های علمی و فناوری است و وظیفه همه این است که کشور را در برابر دشمنان، مستحکم، غیرقابل نفوذ و تأثیرناپذیر کنند.

بر اساس تجربه های گذشته به گفتگو با امریکایی ها خوشبین نیستم.

ما بارها گفته ایم که به دنبال سلاح هسته ای نیستیم.

برداشت مـا این است که پیشـنهاد مـذاکره یـک تاکتیـک امریکایی برای فریب افکار عمومی دنیا و مردم ایران است و اگر این گونه نیست، باید امریکایی ها این موضوع را در عمل ثابت کنند.

امریکایی ها مایل نیستند که مذاکرات هسته ای به نتیجه برسد.

ه)سفارش های رهبری به رسانه های الکترونیکی و اینترنتی

ه)سفارش های رهبری به رسانه های الکترونیکی و اینترنتی

مقام معظم رهبری با گلایه از بد اخلاقی های رسانه های الکترونیکی و اینترنتی می فرماید:

رسانه های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شـده انـد که افراد بی محابا علیه یکـدیگر حرف بزننـد، بد بگویند. باید از طرف مسئولین کشور برای این هم یک جوری تدبیر بشود. ولی عمده این است که خود ما مردم، خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون. واقعاً یکی از چیزهائی که ما همه مان باید توجه کنیم، به مردم هم باید

ص: ۵۳

بگوئیم، یاد بدهیم که توجه بکنند این است که: به صرف توهم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا وبلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهنشان آمد، آن را بگویند.

ایشان رسانه ها را ملزم به رعایت موارد ذیل می داند:

۱. افزایش سطح آگاهی و تحلیل مردم:

مطبوعاتی که طریق سلامت بپیمایند و بنا بر عناد و بدجنسی نداشته باشند. این گونه مطبوعات، در هر رشته ای قلم بزنند - سیاسی باشند، فرهنگی باشند، اقتصادی باشند، درباره مسائل خارجی حرف بزنند، در خصوص مسائل داخلی حرف بزنند و هر کاری که بکنند، به نفع نظام حرکت کرده اند. چرا؟ چون بر مایه آگاهی مردم می افزایند. موضع مطبوعات در جمهوری اسلامی، این است.(۱)

۲. ایفای سه وظیفه عمده نقد و نظارت، اطلاع رسانی و تبادل آرا:

برای مطبوعات سه وظیفه عمده قائلم: وظیفه نقد و نظارت، وظیفه اطلاع رسانی صادقانه و شفاف، وظیفه طرح و تبادل آرا و افکار در جامعه.(۲)"

۳. تشویق مردم به انتخاب:

کسانی که زبان گویایی دارند، قلم توانایی دارند و آبرویی پیش مردم دارند که این آبرو هم جزو ذخایر الهی است و خدای

۱- ۱مقام معظم رهبری،۱۳۷۵/۰۲/۱۳.

۲- ۲مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

ص: ۵۴

متعـال به هرکس داده است، بایـد آن را در راه او مصـرف کنـد و به کـار ببرد مردم را توجیه و تشویق کننـد و آدم های خوب را به آنها معرفی نمایند.(۱)

۴. پاسداری از انتخابات به منزله یک نعمت الهی

انتخابات که مظهر حضور مردم است، مظهر مردم سالاری دینی است، بایـد پشـتوانه امنیت ما باشد. نباید اجازه داد که این چیزی که ذخیره امنیت است، پشتوانه ی امنیت است، به امنیت ما صدمه وارد کند.(۲)

۵. انتقاد منطقی و واقع بینانه

البته انتقـاد منطقی، گفتن حرف صـحیح این قـدر حرف هـای آشـکار وجود دارد که انسـان اگر ذکر آنها را بکنـد، اصـلاً هم غیبت نیست، و می تواند انسان نقد بکند.(۳)

۶. ترویج حسن ظن

این چیزی که امروز مورد ابتلاـست در جـامعه مـا، از همـان چیزهـایی است که بایست از همین ادله غیبت بفهمیم که درست نیست؛ این وضعی که وجود دارد درست نیست. (۴)

۷. کمک نکردن به خواست دشمن

از گویندگان و نویسندگانی که توفیق سخن گفتن با مردم را دارند، درخواست می کنم که همواره خدا را در نظر داشته،

۱- ۳مقام معظم رهبری،۱۳۷۴/۱۱/۱۴.

۲- ۴مقام معظم رهبری ،۱۳۹۰/۰۶/۰۹.

۳- ۵مقام معظم رهبری،۱۳۸۹/۱۰/۰۷.

۴- ۶مقام معظم رهبری،۱۳۸۹/۱۰/۰۷.

ص: ۵۵

حقیقت را بیان کنند و با سـخنان خلاف واقع یا تکیه بر گمان واهی، خدای ناخواسـته، به تبلیغات دشـمن کمک نکرده؛ کام شیرین مردم را تلخ نکنند.(۱)

۸. ذهـن مردم را مشـغول مسائـل فرعی نکننـد: «سـفارش می کنیـم که از وارد کردن حرف هـا و مطـالب نـادرست که ذهن مردم را مشغول میکند به فضای ذهنی مردم پرهیز کنید. »(۲)

۹. مردم را نسـبت به انتخابات دلسـرد نکنند: مبادا در روزنامه یا در رسانه ای به هر نحوش یا در تبلیغاتی، طوری حرف زده بشود که مردم را نسبت به انتخابات دودل بکنند. » (۳)

۱۰. اعتماد به نفس مردم نباید شکسته شود: «هوچیگری کردن، مردم را دلسرد کردن، اعتماد به نفس مردم را شکستن، آنها را ناامید کردن نسبت به آینده، هیچ روا نیست. »(۴)

۱۱. از اختلافات جزیی و غیر اصولی صرف نظر شود:

چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضاییه باشد؛ اینها مسئولین کشورنـد. مسـئولین کشور کسانی هسـتند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشـته باشـند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را می خواهد. دشمن می خواهد شایعه پراکنی کند؛

۱- ۷مقام معظم رهبری،۱۳۷۱/۰۱/۲۷

۲- مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.

۳- مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹.

۴- مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

ص: ۵۶

می خواهد دل ها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند. (۱)

۱۲. نقاط برجسته ملت تضعیف نشود:

آن کسانی هم که دارای تریبون های گفتن هستند، دارای رسانه هستند، صدایشان در جامعه شنیده می شود، سعی کنند نقاط برجسته این ملت را طبق میل دشمن کوچک نکنند، تضعیف نکنند، کمرنگ نکنند. این هوشیاری ملت ایران باید همواره محفوظ بماند. (۲)

۱۳. هر خبری گفتنی نیست:

بعضی از خبرها، اصلاً مضر است. حادثه ای را در جایی درست می کنند و میلیون ها و میلیاردها دلار خرج می کنند، تا آن را به گوش ما برسانند. آنگاه ما بیاییم، همین حادثه را از طریق رسانه های گروهی خودمان، به گوش مردممان برسانیم! آیا این عاقلانه است؟!(۳)

۱۴. تهمت به نظام، گناهی بالاتر از تهمت به افراد است:

اینکه ما بیاییم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه بیگانه رسانه مغرض انگلیس شاهد

۱- مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۹/۰۴.

۲- مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۷.

۳- مقام معظم رهبری، ۶۹/۱۲/۲۱.

ص: ۵۷

برایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می دهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگ تری است. پروردگارا ! با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن. (۱)

۱۵. غیبت در رسانه ها و وبلاگ ها جایز نیست:

به صرف توهم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا وبلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهنشان آمد، آن را بگویند؛ اینجور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است. یعنی خواندن وبلاگ هم مثل خواندن کاغذ است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. استماع غیبت شامل همه اینها می شود؛ یعنی ملاک استماع در اینها وجود دارد مسلماً شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد، خواندن تو نامه هم عین همان است که ما در بحث استماع این را تأکید کردیم و عرض کردیم. (۲)

۱۶. از بی احترامی به شورای نگهبان پرهیز شود: «مبادا خدای نکرده کسی از هیأت های نظار در گوشه ای از کشور کاری کند که دهان بدخواهی را باز کند و احترام شورای نگهبان هتک شود.»(۳)

۱- مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۶/۲۹.

۲- مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۰/۰۷.

۳- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای.

ص: ۵۸

و)ترویج اخلاق انتخاباتی

و)ترویج اخلاق انتخاباتی

منشور اخلاقی انتخابات که در سال ۱۳۸۸ با اشراف وزارت کشور و توسط جمعی از حوزویان و دانشگاهیان گردید و به تصویب ۲۲ نهاد دولتی و غیر دولتی فعال درعرصی سیاسی رسید؛ سندی است که می تواند مبنای فعالیت های ترویجی و تبلیغی صدا و سیما قرار گیرد. در مقدمه این سند آمده است:

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.» (حج: ۴۱)

انتخابات را به عنوان هدف عالی و شیرین مورد توجه قرار دهید و با پرهیز کامل از هر گونه جنجال و تخریب و بد اخلاقی، همه عوامل خود را برای برگزاری پرشور و شوق آن بسیج کنید. (مقام معظم رهبری)

انتخابات برگزار شده در کشور ما، از نظر رعایت اخلاق و موازین اخلاقی، در مقایسه با بسیاری از کشورها، درخشان ترین سابقه را داشته است، اما نباید فراموش کرد که بداخلاقی های انتخاباتی، هر چند اندک، به هیچ روی زیبنده جامعه اسلامی متمدن و فضیلت گرای ما نیست، و نیز با مقاصد عالی حکومت اسلامی سازگار نیست. حکومتی که همه ارکان تصمیم گیری و مدیریت آن را باید مؤمنان و صالحان تشکیل دهند. افرادی که قرآن کریم، فراهم سازی زمینه های والاترین ارزش های اخلاقی در حیطه های فردی، اجتماعی و الهی را به دست و همت آنان نوید داده است. بدین ترتیب، مهم ترین رسالت منشور اخلاقی انتخابات، تحقق کامل این نوید قرآنی است.

بر اساس اصل شصتم قانون اساسی: در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب

ص: ۵۹

رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

قانون گرایی و احترام به قانون از اصول مسلم اخلاقی است که در همه جوامع متمدن بر آن تأکید می شود. در منشور اخلاقی انتخابات نیز رعایت قوانین و مقررات انتخاباتی به عنوان قاعده اولی و اصل حاکم شناخته می شود. حفظ احترام و عمل به اصل شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که سرفصل قوانین انتخابات است، مستلزم مراعات بسیاری از اصول ارزشی و اخلاقی از سوی ارکان مختلف مرتبط با انتخابات است.

اصول و ارزش های اخلاقی آیین رفتار اخلاقی در این منشور عبارتند از :

اصل اول: دین محوری و ارزش گرایی اسلامی

اصل دوم: کرامت انسانی و عزت نفس.

اصل سوم: قانون محوری و قانون گرایی.

اصل چهارم: وفای به عهد و امانت داری.

اصل پنجم: احساس تعلق و مسئولیت جمعی.

اصل ششم: پاسخ گویی و نقدپذیری.

اصل هفتم: صداقت و راستی

اصل هشتم: وفاق و اعتماد اجتماعی

اصل نهم: حق محوری و انصاف

اصل دهم: مشارکت حداکثری

اصل یازدهم: همبستگی، استقلال و اقتدار ملی

اصل دوازدهم: پاک دستی و پرهیزکاری مالی

ص: ۶۰

اصل سیزدهم: حفظ منافع ملی و مصالح اسلامی و احترام به آن ها

اصل چهاردهم: رشد تعالی فرهنگ مناسب سیاسی اجتماعی

فصل دوم سند به آیین رفتار اخلاقی در انتخابات اختصاص یافته و آیین اخلاقی برخی دستگاههای متولی برگزاری انتخابات را بیان نموده است. که به ترتیب عبارتند از :

مجریان و برگزارکنندگان (وزارت کشور، هیأت های اجرایی، نیروهای انتظامی و.. .

ناظران: شورای نگهبان، قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (در انتخابات شوراها)

مطبوعات و رسانه ها

نخبگان و شخصیت های تأثیرگذار

داوطلبان، نامزدها، احزاب و ستادهای انتخاباتی

انتخاب کنندگان

در بخش آیین رفتاری رسانه ای، تکالیف زیر مشخص شده است :

۱. رسانه های دولتی و عمومی

الف) احترام به قوانین و مقررات انتخابات.

ب) اهتمام به آموزش، رشد و آگاهی عمومی در زمینه انتخابات و لوازم آن و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات.

ج) ترویج اصول و ارزش های اخلاقی انتخابات و به کارگیری ادبیات صادقانه، وحدت بخش، امیدوارکننده و نشاط آور در عرصه انتخابات.

د) فراهم سازی زمینه بدون تبعیض برای تبلیغات همه نامزدها و جریان های انتخاباتی (در حدودی که قانون اجازه می دهد).

ه) حفظ بی طرفی کامل انتخاباتی و صیانت از لوازم انتخابات آزاد.

ص: ۶۱

و) رعایت قواعد ناظر به آرامش و نظم عمومی در انتخابات و پرهیز از هرگونه فضاسازی به سود یا زیان حزب یا نامزد خاص.

۲. رسانه های خصوصی

الف) احترام به قوانین و مقررات انتخابات.

ب) اهتمام به آموزش، رشد و آگاهی عمومی در زمینه انتخابات و لوازم آن و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات.

ج) اهتمام به آموزش، رشد و آگاهی عمومی در زمینه انتخابات و لوازم آن و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات.

د) ترویج نگاه وظیفه گرایانه و قانون مدار به تبلیغات انتخاباتی و پرهیز از نگاه کاسبکارانه به آن.

ه) حمایت معقول و اخلاقی از حزب و جریان متبوع با پرهیز از تخریب و نادیده گرفتن شایستگی های احزاب و جریان های رقیب.

و) احترام به ارزش ها و دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی و پرهیز از انتشار مطالب موهن درباره افراد حقیقی و حقوقی.

ز) رعایت قواعد ناظر به حفظ آرامش و نظم عمومی، و پرهیز از فریب افکار عمومی به سود یا زیان حزب یا نامزد خاص، و تحریک تعصبات قومی، مذهبی، صنفی، گروهی و محلی.

ح) کمک به ایجاد فضای نقد منصفانه و مشفقانه درباره عملکرد ارکان انتخابات و دوری از هرگونه اعتماد به گزارش ها و القائات بیگانگان و معاندان نظام اسلامی.

ص: ۶۲

ص: ۶۳

فصل سوم: الگوی پیشرفت اقتصادی اسلامی ایرانی و ضرورت اقتصاد مقاومتی

اشاره

فصل سوم: الگوی پیشرفت اقتصادی اسلامی ایرانی و ضرورت اقتصاد مقاومتی

ص: ۶۴

ص: ۶۵

حماسه آفرینی در عرصه سیاسی و اقتصادی بدون تحقق زیرساخت های فرهنگی ممکن نخواهد بود. رسالت فرهنگی رسانه ملی اقتضاء می کند این سازمان بیش از دیگر نهادها به ابعاد و زمینه های فرهنگ سازی عمومی مورد توجه کند.

خاستگاه غربی مبانی و شاخص های توسعه و ناهماهنگی آن با الگوی توسعه اسلامی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و انسانی موجب گردید تا رهبری نظام به جای به کارگیری واژه توسعه از واژه پیشرفت استفاده نموده، فرزانگان و اندیشمندان را به تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی دعوت نماید. به عنوان مثال در حریم انتخابات اسلامی که موضوعی سیاسی است؛ پرهیز از اسراف لازم است و اسراف کننده با این کار ناشایستگی خود را در معرض دید مردم قرار می دهد. همان طور که نمی توان از ابزار فریب و دورویی برای جذب رأی مردم بهره جست و مردم به عنوان ادای تکلیف و ایفای نقش خود در انتخابات شرکت می کنند. بسیاری از این مفاهیم در نظام های سکولار ناشناخته است و یا از سازوکار اجرایی اخلاقی برخوردار نیست. پس باید برای شناخت الگوی اسلامی و فرهنگ سازی آن همت کرد. بر این مبنا است که تدوین و اجرای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی از اهدافی است که توسط مقام معظم رهبری مطرح و به طور ویژه از سوی ایشان پیگیری می شود. ایشان در مقام تبیین این الگو می فرماید:

ص: ۶۶

اگر این الگوی اسلامی ایرانی در مرحله عمل به اجرا گذاشته شود، قطعاً به الگوی مورد استفاده کشورهای دیگر تبدیل خواهد شد، همان گونه که بسیاری از کارها و موفقیت های ملت و کشور ایران برای دیگر کشورها و ملت ها الگو شده است.

الگو: عبارت است از یک مجموعه قواعد، دکترین، سرمشق ها، راهبردهای کلی، نمونه ها، مدل ها، رویه ها و تمامی مواردی شبیه این که پیش نیاز انجام فعالیت های جزئی و کلی و برای کارهایی است که قرار است با برنامه ریزی و در مسیر درست و بهینه حرکت نماید و به اهداف پیش بینی شده دست پیدا کند. «این الگو دیگر مخصوص جمعی خاص نیست؛ حتی مخصوص مسلمانان هم نیست.»(۱) مقام معظم رهبری درباره جایگاه الگو در فرایند تصمیم گیری می فرماید:

الگوی پیشرفت چیست؟ ما باید این را مشخص کنیم. اگر این را مشخص کنیم، آن وقت در برنامه ریزی ها، اولویت ها، تقدم ها، برنامه ها، زمان بندی ها، و سرمایه گذاری های ما اثر می گذارد؛ به دنبال خود فرهنگ سازی می آورد؛ در گفتگوی نخبگان خودش را نشان می دهد و به ذهنیت عامه مردم سرریز می شود؛ حتّی در صادرات و واردات کشور اثر می گذارد؛ چه چیزی را از کجا وارد کنیم؟ چه چیزی را به کجا صادر کنیم؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی این الگو را در راستای نظام سازی اسلامی ترسیم می کنند و درباره نظام اسلامی می فرمایند:

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی۷، ۳۰/۰۶/۱۳۸۱.

ص: ۶۷

نظام اسلامی، نظامی است بر پایه مبانی اسلام. هر جا که توانسته ایم وضع موجود و ساختار کنونی نظام خودمان را بر پایه اسلام قرار بدهیم، این خوب است، مطلوب است؛ هر جا نتوانستیم، سعی ما باید این باشد که آن را بر همان پایه و مبنای اسلامی قرار بدهیم؛ از او نباید تخطی کنیم. این هدف ماست.(۱)

در همه آنچه که در دنیا به نام دمکراسی و مردم سالاری شناخته می شود، چارچوب وجود دارد. .. امتیاز نظام اسلامی در این است که این چارچوب، احکام مقدس الهی و قوانین قرآنی و نور هدایت الهی است که بر دل و عمل و ذهن مردم پرتو افشانی و آنها را هدایت می کند. مسئله هدایت مردم یکی از مسائل بسیار مهمی است که در نظام های سیاسی رایج دنیا به خصوص در نظامهای غربی نادیده گرفته شده است.(۲)

مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هرجا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل های تحمیلی و القایی و غالبا هم منسوخ.(۳)

۱- دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش های مختلف نظام، ۱۹/۰۶/۱۳۸۷.

۲- بیانات مقام معظم رهبری پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۱/۰۵/۱۳۸۰.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۷/۰۳/۱۳۸۳.

ص: ۶۸

ایشان بر استخدام هنر در این راستا تأکید می کند:

... استخدام هنر برای انتقال مفاهیم والا و با ارزش که تا اعماق جان مخاطب نفوذ کند. این یک وسیله است، این یک ابزار بسیار با ارزش است. ابزار است، اما آنقدر این ابزار وزن پیدا می کند که گاهی به قدر خود محتوا اهمیت پیدا می کند؛ چون اگر نباشد، محتوا قابل انتقال به دلها نیست.(۱)

از آنجا که رسانه ملی بیش از هر رسالت دیگر مسئولیت فرهنگ سازی عمومی را برعهده دارد، بنابراین در این فصل نخست مبانی پیشرفت و برخی مباحث مرتبط با آن را بررسی می کنیم و سپس به تعریف و تبیین برخی واژگان واصطلاحات اقتصادی فرهنگی پرداخته و سرانجام به بررسی منظور رهبری از اقتصاد مقاومتی می پردازیم که به عنوان راهکار مقابله با سیاست های تحریمی استکبار جهانی مطرح شده است.

مبانی پیشرفت اسلامی

مبانی پیشرفت اسلامی

پیشرفت اسلامی دارای مبانی خاص خویش است که برخی از آنها عبارتند از:

تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه اسلامی، ابتنا بر رضایت الهی، تعالی و تکامل فطری، تأمین کننده سعادت فرد و جامعه، عدالت محوری، ابتنا بر حق الناس و حق الله، برخاسته از روحیه و درک امانت دارای در تولید و مصرف، ابتنا بر مصرف مطابق نیازهای انسانی، رعایت کننده حقوق آیندگان و پاسخ گویی نسبت به زحمات گذشتگان (شکر نعمت)، آمیختگی به حق و تکلیف، ارزش داشتن کار و ملاک اجر

۱- دیدار جمعی از مداحان و ستایشگران اهل بیت: با مقام معظم رهبری، ۴/۴/۱۳۸۷ .

ص: ۶۹

و مزد تلقی شدن، مسئولیت پذیری، توجه به حقوق طبیعت، موجودات و انسان ها، هماهنگی و وحدت گرایی، توجه به برخی منزلت های اجتماعی و توجه به آثار وضعی و تکلیفی اعمال و عبادات در حوزه اقتصاد و پیوند طبیعت و ماوراء طبیعت.

برای رسیدن به حد قابل قبول از شاخص های اقتصاد اسلامی، توجه به نکات و مبانی زیر ضروری است:

توحید گرایی و آثار مترتب بر آن.

داشتن نگرش علمی.

توجه به دنیا و آخرت و عبادت.

رفتار سازمانی و جمعی و احترام به قانون.

مدیریّت شایسته سالار.

مشارکت پذیری.

احترام به انسان و آزادیهای مشروع او.

توزیع متوازن امکانات و برخورداری ها.

شرح صدر و پذیرش قابلیت ها.

تبلیغات رشد دهنده به جای متقاعد کننده.

توجه به اینکه نه هر چه از خارج وارد می شود بیگانه است و نه هر چه در داخل است خودی است.

توجه به قابلیت ها و ظرفیت های متفاوت.

ضرورت ترسیم استراتژی.

توجه به مردم و قدرت توده ها.

استفاده از رسانه ها و برنامه ریزی بر اساس تعامل عقلانی.

شاخص های پیشرفت پایدار

ص: ۷۰

برخی از شاخص های پیشرفت با آنچه تحت عنوان توسعه پایدار خوانده می شود مشترک است، که از آن قبیل است : درون زایی پیشرفت، پایداری، توازن، برنامه ریزی، تولید کنندگی در عرصه های مختلف، ابتنا بر نیازهای واقعی و حقیقی انسانی.

از آن سو پیشرفت نایافتگی از برون زایی توسعه، ناپایداری، عدم توازن، مصرف گرایی، برنامه پذیری و ابتنا بر نیازهای کاذب ناشی است.

آموزه های دینی مؤید پیشرفت

آموزه های دینی مؤید پیشرفت

برخی از آموزه های اسلامی مؤید و مشوق پیشرفت عبارتند از :

وَابْتَغِ فِیمَا آتَاکَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَهَ وَلَا تَنسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیَا. (قصص: ۷۷)

لیس منا من ترک دنیاه لدینه او ترک دینه لدنیاه(۱)

هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا. (هود: ۶۱)

طلب الحلال فریضه علی کل مسلم(۲)

مرد بیکار از چشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می افتد.

پیامبر دست کارگر را پس از جنگ تبوک بوسیده فرمود: این دستی است که آتش به آن نمی رسد.

کسی که با دسترنج خود طلب حلال کند درهای بهشت به روی او باز می شود تا از هر دری که می خواهد وارد شود. (۳)

آموزش وجدان کاری حتی در چیدن سنگ لحد.

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۷۸، ص ۳۲۱.

۲- بحارالانوار، ج ۹۰، ص۱۰۲.

۳- بحارالانوار، ج۱۰، ص۱۰۰.

ص: ۷۱

امام کاظم علیه السلام فرمود: اوقاتتان را به چهار بخش تقسیم کنید. (برنامه ریزی): مناجات، معاش، معاشرت، لذت حلال.(۱)

کسی گفت دنیا را دوست دارم. امام صادق علیه السلام فرمود: برای چه دنیا را دوست داری؟ گفت: برای امرار معاش خانواده ام. امام فرمود: این طلب آخرت است.

اقتضائات پیشرفت اقتصادی فرآیندی است که طی آن شالوده های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می شود. که حاصل آن تحول در کاهش نابرابری اقتصادی و زمینه های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف و این وضعیت، موجب توزیع عادلانه و بهبود سطح زندگی ملت و استقرار ساختار های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

برخی از موانع پیشرفت اسلامی

اشاره

برخی از موانع پیشرفت اسلامی

موانع پیشرفت را به عوامل درون منطقه ای و برون منطقه ای می توان تقسیم کرد:

الف) عوامل درون منطقه ای

اشاره

الف) عوامل درون منطقه ای

کینه های تاریخی منطقه ای و نگرانی از پیشرفت ایران.

مذاهب مختلف و تعصب های نهفته در باورهای عامه مردم.

زبان و نژاد های متفاوت.

وضعیت متفاوت اقلیمی.

حکومت های سرسپرده منطقه ای.

۱- تحف العقول، ص ۳۰۷.

ص: ۷۲

فرهنگ ضدیّت با ایرانی

فرهنگ ضدیّت با ایرانی

فهم و تعصب های بی جا و وابستگی برخی از علمای اهل سنت به دولت ها و اعتقاد به پذیرش سلطه حاکم مبسوط الید.

نزدیکی زمینه ساز رقابت ها و چشم و هم چشمی ها و تحریک دشمنان

است. پیشرفت یک جامعه همان طور که می تواند موجب هم نوایی بیشتر شود می تواند عامل واگرایی باشد.

قومیت های تقسیم شده در کشورهای همسایه و تفاوت برخورداری ها.

طرز تلقی نادرست از نوگرایی و سنت مداری.

زمینه هایی که موجب به وجود آمدن افراط گرانی چون القاعده و طالبان می شود.

ب)عوامل برون منطقه ای

ب)عوامل برون منطقه ای

عوامل روانی: عقب ماندگی ها، تقسیم بندی هایی نظیر توسعه یافته و نیافته، فشارتبلیغاتی گسترده،. . .، تحقیر مقدسات و ایجاد روحیّه خود کم بینی،

عوامل فرهنگی: القای فرهنگ تنوع خواهی، لذّت طلبی، مصرف گرایی، برجسته کردن اختلافات منطقه ای، بهره گیری عمده از علوم انسانی وتربیت نخبگان بی هویّت، ترویج تساهل دینی، بی مبالاتی اخلاقی، تحقیر سنت در مقابل تجدد، القای مدل غربی دموکراسی، بهره گیری از محافل به ظاهر علمی و فرهنگی و هنری و مطرح کردن عناصر خود فروخته و رام، بهره گیری از قدرت رسانه ای.

عوامل سیاسی: طرح خاورمیانه بزرگ، کشاندن دولت ها پای میز

ص: ۷۳

مذاکره با رژیم اشغال گر فلسطین، ساخت ماکت هایی از حکومت های دینی مثل طالبان.

تبیین برخی واژگان و اصطلاحات در حوزه اقتصاد و فرهنگ

اشاره

تبیین برخی واژگان و اصطلاحات در حوزه اقتصاد و فرهنگ

زیر فصل ها

الف) اقتصاد فرهنگ

ب)زمینه های فرهنگی اقتصاد

ج) فرهنگ اقتصادی

د) اقتصاد فرهنگی

ه)اقتصاد فرهنگ

و) اقتصاد فرهنگ در مقوله مصرف فرهنگی

ز)زمینه های فرهنگی اقتصاد

ح)فرهنگ اقتصادی

ط)ضرورت فرهنگ سازی اقتصادی

الف) اقتصاد فرهنگ

الف) اقتصاد فرهنگ

مسائل مربوط به مالکیت منابع تولیدی، ساختارهای تولید، قیمت گذاری محصولات تولیدی، رفتار مصرفی مصرف کنندگان، تأمین مالی فرایند تولید و صنعت، بازارها و بازاریابی، روابط صنعت با دولت و... در اقتصاد فرهنگ مورد بحث واقع می شوند.

ب)زمینه های فرهنگی اقتصاد

ب)زمینه های فرهنگی اقتصاد

موضوعات معیشتی و اقتصادی در مقام تحقق و به عنوان سبکی از زندگی، در بستری از مؤلفه های فرهنگی رخ می دهند و پویایی و تکامل می یابند. مقوله هایی چون سرمایه اجتماعی و انسانی، فناوری های نرم، قواعد بازی، عادات و آداب و رسوم، تاریخ و اخلاق و عقل جمعی و... مفاهیمی هستند که زمینه های فرهنگی رفتارهای اقتصادی در هویت های فردی و جمعی بشر را شکل می دهند.

ج) فرهنگ اقتصادی

ج) فرهنگ اقتصادی

رصد و پایش، یا تلاش برای شکل گیری فرهنگ اقتصادی مطلوب و طرد و حذف خرده فرهنگ های معارض با فرهنگ مطلوب اقتصادی و یا رفتارسازی های اقتصادی، ما را به مقوله ای نظری و عملی سوق می دهد که طی آن نظام فرهنگی با تمامی منابع، نهادها و ابزارهای خودش به

ص: ۷۴

سراغ ساختن یک نظام مطلوب اقتصادی می رود. فرهنگ کار، فرهنگ پس انداز و سرمایه گذاری، فرهنگ مصرفی، فرهنگ مالیاتی و... از جمله مواردی هستند که یک متخصص فرهنگ اقتصادی می داند نیل به مطلوب در آنها، مستلزم چه ابعادی و چگونه اقدامی است و چگونه باید وضع موجود را در آن زمینه ها شناخت و برای رسیدن به وضع مطلوب برنامه ریزی کرد.

د) اقتصاد فرهنگی

د) اقتصاد فرهنگی

دانش اقتصاد فرهنگی نشان می دهد که چگونه و به چه دلیل بخش فرهنگی می تواند با تولید کالاها و خدمات فرهنگی، حضوری مهم در تولید ناخالص ملی، اشتغال و سرمایه گذاری یا صادرات داشته باشد. چرا و در چه شرایطی، گذار از صنعت (به معنای خاص آن) و دیگر بخش ها به نفع بخش فرهنگی لازم است و بخش خدمات و صنایع فرهنگی چه ویژگی های منحصر به فردی دارند که می توانند در رشد و پیشرفت اقتصادی کشور مورد هدف گذاری اقتصاددانان قرار بگیرند.

هر جا صحبت از فرهنگ می شود عملاً- مشتمل بر عرصه های جزئی تری مثل هنر، رسانه، سرگرمی ها و تفریحات، ورزش، ارتباطات نیز است. به عبارت دیگر اقتصاد رسانه (با بیش از سیزده زیرشاخه تخصصی)، اقتصاد هنر و اقتصاد ارتباطات، و حتی مواردی چون اقتصاد سرگرمی و تفریحات، شاخه های مختلف از حوزه اقتصاد فرهنگ محسوب می شوند.

ص: ۷۵

ه)اقتصاد فرهنگ

ه)اقتصاد فرهنگ

اقتصـاد فرهنـگ یعنی کـاربرد نظریه هـای اقتصادی در گستره روزافزونی از انواع صـنایع فرهنگی، رسانه ها و فناوریهای اجتماعی و فنی نوظهوری که به عنوان فرهنگ، ارتباطات و رسانه در زنـدگی روزمره سـر برمی آورنـد و نقش ایفا می کننـد. به طور مثال و به عنوان یکی از شاخه های تخصصـی اقتصاد فرهنگ، اقتصاد رسانه، به شـماره تعداد رسانه هایی که بتوان شمرد، شاخه تخصصی می یابـد. مثلِ اقتصاد رسانه های صوتی و تصویری مانند رادیو و تلویزیون، اقتصاد شـبکه های جهانی چون اینترنت، اقتصاد جمیع رسانه های مکتوب چون کتاب و روزنامه، اقتصادهای جمیع عناصر و مؤلفه های درگیر در عرصه رسانه، چون اقتصاد هنرمندان فوق ستاره (سوپراسـتارها) و یـا سازمـان هـا و شـرکت هـای بزرگ ملی یـا بین المللی یـا چنـد ملیتی، چون اقتصاد هالیوود، همه و همه اعضای خانواده بزرگ اقتصاد رسانه هستند.

بروز اهمیت اقتصاد فرهنگ به عنوان تجارتی پرحجم، که صورتی جدیـد از کسب و کار را در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مطرح کرد، در آغاز قرن جدیـد هم علی رغم شـکست هایی که داشت برای اقتصاددانان و سـیاست گذاران اهمیت یافت. بنگاه های فرهنگی از جهت نظـارتی، تکنولوژیکی و تغییرات مـالی، هـدفِ کنترل هـا، انحلال هـا، ادغـام ها و تملک ها بوده است. اقتصاد فرهنگ به دو شاخه اصلی تقسیم می شود:

۱. اقتصـاد صـنایع فرهنگی (کالاهـای فرهنگی): در این بخش به چگونگی تولیـد و عرضه و تقاضای یک محصول فرهنگی پرداخته می شود.

۲. اقتصاد فرهنگ به عنوان یک کالای عمومی: در این بخش به

ص: ۷۶

فرهنگ عامه و (حتی فرهنگ های اختصاصی جوامع مختلف) به عنوان یک کالای عمومی توجه می شود. و چنین سؤالاتی مطرح می شود: چون هزینه تغییر یک فرهنگ رایج چه مقدار است؟ فواید اقتصادی تغییر یک فرهنگ خاص مانند فرهنگ رانندگی چیست؟ تأمین مالی فرهنگ سازی اجتماعی چگونه صورت می پذیرد؟ یک فرهنگ اجتماعی خاص چه هزینه ها و چه منافعی برای کشور دارد؟ این نگاه مشابه نگاه به امنیت است. یعنی فرهنگ مانند امنیت یک کالای عمومی است و مسائل آن مشابه است.

و) اقتصاد فرهنگ در مقوله مصرف فرهنگی

و) اقتصاد فرهنگ در مقوله مصرف فرهنگی

اقتصاد فرهنگ کمک می کند تا الگوریتم انتخاب های مصرف کنندگان فرهنگی برای سیاست گذاران و تولیدکنندگان فرهنگی شناخته شود همچنین چارچوب هایی تئوریکی در اختیار ما قرار می دهند تا رفتار مصرف کنندگان را بتوانیم معنا کنیم. مثالی که لیپسی و کریستال برای تبیین این اصل به کار برده اند نشان می دهد با ثابت نگاه داشتن سایر شرایط، مصرف کننده با مصرف فیلم بیشتر در هر ماه رضایتمندی بیشتری به دست می آورد. با وجود این، مطلوبیت نهایی هر فیلم اضافی در هر ماه از مطلوبیت نهایی واحد قبلی کم تر است. یعنی مطلوبیت نهایی با افزایش مقدار مصرفی کاهش می یابد.

ز)زمینه های فرهنگی اقتصاد

ز)زمینه های فرهنگی اقتصاد

امروزه در علم اقتصاد ثابت شده که سبک زندگی اقتصاد یک کشور را شکل می دهد. سبک مصرف، بازارها را رونق بخشیده، گردش درآمدی را

ص: ۷۷

تضـمین می کنـد. سـبک پس انداز، تأمین مالی برای کسب و کارهای جدید و یا بزرگ تر فراهم می کند. سـرمایه های اجتماعی و حافظه های جمعی، تعاملات اقتصادی و غیر اقتصادی بین هویت های فردی و جمعی انسان ها را شکل داده و حفظ می کنند. تحقق این موارد جز به مـدد فرهنـگ، هنر، رسـانه و ابزارهای ارتباطاتی امکان پـذیر نیست. برپایی الگوی اسـلامی ایرانی پیشـرفت، بـدون فراهم آوردن چنین ممکن نخواهد بود.

ح)فرهنگ اقتصادی

ح)فرهنگ اقتصادی

شنـاخت هـا، نگرش هـا، ارزش ها، گرایش ها، عملکردها و رفتارهای اقتصادی افراد یک جامعه، خود بخشـی از فرهنگ آن جامعه است. اگر فرهنگ مجموعه ای از ارزش ها، باورها، نگرش ها و رفتارهای مشترکی باشد که هویت یک جمع را شکل می دهد، لذا فرهنـگ اقتصـادی از طریق تـأثیر بر اهـداف انتخابی، و حتی فرآینـدها، عملکردهای اقتصادی را چه در سـطح عاملان خرد و هویت های فردی، و چه در سطح هویت های جمعی سازمانی، ملی، کلان، منطقه ای و جهانی، متأثر می سازد.

ط)ضرورت فرهنگ سازی اقتصادی

ط)ضرورت فرهنگ سازی اقتصادی

جهـان امروز دریـافته است که توجه به آموزش، فرهنگ سازی و تربیت افراد نوعی سـرمایه گـذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاـش بیشتری کنـد، بـدون شـک از ثمرات آن در آینـده برخوردارخواهـد شـد. بررسـی عوامـل مؤثر بر پیشـرفت و توسـعه درجوامع پیشرفته نیز نشان می دهد که همه این کشورها از نظام تربیتی توانمند و کارآمدی برخوردار

ص: ۷۸

هستند. این کشورهانسبت به هرگونه ضعف در فهم مفاهیم و مهارت های مربوط به تصمیم گیری و تحلیل اقتصادی حساس هستند و و برنامه هایی را جهت مقابله با آن از سطح کودکستان تا دانشگاه از طریق برنامه های رسمی و غیررسمی تدارک می بینند.

اما متأسفانه در اغلب کشورهای جهان اسلام وضعیت دیگری حاکم است. مخاطبان رسانه ها و فرهنگ عمومی و دانش آموختگان نظام آموزشی کشورهای مسلمان وقتی وارد زندگی خانوادگی و عهده دار مسئولیت های اجتماعی مختلف می شوند، به نحو سیستماتیک واجد اطلاعات مورد نیاز از مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی نیستند. به طوری که نه در زندگی فردی خود و در مواجهه با موقعیت ها و شرایطی که صبغه اقتصادی دارند، آن گونه که باید حضور دارند و نه در تفسیر تحولات و وقایع اقتصادی کشورهای خود، توانایی کافی از خود بروز می دهند. آموخته های قبلی آنها چه رسمی و از طریق برنامه های آشکار آموزش و پرورش و چه غیر رسمی از طریق برنامه های پنهان خانواده، نهادهای فرهنگی و آموزشی و رسانه های مختلف، به طور معمول ارتباطی به مسائل و مفاهیم اقتصادی و تدبیر زندگی بر اساس عقلانیت اسلامی و بومی ندارد.

نتیجه چنین ضعف و فقدانی بر رشد اقتصادی و توسعه همه جانبه این کشورها پیشاپیش معلوم است؛ چرا که فرد ناگزیر به عنوان عضو خانواده، نیروی کار، شهروند مسئول در عرصه اجتماعی، مصر ف کننده و تولیدکننده کالا و خدمات، پس اندازکننده و سرمایه گذار است و در بستری از انواع شاکله های جمعی و فردی مانند فرهنگ کار، فرهنگ مصرف، فرهنگ اتخاذ تصمیم های بهینه، فرهنگ هزینه فایده، فرهنگ

ص: ۷۹

استفاده بهینه و کارا از منابع، فرهنگ بهره وری، فرهنگ تعامل با محیط انسانی و فیزیکی اطراف از جمله محیط زیست و ده ها بستر فرهنگی دیگر قرار می گیرد و برآیند رفتارهای جمعی در چنین فضایی است که عوامل رشد یا انحطاط ملتی را فراهم می آورد.

نتیجه اینکه فرهنگ سازی و تربیت اقتصادی را شاید بتوان حلقه مفقوده بسیاری از ناهنجاریهای رفتاری و شکست بسیاری از سیاست های اقتصادی دانست. امری که متأسفانه در جهان اسلام مغفول مانده است. به ویژه با وجود نوزایی تمدن اسلامی و طلیعه تبلور الگوهای اسلامی پیشرفت و عدالت توأمان، تلاش و همتی مضاعف را در این عرصه می طلبد. تلاش و همتی که بتواند با روشن تر ساختن زوایای الگوی دینی از تربیت اقتصادی، نویدبخشِ تحقق اهداف بلند تمدن اسلامی نوین باشد. (۱)

برخی از مسائل حوزه اقتصادی

برخی از مسائل حوزه اقتصادی

برخی از مسائل حوزه اقتصادی عبارتند از :

فقر، بیکاری، مشکل مسکن، اعتیاد، آلودگی هوا و محیط زیست، عدم حاکمیت ضوابط در سیستم اداری، قانون شکنی، قانون گریزی، دلال بازی، اختلاس و نبود سیستم قوی نظارتی، مصرف گرایی، مشکل بهداشت، قاچاق فرار مغزها، نبود امنیت کافی برای سرمایه گذاری در بخش تولید، بیگانگی ناشی از پیشرفت صنعت.

۱- برای تبیین رابطه اقتصاد و فرهنگ از مقاله پیغامی، عادل، (بی تا)، تعاملات دوسویه فرهنگ و اقتصاد، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی» استفاده شده است.

ص: ۸۰

اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی

در بیانات مقام معظم رهبری «مدظله العالی» درباره اقتصاد مقاومتی نکات زیر نهفته است:

۱. تضمین کننده رشد و شکوفایی کشور در شرایط امروزی: «آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد.»

۲. مقاومت در مسیر دشوار:

در لابلای این مشکلات، در وسط این خارها، گام های استوار و همت ها و تصمیم هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه مورد نظر برساند؛ وضع کشور الان اینجوری است.

۳. رویکرد مسئله محوری در اقتصاد مقاومتی:

این شعارهای سال حلقه هائی بود برای ایجاد یک منظومه کامل در زمینه مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله جلوگیری از اسراف، مسئله همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. شما مثل یک ریاضیدانی که می خواهد یک مسئله مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله (اقتصاد مقاومتی) تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضیدان با استعدادی هستید؛ این هم یک مسئله ریاضی است. اینجوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید.

۴. مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی

ص: ۸۱

مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه های دولتی، هم دستگاه های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است.

یک بُعد دیگرِ این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه های دولتی توجه داشته باشند دستگاه های حاکمیتی، مربوط به قوای سه گانه سعی کنند همت را بر این بگمارند.

۵. امروز پرهیز از اسراف و رعایت تعادل در مصرف، بی تردید در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ می توان ادعا کرد این کار اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.

۶. استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات.

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح هایی که سال های متمادی طول می کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

۷. در پیگیری اقتصاد مقاومتی اعمال سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی حائز اهمیت است. بر این اساس نقش و جایگاه مردم در اقتصاد ارتقا می یابد و نقش سیاست گذاری و هدایت و نظارت دولت توسعه می یابد.

بی تردید فرهنگ سازی و اطلاع رسانی عمومی سیاست های این اصل مهم و نحوه اعمال آن، بر عهده رسانه ملی است و در قالب برنامه های مختلف قابل اجرا است.

ص: ۸۲

ص: ۸۳

فصل چهارم: بایسته های راهبردی و سیاست گذارانه رسانه ملی

اشاره

فصل چهارم: بایسته های راهبردی و سیاست گذارانه رسانه ملی

ص: ۸۴

ص: ۸۵

در این فصل برآنیم تا برخی از شاخص ها و معیارهای راهبردی اسلام و نظام اسلامی را یادآوری کنیم که می تواند در رفتار رسانه ملی به عنوان سخنگوی نظام اسلامی به کار آید و باعث امتیاز آن از دیگر رسانه های مشابه در جهان باشد.

در این خصوص رسانه باید ابعاد شعوری و ادراکی مخاطبان خود را تقویت کند از به کارگیری شیوه هایی که در آنها نیاز کاذب ایجاد می شود، بپرهیزد و به سازوکار شکل گیری افکار عمومی به ویژه در فضای رسانه ای و سیال بودن فضای هویتی توجه کند اجتناب ناپذیر بوده. در این راستا و اخلاق مداری و سنت گرایی به عنوان پایه و اساس تمایز رسانه دینی از غیردینی می تواند راهبردی اساسی به حساب آید.

از اهداف و سیاست های راهبردی رسانه ای استکبار، تضعیف روحیه انقلابی و انگیزه مؤمنانه است. این هدف با راه های مختلفی مثل از ترویج مسائل تخدیری جنسی عرفان های کاذب، ترویج و اسلام هراسی و... صورت می گیرد. با اتخاذ فعالانه، تقویت سرمایه های فرهنگی اجتماعی، آشنایی با نقشه های دشمنان و جنگ نرم، ترویج ادبیات انقلاب اسلامی و توجه به ارزش های اسلامی نظیر ایثار و روحیه مقاومت می توان به مقابله با این تهاجم گسترده رفت.

ص: ۸۶

ارشاد گرایی و اخلاق مداری

ارشاد گرایی و اخلاق مداری

از امتیازات رسانه ملی «صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» نسبت به دیگر رسانه های جهان آن است که خود را در مجرای تبلیغ اسلامی تعریف می کند. در نظام تبلیغی اسلامی ارشاد مخاطبان اساس ایجاد ارتباط است، از این نظر این رسانه با رسانه های جمعی فعال در جهان امروزی فاصله می گیرد. در غرب تبلیغ دارای بار منفی است و با دروغ تداعی میشود. اما تبلیغِ دینی، دارای ماهیت ارشادی است. ارشاد جریانی است که موجب افزایش آگاهی و شعور مخاطبان و شکوفایی احساسات و عواطف پاک آنان می گردد ولی تبلیغ به معنای رایج، موجب متقاعدکردن مخاطب می گردد، اگرچه بر پایه و اساس غیر اخلاقی و ضد ارزشی استوار باشد و در فرد نیاز کاذب ایجاد کند.

رسانه در نظام اسلامی رسالت ارشاد و تعالی اخلاقی و معرفتی افراد را بر عهده دارد. بر این مبنا خود را از سازوکارهای تبلیغی غیر اخلاقی دور نگه می دارد و ابزار و شیوه نیز همچون محتوا از مجرای احکام و اخلاق الهی گذر می کند.

یکی از شیوه های انتقال پیام مناظره است. واژه مناظره در لغت به معنای با هم نظر کردن درباره حقیقت و ماهیت یک امر است.(۱) در معنای اصطلاحی مناظره را همانند جدال و مناقشه، از فنون کلامی دانسته اند که هر یک از طرفین گفتگو از استدلال و براهین استفاده می کند تا حقی را اثبات کند و در مواردی نیز برتری و فضیلت خود را بر دیگران ثابت کند. مناظره از نظر دینی شرایطی دارد مثلِ حقیقت جویی، گفتار نیکو و رعایت ادب.

۱- فرهنگ دهخدا، ذیلِ مناظره.

ص: ۸۷

مجادله از دیگر شیوه های تبلیغی است. ریشه «جدل» به معنای استواری، استحکام و شدت است که در کلام و مخاصمه به کار میرود.(۱) مجادله دارای انواعی است از جمله جدال به احسن و جدال به غیر احسن. در آیات و روایات، به جدال احسن که دعوت و گفتگویی بر اساس استدلال، حکمت، برهان و گفتار نیکوست، توصیه شده است.(۲) همچنین آوردن برهان و استدلال، دلیل بر صدق و راستی گفتار بیان شده است. (۳) در مقابل آن «مراء» قرار دارد که در آن فرد حتی از مقدمات باطل و کتمان حقیقت برای اثبات ادعای خویش بهره می گیرد. محاجه راه دیگر پیام رسانی است و آن احتجاج و اعتراضی به همراه حجت و دلیل است.

اخلاق مداری در کلام مقام معظم رهبری

اشاره

اخلاق مداری در کلام مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری بر اخلاق مداری در همه عرصه های حیات اجتماعی تأکید کرده و بد اخلاقی را در صحنه های سیاسی اجتماعی به ویژه در انتخابات نکوهش می کند. از این قبیل است:

حفظ نزاکت و طهارت و پاکیزگی انتخابات

حفظ نزاکت و طهارت و پاکیزگی انتخابات

سعی کنید این حرکت زیبا و این حرکت عظیم مردمی را] انتخابات[که حقیقتاً یک آزمایش بزرگ مردمی و ملی و اسلامی است با همان نزاکت و طهارت و پاکیزگی ای که مطلوب اسلام است، پیش ببرید. البته متن و عموم مردم عزیز کشور ما همین طورند. سعی کنید کدورت ایجاد نشود.

۱- ر.ک: سیدمحمدکاظم مصطفوی، القواعد، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۱ ه.ق، ص ۲۹۹.

۲- عنکبوت:۴۶، نحل:۱۲۵، یس:۸۱-۷۹.

۳- بقره :۱۱۱.

ص: ۸۸

ملت ما اهل اخلاق و معنویت و عاطفه است. نگذارید که فضای انتخاباتی، فضای کدورت شود. هر کدام از نامزدها و طرفدارانشان، برای خودشان تبلیغ کننـد، اما دوسـتان و هم میهنان و برادرانشان را که احیاناً از نامزد دیگری حمایت می کننـد، زخم خورده و رنج دیده و از خودشان مکدر نکنند. به این نکته توجه کنید. این، خیلی مهمّ است.(۱)

پرهیز از اتهام زنی و اهانت به یکدیگر

پرهیز از اتهام زنی و اهانت به یکدیگر

این را هم همه توجه کنند که بعضی از کارها مربوط به خودی ها نیست؛ مربوط به دشمن است. راه انداختن کاروان شادی در عصر عاشورا، مربوط به مردم انقلابی و مسلمان نیست. این کارِ دشـمن است ...دستی آنها را حرکت می دهـد، برای اینکه فضا را خراب کنـد؛ برای اینکه مردم را ناراحت کنـد؛ برای این که انتخابات را در نظر متـدینان یک کار نامناسب جلوه دهـد و چهره ها را خراب کنـد. البته مسـئولان بایـد بگردنـد و آن دست پنهـان را پیـدا کننـد. من مؤکـداً به مسـئولان توصـیه می کنم و از آنها می خواهم که بگردند و آن دست های پنهانی که این زشتکاری ها را انجام می دهند، پیدا کنند. از آنها نباید گذشت.(۲)

تاکید بر رقابت سالم بدون تهمت زنی و بدگویی

تاکید بر رقابت سالم بدون تهمت زنی و بد گویی

آنچه در انتخابـات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بـدون تهمت زنی و بـد گویی به یکـدیگر است. فضای انتخابات بایـد سالم باشد.(۳)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در ۳۱ اردیبهشت ۷۶.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در ۳۱ اردیبهشت ۷۶.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در ۱۴بهمن ۱۳۹۰.

ص: ۸۹

طرد قائلین به نرمش با امریکا

طرد قائلین به نرمش با امریکا

اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کم ترین نشانه نرمشی در مقابل امریکا، در مقابل دخالت های دولت های غربی، در مقابل تجاوزهای فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه دنیا باید بدانند که ملت ما به چنین کسی قطعاً رای نخواهد داد و نیز در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه ایستادگی خواهد کرد. مواضع ملت ایران، همان مواضعی است که به خاطر آن انقلاب کرده است.(۱)

نامشروع بودن ترجیح خواست دشمن بر خواست ملت

نامشروع بودن ترجیح خواست دشمن بر خواست ملت

هر دولتی در ایران اسلامی که به مردم خود تکیه نداشته باشد، مشروع نیست. آن مسئولی که خواست دشمن را بر خواست ملت ترجیح بدهد، در مقابل دشمن ضعف نشان بدهد و حاضر باشد ضعف خود را بر ملت تحمیل کند، از مردم نیست؛ مردم چنین مسئول و دولت مداری را قبول ندارند.(۲)

اما کسانی که روی مردم اثر می گذارند کسانی که حرفشان، اقدامشان، عملشان، منششان، نوشته شان، روی مردم اثر می گذارد چند خطر بزرگ آنها تهدیدشان می کند که باید بسیار مراقب باشند. یکی خطر خسته شدن است، یکی خطر راحت طلبی است، یکی خطر میل به سازش است، یکی خطر چسبیدن به منافع نقد است.(۳)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در ۳۱ اردیبهشت ۷۶.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در ۱۰ بهمن ۸۳.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد ۷۹.

ص: ۹۰

خوش بین نبودن به دشمن

خوش بین نبودن به دشمن

بایـد ایمـان و پارسایی خودشان را تقویت کننـد؛ بایـد اتکای خودشان را به لطف و فضل خـدا زیاد کننـد؛ بایـد به دشـمن لحظه ای خوش بین نباشـند؛ دشمن درصدد ضربه زدن است. اگر خواص یک کشور یعنی نیروهایی که با زبانشان، با قلمشان، با رفتارشان، با امضایشان، بر روی مسیر یک ملت اثر می گذارند میل به سازش و راحت طلبی و زندگی مرفه و خوشگذرانی پیدا کنند و از حضور در میدان های خطر خسته شوند، آن وقت خطر تهدید می کند.(۱)

پرهیز از سازش با مخالفان ایمان، اصل حکومت اسلامی و ولایت الهی

پرهیز از سازش با مخالفان ایمان، اصل حکومت اسلامی و ولایت الهی

بـا همه کسـانی که با شـما کاری ندارنـد و اهل صـلح و سـلامت و اخوت و برادری هسـتند، سازش کنیـد. اما با کسـی که با فلسـفه وجودی و اساس و ایمان شما و با اصل حکومت اسلامی و ولایت الهی مخالف است؛ سازش نکنید. حواستان جمع باشد.(۲)

این به نظر من خیلی مهم است که در تعامل با دنیا، انسان جای خودش را بدانـد، خواست خودش را بدانـد، نیرو و قدرت خودش را بداند و بداند که باید چه کار کند.

ممکن است دو برادر از یکـدیگر گله هم داشته باشـند، اما در مقابل کسـی که به خانه آنها حمله می کنـد، دوش به دوش، باید در کنار هم بایستند. (۳)"

با وحدت و یکپارچگی، «کأنهم بنیان مرصوص»، مثل یک دژ

۱- بیانات مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد ۷۹.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در ۲۹ شهریور ۷۴.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در ۴ شهریور ۸۶.

ص: ۹۱

پولادین، در مقابل دشمن بایستید؛ مثل چند برادر در یک خانه. ممکن است دو برادر از یکدیگر کدورت و گله هم داشته باشند، اما در مقابل کسی که به خانه آنها حمله می کند، دوش به دوش، باید در کنار هم بایستند. آحاد ملت باید این گونه باشند. این، یکی از ویژگی هایی است که در این سنگر می توانید حفظ کنید.(۱)

کسانی که مسئولند؛ و کسانی که تصمیم و اقدام و حرکت و رفتار آنان، فقط رفتار یک شخص نیست؛ بلکه رفتار یک مجموعه است، رفتار یک جامعه است و گاهی در چشم دیگران، رفتار یک کشور است، باید خیلی مراقبت کنند آنان بیش از دیگران مخاطب به خطاب الهی اند.(۲)

هشیاری و هوشمندی و احساس روزافزون مسئولیت

هشیاری و هوشمندی و احساس روزافزون مسئولیت

به نظر من وظیفه ای است که در درجه اول قرار دارد هم برای مسئولان هم برای مردم به اعتقاد من، هوشیاری و هوشمندی و احساس روزافزون مسئولیت است(۳).

سنت گرایی

سنت گرایی

سنت گرایی برای جامعه دینی نقطه اتکایی فراهم می کند تا با اطمینان و با اتکای به معیارهای مشخص برای سامان دهی به زندگی و رفع نیازهای خود گام بردارد و تحول و تعالی را تشخیص داده، ارزیابی دقیق از موقعیت خود بنماید. پس سنت گرایی به معنای کهنه گرایی و تعصب کور

۱- بیانات مقام معظم رهبری در ۱۶ فروردین ۷۱.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در اول فروردین ۷۶.

۳- بیانات مقام معظم رهبری، ۲ فروردین ۸۳.

ص: ۹۲

و بدون مبنا به گذشتگان و نداشتن روحیه آینده گرایی و رکود نیست. سنت در این معنا، حقیقتی آسمانی، الهی، مقدس و واقعیتی پر نشاط و زنده است و مجرای زندگی و مسیر استمرار تحولاتی است که همواره نو و تازه است. سنت در این تعریف، با حفظ خصوصیات یاد شده از دوام، ثبات و استمرار زمانی برخوردار است و در مواردی هم که تغییر زمانی را می پذیرد، همچنان از چهره ای ازلی و باطنی ابدی بهره مند می باشد. در عمق سنت معرفت و آگاهی نهفته است. ولی آنچه تحت عنوان بنیادگرایی در ادبیات غربی اراده می شود به معنای فرسودگی و کهنگی است.

سنت در برداشت اسلامی مرادف دین، شریعت و مطابق با اراده تشریعی خداوند است. سنت شیوه ای از زندگی و زیست است که عقل به تنهایی عهده دار شناخت آن نیست، بلکه وحی و شهود دینی نیز در تعیین آن دخیل است. انسانی که از شهود الهی محروم باشد، سنت را با دو منبع «عقل» و «نقل» شناسایی می کند. سنت برای سالکی که به آن عمل می کند طریقه وصول به شرع و شیوه گشایش راز است، نوعی از علم است علمی که به شهود خالص و ناب دینی استوار است. زوال سنت هنگامی آغاز می شود که یقین اعم از آنکه شهودی یا حصولی باشد از آن گرفته شود. سنت کاری مطابق عادت نیست، تمامی احکام و مقررات الهی است که از عقل و نقل گرفته می شود. پس قوام سنت به تداوم و ثبات زمانی آن نیست، بلکه قوام آن به حقیقت الهی آن است.

تقابل بین سنت و تجدد وقتی حاصل می شود که صورت تجسد یافته آن از نگاه غیردینی تعریف شود، سنت با تجدد در تقابل نیست، بلکه نو بودن صفت مستمر و همیشگی سنت است. (۱)

۱- پارسانیا، ، سنت عشق، به نقل از حسن خیری، دین، رسانه، ارتباطات اجتماعی، ص۹۱.

ص: ۹۳

براساس این دیدگاه می توان چنین استنباط کرد که رسانه ها در صورتی که در مسیر بیان و تحکیم عقل و نقل باشند سنت را ترویج نموده اند و سنت گرایند.

نداشتن ملاک و معیار موجب می گردد تا در جامعه مدرن، «افراد در جهان زیست چندگانه، قرار بگیرند. جهان زیست جوامع سنتی، معمولاً ـ بر نظم مبتنی بر دین استوار بود و افراد در همه عرصه های زندگی در «همان جهان» زندگی می کردند. ولی در جوامع مدرن، در همه سطوح چندگانگی بروز کرده است و وجه اساسی این چندگانگی بروز دوگانگی dichotomy در عرصه های عمومی و خصوصی است. فرد در جامعه مدرن، از وجود نوعی دوگانگی بین جهان زیست خصوصی و جهان نهادهای کلان عمومی آگاه است و در پیوند با این دو جهان جا به جایی بین زیست جهان های مختلف را تجربه می کند.

فرد تلاش می کند در جهان زیست خصوصی، نظمی مبتنی بر معانی وحدت بخش ایجاد کند. به عبارت دیگر، فرد در جهت ساخت و نگهداری «جهان خانه»home world تلاش می کند. چنین کار متهورانه ای مخاطره آمیز و نامطمئن خواهد بود. ازدواج ها به جر و بحث کشیده می شود. فرزندان به طور معمول به طرز ناراحت کننده ای از جهان پدران و مادران خود مهاجرت می کنند. این امکان وجود دارد که فرد به هر دلیل ناراضی از سامان زندگی خصوصی خویش شخصاً به جستجوی چندگانگی در تماسهای خصوصی دیگر خود بپردازد. چنین جستجویی برای معانی خصوصی رضایت بخش تر، ممکن است از روابط نامشروع خارج از زناشویی گرفته تا تجارب مربوط به فرقه های عجیب و غریب مذهبی تغییر کند.

ص: ۹۴

فرآیند چندگانه شدن هر دو قلمرو عمومی و خصوصی در جامعه مدرن، به ویژه در ارتباط با دو تجربه خاص مدرن یعنی شهرنشینی مـدرن و ارتباطات جمعی مـدرن رو به گسترش بوده است. شـهری شـدن آگاهی، حاصل پیـدایش و رشد رسانه های ارتباط جمعی مـدرن بوده است. ارتبـاط بـا این رسـانه هـا، به معنـای درگیر شـدن در شـهری کردن دائمی آگاهی است. و چنـد گانگی ذاتی این فرآینـد است و این فرآینـد «جهان خانه» فرد را سـست می کند گرچه در روسـتا سـکونت داشـته باشد.»(۱) این تجربه چنـد گانگی جهـان زیست حتی به زنـدگی کودکـان نیز وارد می شود. گفت این افراد هرگز دارای یک «جهان خانه» یکپارچه و بـدون چالشـی نبوده اند. هم زیستی این جهان های چندگانه، گاهی تحت عنوان «مردم سالاری» و «پیشرفت باوری» مشروعیت می یابد.

هویتی که در این نگـاه، به معنـای بخشـی از یـک ساختـار معین آگاهی است، در جامعه مـدرن، دارای مشـخصه باز بودن، تفکیک شـده، و اندیشـنده است، بـاز است چون همواره ناتمـام است، تفکیـک شـده است چون فرد برای یافتن جای پای خویش در واقعیت بیش از پیش به جستجوی درون خود می پردازد تـا بیرون از خود. اندیشـنده است، چون بایـد در جهـان زیست چنـدگانه، به دنبـال گزینش و انتخـاب گشت. برخلاـف جهـان پیش از مـدرن، که «بودن در کاشـانه خود» است و پیش انگاشت جهانی زیست بـدیهی تصور می شود و سرانجام اینکه هویت مدرن، هویت مشخصاً فردیت یافته است.

چنـدگانه شـدن زیست جهان های اجتماعی، تأثیر عمده ای در حوزه دین داشـته است. دین، ساختاری شـناختی و هنجاری است که احساس

۱- پیتر برگر، صص ۵۱ – ۷۵.

ص: ۹۵

بودن در کاشانه خود، در جهان هستی را برای انسان ممکن می سازد. به زعم پیتر برگر، این موقعیت در جهان مدرن سست شده و مشهورترین پیامد این تحول «خصوصی شدن دین» بوده است. بدین معنا که دین را روانه عرصه خصوصی جهانی زیست افراد کرده است و مردم همچنان از تشریفات قدیمی دینی در عرصه های شخصی زندگی شان الگو می گیرند. این فرآیند موجب شده تا دین خصلت قطعی خود را از دست بدهد و به موضوعی انتخابی بدل شود. باور دینی، حکم تجربه جمعی را نداشته و تجربه ای شخصی محسوب می شود. و این وضعیت موجب شد تا انسان مدرن از عمیق تر شدن وضع «بی خانمانی» خویش در رنج باشد. چنین وضعی، به طور طبیعی، احساس دلتنگی خاصی را به دنبال دارد. دلتنگی برای بازگشت به احساس بودن در مأوای خود در رابطه با جامعه، خویشتن و سرانجام جهان هستی. (۱)

بر مبنای آموزه های اسلامی یاد خدا و خداگرایی موجب آرامش و قرار گرفتن در کاشانه است و بدون آن انسان در سرابی قرار می گیرد که هیچ گونه تنوع و دگرگونی او را راضی و خشنود نخواهد کرد. با این اصل فطری، رسانه اسلامی خود را از تنوع گرایی مبتنی بر خواهش های غریزی سیری ناپذیر، دور داشته و ارزش های انسانی را رعایت می کند. از سوی دیگر این دین، هم برای ساحت های فردی و هم برای ساحت های اجتماعی دارای برنامه است.

مقابله با حساسیت زدایی و افزایش آستانه تحریک

مقابله با حساسیت زدایی و افزایش آستانه تحریک

از اقتضائات حماسه آفرینی، حضور جدی و مستمر و آگاهانه در صحنه است. ناتوی فرهنگی تلاش می کند این روحیه نشاط و پویایی را از

۱- پیتر برگر، ص ۸۹.

ص: ۹۶

جامعه انقلابی بگیرد. اسلام هراسی، توهین به مقدسات اسلامی و درگیر کردن اذهان مردم به امور انحرافی و تخدیری چون مسائل جنسی با این هدف شوم صورت می گیرد. به عبارت دیگر دشمنان انقلاب اسلامی تلاش می کنند با حساسیت زدایی و بی تفاوت کردن مردم، آستانه تحریک را بالا برده، آستانه اختلاف را کاهش دهند تا فضای شعوری و ادراکی و تشخیص دوست و دشمن مشوش گردد.

محرکی که اضطراب ایجاد می کند، اگر با محرکی که با اضطراب ناهمساز است همراه شود، اضطراب ایجاد نمی شود یا کم می شود. و هر قدر تکرار شود و شدت و ضعف آنها تنظیم شود، در نهایت به جایی خواهد رسید که محرک اضطراب زای اولیه می آید و اضطرابی نمی آورد. همراه کردن محرک اضطراب زا با محرک ضد اضطراب، حساسیت زدایی است و اگر طی چند مرحله و با برنامه اجرا شود آن را حساسیت زدایی منظم می نامیم. این جریان در سه مرحله صورت می گیرد. این پدیده در حساسیت زدایی دینی به خوبی نمایان است. بی حرمتی به مقدسات اضطراب زا است، اما با ورود موارد اضطراب زا از ضعیف به شدید، حساسیت زدایی صورت می گیرد.

حداقل انرژی لازم برای تحریک یک عضو از بدن را آستانه تحریک آن عضو می گویند. مخاطبان نیز از نظر حساسیت نسبت به موضوعات ارائه شده دارای آستانه تحریک متفاوت اند. آستانه تحریک به عوامل مختلف روانی، ذهنی، زمانی، مکانی، سنی، جنسی، کیفیت پیام، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و.. . بستگی دارد و قابل کاهش و افزایش است. آنچه تحت عنوان، تسامح و تساهل یا غیرت و تعصب، سعه صدر یا ضیق صدر و امثال آن ارائه می گردد بستگی به آستانه تحریک مخاطبان دارد.

ص: ۹۷

حساسیت زیاد، نشان دهنده آستانه تحریک پایین است. اصولاً در مسائلی که به باورهای جامعه بستگی دارد، از قبیل دین، ملت، قوم و ارزش های اجتماعی دینی دارای اهمیت، افراد جامعه دارای آستانه تحریک پایین هستند و عناصر هنجاری در مرحله بعد قرار دارند. این مفهوم با حساسیت زدایی ارتباط دارد.

آستانه اختلاف، بیان کننده تعداد تفاوتی است که باید بین دو محرک همگون موجود باشد تا ارگانیزم دوتا بودن آنها را احساس کند. یک صوت چه تعداد باید تغییر یابد تا گوش ما آن را متفاوت از صدای قبلی احساس کند؟ در یک نور رنگی چقدر تغییر باید حاصل شود تا چشم ما آن را غیر از رنگ قبلی ببیند؟ آن تعداد تفاوتی که باید ایجاد شود آستانه اختلاف آن اندام است. این قانون در فرهنگ و جامعه نیز حضور دارد و به عنوان یکی از زمینه های موجود در پیام دهی ما مؤثر واقع می شود. به عنوان مثال اگر در یک جا، در آن واحد سی نفر در اثر ترور کشته شوند، برای مخاطبان، قابل توجه تر است تا به صورت پراکنده صد نفر به قتل برسد. چنان که هم اکنون اخبار کشتار مردم در عراق چنین وضعیتی دارد که به خاطر پراکنده بودن، مخاطبان را متوجه عمق فاجعه نمی کند.

در همین ارتباط «تئوری توجه» نیز قابل بررسی است. حواس انسان در هر لحظه محرک های بی شماری را از محیط اطراف دریافت می کند که از میان آن ها فقط تعداد اندکی برای ادراک و سایر فرآیندهای ذهنی برگزیده می شود. بسیاری از محرک ها از محدوده دریافت های حسی فراتر نمی روند یعنی به آن ها توجه نمی شود.

رسانه ملی با درک درست سازوکارهای روان شناختی و ارتباطاتی

ص: ۹۸

می تواند از ترفندهای دشمنان پرده برداشته، از هویت انقلابی و اسلامی صیانت نماید.

بهره گیری از سرمایه های فرهنگی اجتماعی

بهره گیری از سرمایه های فرهنگی اجتماعی

از اقتضائات حماسه آفرینی، شناخت درست سرمایه ها، تبدیل آنها به سرمایه های دیگر و بهره گیری بهینه از آنهاست.

مبنای بحث در سرمایه اجتماعی توجه به عناصری است که اعتماد اجتماعی را به وجود می آورد و بر رفتار جمع گرا می افزاید و علقهها و وابستگیها را در سطح خرد، میانی (تولید نهادها و شبکه ها) و کلان تقویت می کند.

سرمایه اجتماعی به مثابه شالوده یک جامعه است. ریشه در سرمایه های فرهنگی دارد. با اتکای به سرمایه فرهنگی است که کمک کردن به دیگران عبادت و بی تفاوتی گناه تلقی می شود، بدبینی سرزنش می شود و حق برادری و حق همسایگی تعریف خود را می یابد. و روحیه تعاون رواج می یابد.

با بهره گیری از سرمایه فرهنگی معنوی همچون مهدویت گرایی است که امید و نشاط در جامعه ایجاد می شود و امنیت روانی اجتماعی برقرار می شود. روابط و مناسبات اصلاح و اقتدار اسلامی پدیدار می گردد.

از سرمایه های اجتماعی جامعه ایران، وجود قومیت های مختلف همگرا و عاشق اسلام و ایران است. در ایران با وجود وجود تکثر قومی، احساس تعلق مشترک و ایرانی بودن در میان اقوام ایرانی بالا ـ است و حضور در صحنه های اجتماعی و سیاسی به طور مشترک در میان آنها

ص: ۹۹

جریان دارد. بی دلیل نیست که امام خمینی عشایر را از سرمایه های ایران می دانست. مردم ایران با همین روحیه همبستگی و با استفاده از نمادها و ارزش های مشترک در طول تاریخ این کشور را حفظ کرده اند. انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز افتخار مشترک آنها است و در مدیریت جامعه نیز همه اقوام ایرانی مشارکت دارند و هیچ کدام احساس انزوا نمی کنند. توجه به این تکثرگرایی در حدی است که اقلیت های بسیار کوچک و دارای جمعیت محدود هم دارای کرسی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی هستند. دشمن در تلاش است این فرصت را به تهدید تبدیل کند و نقش صداوسیما برای خنثی سازی این نقشه شوم دشمن با برنامه ریزی در حد ملی و استانی بسیار حائز اهمیت است.

یکی دیگر از سرمایه های فرهنگی حماسه آفرین، زنده بودن روحیه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. با این روحیه همه افراد جامعه نسبت به سرنوشت فردی و جمعی خود حساس خواهند بود امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر آگاه کردن، ایجاد انگیزه می کند. به عبارت دیگر هم تولید فکر می کند و هم تولید اراده و این دو عنصر لازمه تمدن سازی هستند. نتیجه فقدان این سرمایه اساسی در جامعه بی اعتنایی است. در این راستا صداوسیما می تواند نقشی اساسی ایفا کند و مردم را به سوی مشارکت اجتماعی و تقویت شبکه های اجتماعی نظیر خانواده، هیئات مذهبی، مساجد، احزاب سوق دهد. همان طور که بر مبنای این سرمایه، احزاب سیاسی با برخورداری از سازوکار تعاملی اسلامی مشارکت های سیاسی و اجتماعی را افزایش داده و از بداخلاقی های تشکیلاتی در امان خواهند ماند. صداوسیما می تواند با برجسته کردن رفتارهای سیاسی ناپسند، اذهان مردم را برای گزینش

ص: ۱۰۰

صحیح آماده کند و زمینه اصلاح رفتار احزاب بد اخلاق یا طرد آنها را فراهم می سازد.

حوزه های علمیه یکی دیگر از سرمایه های عظیم جامعه ماست که صداوسیما می تواند نیز با برقراری ارتباط گسترده تر با این مرجعیت علمی و مذهبی می توان بر اقتدار خویش و اعتماد مخاطبان بیفزاید.

بهره گیری از سرمایه سیره پیشوایان دینی و سرمایه تاریخ پر افتخار شیعه و نهضت های اسلامی می تواند بر غرور اسلامی و ایرانی بیفزاید و موجب افزایش اقتدار ملی گردد. به راستی در کدام جامعه و فرهنگی می توان سرمایه هایی چون نهضت عاشورا و اعتقاد به مهدویت نظیر آنچه در باورهای شیعی وجود دارد سراغ گرفت. مگر نه این است که به قول امام راحل محرم و صفر بود که انقلاب ایران را به پیروزی رساند و مگر نه این است که کلمه توحید و توحید کلمه رمز پیروز انقلاب گردید و همان رمز ماندگاری انقلاب نیز همان است. اعتقاد به ولایت فقیه از امتیازات و سرمایه های فرهنگی ماست که باید در جهت آشنایی و معرفت افزایی جامعه نسبت به آن اهتمام ویژه مبذول گردد. سرمایه های فرهنگی ایام الله های مختلف و دهه های مبارک مربرط به انقلاب و دفاع مقدس نیز دارای آثار فراوانی است. مردم سالاری اسلامی به عنوان نوع متمایز و منحصر به فرد که هم صلاحدید اکثریت را با خود دارد و هم از محتوا و مصلحت گرایی اسلامی برخوردار است، یک سرمایه بی نظیر است که باید ابعاد و مزایای آن واکاوی و معرفی شود. نماز جمعه نیز در همین راستا باید مورد تجلیل و تکریم قرار گیرد.

عقلانیت اسلامی و معنویت و عرفان ناب عدالت محوری و عفاف از دیگر سرمایه های دینی ماست. بی دلیل نیست که فارابی در ترسیم مدینه

ص: ۱۰۱

فاضله شجاعت، عفاف و عدالت را ارکان فضیلت معرفی می کند. در کدام مکتب می توان منطق گرایی اسلام را سراغ گرفت، معنویت و عرفان به دور از ریاضت های غیر منطقی و آزار دهنده را یافت و بر اعتدال و عفاف تکیه نمود. خلیفه اللهی انسان را با گواه انبیا و اولیا الهی تبیین نمود و دنیا و آخرت را دو روی یک سکه دید.

یکی دیگر از سرمایه هایی که باید بدان توجه کرد و صدا و سیما نیز می تواند از آن بهره گیرد، گرایش مثبت جوامع مختلف اسلامی و غیر اسلامی به ایران است. با بهره گیری از سرمایه انقلاب اسلامی ایران است که حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین و جنبش های مردمی دیگر مسیر مبارزه خود را یافته اند، بیداری اسلامی مرهون این سرمایه است.

فرصتی که جهانی شدن و توسعه گسترده وسایل ارتباط جمعی در پیش ما نهاده نیز ما را در پیش برد اهداف کمک می کند. گرچه «غرب با ارائه تصویر منفی از چهره مسلمانان، ایدئولوژی اسلام را به عنوان یک دشمن جدید بعد از کمونیسم، در اذهان عامه مردم جا انداخته است. پژوهش های عمومی غربیان گواهی می دهد که اکثریت مردم غرب احساس می کنند که اسلام مهم ترین عنصر نامطلوب عصر آینده خواهد بود. در مقابل، مسلمانان نیز احساس می کنند که جهانیان از رنج و عذابی که دامن گیر جامعه مسلمانان شده (مثلاً در بوسنی، فلسطین و کشمیر) تغافل می کنند.»(۱) ولی جهانی شدن با نفوذ پذیر ساختن مرزها و افزایش چشم گیر برخوردهای فرهنگی، آگاهی انسان ها را از عناصر فرهنگی دیگر مانند هنجارها، ارزش ها، آداب و ادیان بیشتر کرده است.

۱- اکبر احمد و هاستینگر دونا، اسلام، جهانی شدن و پست مدرنیته، مترجم: مرتضی بحرانی، ص۴۲.

ص: ۱۰۲

جهانی شدن می تواند حساسیت های بومی، محلی و هویتی را برانگیزد و از این دیدگاه نه تنها موجب تضعیف هویت و دانسته های بومی نمی گردد بلکه با پالایش دانسته های بومی موجب تقویت آن می گردد. در شرایط جهانی شدن زمینه رشد و بالندگی جوامع ولو با تأخیر فراهم می شود و دیگر نمی توان از اطلاعات انحصاری یا دانش انحصاری بحث کرد، رقابت های منطقه ای و در گستره محدود را به رقابت در سطح جهانی خواهد کشاند و در این زمینه فرهنگ ها و ادیان و تمدن هایی پیشرو خواهند بود که از استحکام منطقی و عقلانی بیشتر برخوردار باشند. پس گرچه جهانی شدن با خود نوعی جهانی سازی فرهنگ و ایدئولوژی خاصی را به همراه می آورد، اما در عین حال درک تمایزها، هویت های دینی، فرهنگی، ملی و محلی و احترام به ارزش ها و هنجاری های مذهبی ملل مختلف را نیز به همراه دارد.

بر این اساس است که برخی بر این باورند که جهانی شدن های متکثری در جهان در حال شکل گیری است که از محوری ترین حلقه های جهانی «جهانی شدن دینی» است. با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در فضای جهانی می توان حضور مؤثری را به منصه ظهور رساند و در این خصوص نقش صدا و سیما بی بدیل است. توجه به ارزش های جهان شمول اسلامی می تواند بر کارآیی این نهاد عظیم بیفزاید. برخی از این که از این ارزش ها عبارتند از:

احترام به ادیان توحیدی و به رسمیت شناختن آن ها در مقاطع زمانی و مکانی خاص.

تأکید بر حقوق مستضعفان جهان.

نفی تبعیض ها و ارائه نمونه های تبعیض و نابرابری ها در جهان.

ص: ۱۰۳

ترسیم الگوی عدالت محور اسلامی.

ارائه سبک زندگی مسالمت آمیز اهل ادیان و مذاهب در سایه نظام اسلامی.

جایگاه نهاد خانواده و نقش اساسی زن در خانواده و تبیین موقعیت زن در اسلام.

نفی و طرد و نقد آلودگی های محیط زیست و نقش مخرب و غیر مسئولانه سیستم سرمایه داری در این عرصه.

تبیین سعادت حقیقی و دنیوی و برقراری امنیت روانی و اجتماعی در سایه سار حکومت اسلامی.

پاسخگویی مستدل به اسلام هراسی و ایران هراسی.

به نمایش گذاشتن تکثر قومی و فرهنگی همراه با انسجام و همگرایی و همگونی جامعه.

لزوم استفاده از قدرت معنوی برای پیروزی در برابر چالش های پیشرو.

توجه به ارزش های اسلامی

توجه به ارزش های اسلامی

ایجاد جذابیت و ماندگاری در ارزش های اسلامی از طریق بهره گیری از هنر با تأکید بر:

اصالت دادن به کانون خانواده.

توجه به مسئله عفاف و حجاب.

آشنایی کامل با حقوق زن در اسلام و شناخت مبانی آن.

آشنایی با آسیب های گرایش های فمینیستی.

توجه به آسیب های فرهنگ سکولار.

ص: ۱۰۴

نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری در همه عرصه های فردی و جمعی و تقویت مراکز مفید، سازنده و فعال در عرصه ولایت و انتظار.

مقابله با تهاجم دشمنان و معاندان و پاسخ گویی به موقع و مستدل به شبهات در عرصه های مختلف.

ترویج ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی

ترویج ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی همان طور که از استقلال مبنایی برخوردار است؛ از استقلال واژگانی و مفهومی نیز بهره مند است و روح و معنای آن را می توان از واژگان، مفاهیم و تأکیدهای رهبران آن شناخت. حفظ و بالندگی این نظام مستلزم شناخت این مقولات و ترویج و زنده نگه داشتن آنها است و بدیهی است رسانه ملی در این خصوص نقش ممتازی دارد.

به عنوان مثال واژه برادر در ادبیات انقلاب دارای بار ارزشی فراوانی بود که متأسفانه بی توجهی به آن موجب کاهش به کارگیری آن شد. بر این اساس در این بخش به تعدادی از این مفاهیم اشاره می شود. از قبیل: مستضعف، مستکبر، کاخ نشین، کوخ نشین، اسلام ناب محمدی، اسلام امریکایی، اسلام مترقی، فقه جواهری، مشارکت مردمی، نظارت دولت، مردم سالاری دینی، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم.

واژه مستضعف و مستکبر از واژگان شناخته شده در ادبیات امام خمینی است. مستضعف از ریشه «ضعف» به معنای کسی است که او را به ضعف کشانده و در بند و زنجیر کرده اند. مستضعف کسی نیست که ضعیف ناتوان و فاقد قدرت باشد، بلکه کسی است که نیروهای بالفعل و

ص: ۱۰۵

بالقوه دارد، اما از سوی فاعل دومی، سخت در فشار قرار گرفته است. امام خمینی در وصیت نامه سیاسی الهی خویش می فرماید:

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت ها وعمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایت کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.(۱)

مستضعف انواع و اقسامی دارد: مستضعف فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی؛ و آنچه قرآن بیشتر روی آن تکیه کرده، مستضعفین سیاسی و اخلاقی است. (۲)

به اعتقاد سید محمد باقر صدر، با بروز اختلاف در ساحت اجتماعی زمینه استقلال برای صاحبان موقعیت فراهم شد و جامعه به افراد قوی, ضعیف و متوسط تقسیم شد و مستقلین و مستضعفین به وجود آمدند و جامعه وحدت فطریاش را از دست داد, دیدگاه صدر را به صورت زیر می توان ترسیم کرد.

۱- امام خمینی، صحیفه نور، چ اول، ۱۳۶۸، صص ۳۵ ۳۴.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶: ۱۹.

ص: ۱۰۶

از این بحث ضرورت بازسازی روحی, معنوی و تربیتی از سوی انبیا آشکار می گردد که بدان «جهاد اکبر» گویند. و نیز ضرورت بازسازی

ص: ۱۰۷

ارتباطات و مناسبات اجتماعی و مبارزه با استکبار که بـدان «جهاد اصـغر» گوینـد. در این مسـیر نیاز به شاهد و گواه هست تا میزان عمل و درستی راه باشد که همانا پیامبران و اولیای الهی هسـتند. این خط شـهادت از انبیا آغاز شده, به اوصیا رسیده و پس از آن به مرجعیت دینی می رسد. پس مرجعیت دینی محافظ بر شریعت و رسالت است و با اجتهاد گواه امت است.

در نتیجه حکومت طاغوت و مستکبران بر جامعه, مردم به چند دسته تقسیم میشوند:

ظالم و مستضـعف: در این جوامع ظالمان به ظالمان کمک میکنند و به حمایت از فرعون می پردازند. وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ. (سبأ: ۳۱)

در کنـار ظالمـان همواره یـک عـده افراد حاشـیهای و متملق به وجود میآورنـد که آنهـا گرچه خود ظلم نمیکننـد ولی دائم ثنـاگوی فرعونیان هسـتند. وَقَالَ الْمَلأُ مِن قَوْمِ فِرْعَونَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُواْ فِي الأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ. (اعراف: ۱۲۷)

توده همج الرعاع جماعتی هستند که تنها آلت دست ظالمانند. حتی ظلم را هم لمس نمی کنند و ابتکار و خلاقیتی از خود بروز نمی دهنـد. «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا». (احزاب: ۶۷) امیرالمؤمنین۷ فرمود النـاس ثلاـثه: عالم ربانی؛ متعلم علی سبیل النجاه و همج رعاع ینعقون مع کل ناعق.(۱) فرعونیان

۱- نهج البلاغه، قصار الحکم، حدیث ۱۴۷.

ص: ۱۰۸

می خواهند این طایفه زیاد باشند و امامان حق تلاش می کنند اینان را به گروه دوم ملحق کنند.

گروهی که ظلم به خودشان را هم منکرند و با قضیه کنار آمدهاند. اِنَّ الَّذِینَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلآئِکَهُ ظَالِمِی أَنْفُسِهِمْ قَالُواْ فِیمَ کُنتُمْ قَالُواْ کُنَّا مُسْتَضْعَفِینَ فِی الأَرْضِ قَالْوَاْ أَلَمْ تَکُنْ أَرْضُ اللّهِ وَاسِعَهً فَتُهَاجِرُواْ فِیهَا فَأُوْلَئِکَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءتْ مَصِیرًا. (نساء: ۹۷) اینها می دانند مورد ظلمند و مشاعرشان را از دست ندادهاند اما تن به زیر بار ظلم داده, خود را خوار کردهاند.

گروهی به رهبانیت و گوشهنشینی گرایش میابند. دو دسته هستند: عدهای که نمیخواهند دامانشان به آلودگی اجتماع متلوث شود.

قَفَّیْنـا عَلی آثارِهِمْ بِرُسُلِنا وَ قَفَّیْنا بِعیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ آتَیْناهُ الْإِنْجیلَ وَ جَعَلْنا فی قُلُوبِ الَّذینَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَهً وَ رَحْمَهً وَ رَهْبانِیَّهً ابْتَدَعُوها ما کَتَبْناها عَلَیْهِمْ إِلاَّ ابْتِغاءَ رِضْوانِ اللَّهِ فَما رَعَوْها حَقَّ رِعایَتِها فَآتَیْنَا الَّذینَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (حدید: ۲۷)

این وضعیت چون با خلافت انسان منافات دارد خداوند آنرا مذمت کرده است. دستهای دیگر کسانیاند که ادای رهبانیت در آوردهاند و قصد فریب مردم را دارند. و در واقع رهبانیت پیشه نیستند.

إِنَّ کَثیرًا مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ (توبه: ۳۴)

طایفه ششم کسانی هستند که مورد ظلم فرعونیان قرار میگیرند و خوار و ذلیل میشوند و کرامت آنها نابود میشود

ص: ۱۰۹

وَ إِذْ نَجّیْناکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ یُذَبِّحُونَ أَبْناءَکُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِساءَکُمْ وَ فی ذلِکُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظیمٌ(۱) (بقره: ۴۹)

وقتی جامعه وحدت فکری خود را از دست داد و به تشتت گرایید، دیگر امت باقی نمیماند بلکه شبه امت میشود.

همچانکه قرآن میفرماید:

لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمیعًا إِلّا فی قُرًی مُحَصّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمیعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتّی ذلِکَ بِأَنّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ (۲) (حشر: ۱۴)

در این حالت چند اتفاق متصور است :

با جنگ از خارج مواجه میشوند. زمانی که هر کس به فکر خویش است و در نتیجه تفرقه و ضعف در جامعه ایجاد شده است.

با از دست دادن نمونه آرمانی، به دنبال نمونه آرمانیهای دیگران میگردند (از خود بیگانگی) و در اعماق جامعه بذر و نطفه تحولخواهی برای اعاده خویش صورت پذیرد. این دو جریان در عصر استعمار اتفاق افتاده است. اقدامات رضاخان و آتاتورک نمونه جریان دوم و جریانهای اسلامی نمونه جریان سوم است.

امام خمینی رحمه الله در باب استضعاف و استکبار(۳) میفرماید: «اراده خداوند

۱- محمدباقر صدر، المدرسه القرآنیه، صص ۱۷۶ ۱۸۲.

۲- المدرسه القرانیه، ص ۱۲۹.

۳- برای استناد بحث استضعاف و استکبار از منظر امام خمینی از مقاله جمال یزدانی، مفهوم جامعه شناختی استضعاف و جایگاه آن در ارتباطات میان فرهنگی (مطالعه موردی تاریخی ارتباطات میان فرهنگی حضرت امام در نوفل لوشاتو، ارایه شده به شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ص: ۱۱۰

تعالی بر آن است که با رهبری حکیمانه انبیای عظام و وارثان آنان، مستضعفین را از قید حکومت طاغوتی آزاد و سرنوشت آنان را به دست خودشان بسپارد. »(۱) ایشان ایالات متحده امریکا را پرچمدار استکبار در دوران معاصر میداند و لقب «شیطان بزرگ» به او میدهد. بعد عقیدتی این دو جریان دوگانه «شیطان بزرگ» و «نیروی ایمان» است. (۲)تعبیر «جنگ فقر و غنا»، «کوخ نشینی و کاخ نشینی»، «پابرهنگان و مرفهین» از سوی امام خمینی به بعد اقتصادی این دو جریان اشاره دارد.

بعد سیاسی-اجتماعی این جریان نیز، «استضعاف» و «استکبار» است. وقتی این دوگانهها در این منظومه قرار می گیرد، منظور حضرت امام از این نزاع تاریخی بسیار دقیق مشخص می شود. این تعابیر دقیق، دو ثمره عملی دارد: اولاً ملاک مرزبندی جریانهای مختلف را در همه ابعاد شفاف می کند، و هر شخص یا جریانی می تواند نسبت خود را با این منظومه مشخص کند. ثانیاً ظرفیت های حداکثری دین را در عرصه سامان دهی و جهت دهی نیروهای اجتماعی و در جهت به هم زدن موازنه های ناعادلانه قدرت موجود در جامعه بین المللی، تبیین می کند. سخنان ذیل(که در نوفل لوشاتو ایراد شده اند) همه موید این معنا هستند:

«(انبیا) مأمور تحرک بودند؛ تحرک اینکه مردم مُسْلِم و ضعفا را، مستضعفین را بشورانند بر این اشخاصی که دارند مال مردم را می خورند.»(۳)

جنگهایی که پیغمبر در زمان حیاتشان فرموده اند، بعد از اینکه اسباب جنگ فراهم شد برایشان، این جنگها همیشه با زورمندها بوده

۱- صحیفه نور، ج۳، ص ۴۳۷.
۲- صحیفه نور ، ج ۱۰، ص۴۸۹
۳- صحیفه نور، ج۴، ص ۲۰.

ص: ۱۱۱

است؛ با آنها، مثل ابوسفیان و امثال آنها که قدرتمندها بودند، و اینها منافع ملتها را، ملت خودشان را، می خواستند برای خودشان [غارت] بکنند؛ و ظلم و ستمکاری و بی عدالتی رایج بوده است؛ و جنگهایی که واقع شده، بین مستضعفین بوده و این مردم طبقه سه، این فقرا با این زورمندها و اینهایی که می خواستند حق فقرا را بخورند؛ بسیار آیات در [باب] جنگ هست و در جدالِ با اینها؛ و در تمام قرآن اگر پیدا بکنید یک آیه ای که مردم را بگوید با اینها ملایمت کنید و بروید توی خانه تان بخوابید تا اینها هر کاری [می] خواهند بکنند، بکنند؛ اگر این جور پیدا شد، آن وقت حق دارد کسی بگوید که این قرآن آمده است و دین آمده است، افیون است؛ افیون معنایش این است که مثل تریاک، این مواد مخدِّره که استعمال می کنند و انسان بعد از استعمالش به چرت می رود، قرآن آمده است که مردم را به چرت وادار کند!(۱)

امام خمینی رحمه الله در بعد ایدئولوژیک این دو جریان ترکیب « اسلام ناب» در مقابل «اسلام امریکایی» به کار میبرد و جریان حامی استکبار در دنیای اسلام، از جمله وهابیت را در طیف اسلام امریکایی قرار میدهد. ایشان اسلام ناب را اسلام مترقی میداند که بر پایه فقه جواهری و از خاستگاه مکتب اهل بیت: ارائه میگردد. بنابراین ایشان ضمن نوآوری در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی، آنها را در متن فقه جواهری و روش شناسی رایج در حوزههای علمیه قرار میدهد. در پاسخ به خبرنگار زنی که چون امام او را پذیرفته، اسلام را مترقی میداند امام با اعتماد به نفس پاسخ قاطعی میدهد و میفرماید :

۱- صحیفه نور، همان: ج۴ص ۲۱۴

ص: ۱۱۲

اینکه من شما را پذیرفته ام، من شما را نپذیرفته ام! شما آمده اید اینجا و من نمی دانستم که شما می خواهید بیایید اینجا! و این هم دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است به مجرد اینکه شما آمدید اینجا! اسلام مترقی است. مترقی هم به این معنی نیست که بعضی زنها یا مردهای ما خیال کرده اند. ترقی به کمالات انسانی و نفسانی است، و با اثر بودن افراد در ملت و مملکت است نه اینکه سینما بروند و دانشگاه بروند. و اینها ترقیاتی است که برای شما درست کرده اند و شما را به عقب رانده اند؛ و باید بعداً جبران بکنیم. شما آزادید در کارهای صحیح. در دانشگاه بروید و هر کاری که صحیح است بکنید؛ و همه ملت در این زمینه ها آزادند. اما اگر کاری خلاف عفّت بکنند و یا مضر به حال ملت -خلاف ملیت- بکنند، جلوگیر می شود؛ و این دلیل بر ترقی اسلام است. (۱)

امام خمینی اهل کتاب و مسیحیان را مورد خطاب خود قرار میدهد و آنها را به درک درست شرایط دعوت میکند. ایشان در پیامی به مسیحیان جهان میفرماید:

درود بر روحانیون و احبار و رهبانان که با تعالیم عیسی مسیح، نَفْس سرکشان را به آرامی دعوت می کنند! درود بر ملت آزاده مسیح، آنان که از تعالیم آسمانی عیسی روح اللَّه برخوردارند!

من به اسم ملت مظلوم ایران از شما ملت مسیح می خواهم که در روزهای متبرک خود به ملت ما که گرفتار سلطان

۱- صحیفه نور، ج۵، صص ۵۲۰ – ۵۲۱.

ص: ۱۱۳

ستمکارند، دعا کنید و فرج آنان را از خدای بزرگ بخواهید. من از شما ملت بزرگ می خواهم که سران بعضی کشورهای مسیحی را که با قدرت شیطانی خود از شاه ستمگر پشتیبانی می کنند و ملتی را در زیر فشار ظلم خرد می کنند، هشدار دهید و آنان را به تعالیم حضرت مسیح آشنا کنید. من از روحانیت مسیح می خواهم که سران بعض کشورهای قدرتمند را نصیحت کنند و پشتیبانی آنان را از کسی که پشت به تعالیم آسمانی نموده، تقبیح نمایند. قرآن کریم، حضرت مسیح را به عظمت یاد نموده و حضرت مریم را تنزیه فرمود؛ بر ملت مسیح است که دینْ خود را به ملت مسْلم ادا کنند. (۱)

ایشان در اواخر عمر شریف خود با پیش بینی دقیق فروپاشی کمونیست و پایههای سیاسی سوسیالیستی کشور شوروی در پیامی تاریخی آن ابر قدرت را به درک درست از شرایط و اسلام دعوت کرد و آنها را از نابودی مرام کمونیستی هشدار میدهد. بنابراین در این حماسه آفرینی امام خمینی با اقتدار تمام حرکت تاریخی جوامع را ترسیم کند، در اینباره فقط به انجام تکلیف میاندیشد همچنانکه در فضایی که کشور به تنشزدایی نیاز داشت، ایشان حکم اعدام سلمان رشدی را صادر میکند و همگان را به این واقعیت متوجه میکند که توهین به اسلام و مقدسات را باید در نطفه خفه کرد و آستانه تحریک امت اسلامی را بالا نگه داشت. « از نظر ایشان، دین تنها بخشی یا جزئی از زندگی نیست، بلکه شیوهای از زندگی کردن است که از حوزه فردیات،

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵، ص۲۷۲.

ص: ۱۱۴

تـا مسائـل کلاـن اجتمـاعی را در برمیگیرد. ایشـان علـت اصـلی عقـب مانـدگی جوامع مسـلمین را در دوری تودههـای مسـلمان از آموزههای معنوی اسـلام دانسـته و از سوی دیگر، بحرانهای پیـدا و ناپیـدای جهان غرب (و شـرق) را نیز در طرد اندیشـههای معنوی میدانسـتند. کارکردی دانستن نقش دین در حیات اجتماعی انسان، اساسی ترین انقلاب امام= بود. ایشان ظرفیتهای دیدگاه معنوی را چنـان میدانسـتند که قـادر به اداره تمامی شؤون زنـدگی انسانها به بهترین نحو است. منتها، تأکیـد فراوان ایشان بر آن بود که جوامع اسلامی، خصوصاً علمای مسلمان، با تحقیق و تفحص، این ظرفیتها و امکانات را که در ذات اسلام نهادینه است، به دنیا نشان دهند و بر چسب کهنگی و فرسودگی تحمیل شده بر سیمای اصلی دین را بزدایند. »(۱)

از منظر امـام خمینی و مقـام معظم رهـبری حـاکمیت مردم بر سـرنوشت خـویش از ضـرورت هـای نظـام جمهوری اسـلامی است. از دیـدگاه ایشان نقش مردم به حـدی است که کل ارکان اجرایی و حکومتی را از یک سو و مردم را از سوی دیگر در جهت تعامل و تعادل و در راسـتای یکدیگر قرار می دهند. امام خمینی احترام و تواضع به مردم را همواره به مسـئولان گوشـزد میکند و به صراحت می فرماید که بدون مردم در انجام کاری موفقیت حاصل نمی شود. به همین جهت حفظ مردم را عظیم ترین پشـتوانه و سرمایه برای پیشبرد و نیل به اهداف بلند انقلاب می داند. ایشان می فرماید:

همین ملتی که یک همچو نهضتی کرد و یک همچو پیروزی برایش حاصل شد، باید این مملکت را خود ملت اداره بکند،

۱– ۱۳

ص: ۱۱۵

هر کس به هر اندازه ای که می تواند، البته یک قشر نمی تواند، دو قشر نمی تواند، روحانیت نمی تواند... در هر صورت مملکت باید با دست خود مردم، با دست خود اشخاص اداره بشود و شهرها باید به توسط خودتان اداره بشود، به توسط خودتان آباد بشود. ننشینید کنار بگویید که شورای شهر درست شد و برویم کنار. (۱)

ایشان همچنین دولت را در اداره همه امور کشور ناتوان دانسته، و مشارکت دادن مردم در اداره امور کشور را یک تکلیف میداند و می فرماید:

ملاحظه می کنید اگر چنانچه این شور و شعف ملت و جوان های عزیز نبود، هیچ دولتی نمی توانست مقابله کند با این قدرت هایی که همه قدرتشان را، قوه شان را پهلوی هم گذاشتند و به ما حمله کردند... هر چی داریم از اینهاست و هر چی هست مال اینهاست، دولت عامل اینهاست، قوه قضاییه عامل اینهاست، قوه اجراییه عامل اینهاست، قوه مقننه عامل اینهاست، ادای تکلیف باید بکنند، شرکت بدهند مردم را در همه امور. همان طور که با شرکت مردم در این جنگ، شما بحمدالله پیروز شدید و مردم را در همه امور شرکت بدهیم، دولت به تنهایی نمی تواند که این بار بزرگی را که الان به دوش این ملت هست بردارد. همان طوری پیروزتر هم خواهید شد، با شرکت اینها شما می توانید اداره کنید این کشور را. مردم را در امور

۱- معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹، ۴۲ به نقل از عرب اسدی، ص ۱۰.

شرکت بدهید، در تجارت شرکت بدهید، در همه امور شرکت بدهید، مردم را در فرهنگ شرکت بدهید، مدارسی که مردم می خواهند درست کنند کارشکنی نکنید برایشان، البته نظارت لازم است، انتقاد هم لازم است لکن کارشکنی نکنید... قوی باشید و پشت هم باشید، دولت و ملت با هم باشد، ملت پشتیبان دولت در امور باشد، دولت خدمتگزار ملت باشد در امور، شرکت بدهند مردم را در همه امور. دانشگاه ها باید مردم در آن دخالت داشته باشند، مردم خودشان به طور آزاد باید دانشگاه داشته باشند، منتها دولت نظارت باید بکند. نظارت دولت حتمی است لکن این طور نباشد که خیال کنید که– خود ملت– خود دولت می تواند همه کارها را انجام بدهد، می بینید که نمی توانند اعتراف دارند همه بر این، دولت اعتراف دارد، همه اعتراف دارند بر این که بدون ملت ما نمی توانیم. این ملت را از دست ندهید، نگهش دارید. (۱)

مقام معظم رهبری(دام ظله) نیز در موارد متعددی بر این مهم تأکید کرده است. به اعتقاد ایشان لازم است دستگاه های حکومتی و مسئولین کار هدایت، سیاست گذاری، جهت دهی و نظارت را بر عهده داشته باشند ولی بار اصلی اجرایی کار باید بر دوش مردم باشد و مردم امور را به پیش ببرند.

مدیریت فرهنگی در جامعه امری لازم و البته ممکن است. مدیریت فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی است؛ به معنای استبداد و به معنای تحمیل نیست، به معنای بد رایج در

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۵۷. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۷۹، صص ۴۸- ۴۷. به نقل از: عرب اسدی، ص ۱۰.

میان ما نیست، یعنی نبایـد حمل بر این معانی بشود. مدیریت فرهنگی، یعنی اینکه دسـتگاه عاقله کشور دسـتگاه مدیر و مدبره کشور برای فرهنگ کشور، قراری بگـذارد، ضابطه ای وضع بکنـد و خط کشـی و قاعـده و قانونگذاری بکند. معنایش این است. نباید این جور باشد که در امر فرهنگ کشور- برخلاف مسایل دیگر-هیچ گونه نظارتی، اشرافی و مدیریتی و تدبیری وجود نداشته باشد. این نمی شود؛ مدیریت فرهنگی لازم است. (۱)

مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاسـتهای اصل ۴۴ قانون اساسـی، بر نقش مردم در اقتصاد تأکیـد می کند: خیلی باید به این سـیاست ها اهتمام ورزیـد... روح اصل ۴۴ این بود که مـا بتوانیم اولاًـ سـرمایه هـای مردم و بعـد مـدیریت مردم را وارد عرصه اقتصاد کنیم. باید سرمـایه هـای مردم و مـدیریت مردم (بخش خصوصـی) وارد عرصه اقتصـاد بشود؛ و الاـ اگر مـدیریت هـای دولتی بـاقی بمانـد، آن مقصود حاصل نخواهد آمد. البته در همان محدوده ای که این سـیاست ها اجازه می دهند و با همان رعایت هایی که در قانون پیش بینی شـده (که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است) این را بایـد رعایت کنیـد. البته در برخی از سـرمایه گذاری ها بخش خصوصـی ناتوان است، یعنی واقعا توانایی سـرمایه گـذاری نـدارد. خوب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصـی همین طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاست ها به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر این که بتواند زیر بار برخی از سـرمایه گـذاری هـای بزرگ برود. این هم می شـود یکی از سـیاست هـا. البته دولت وقـتی که شـانه خـودش را از فعـالیت هـای اقتصادی خالی می کند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره می گیرد، نه

۱- در محضر ولایت، ۱۳۷۸ ص۱۶۹. به نقل از: عرب اسدی، ۸۹ ص ۱۲.

ص: ۱۱۸

سیاست گذاری ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است، یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند. در آن سالهای دهه ی ۶۰ که آقایان همین طور به سمت روزبه روز غلیظتر کردن اقتصاد دولتی می رفتند، من مثال می زدم و می گفتم فرض کنید یک موتوری هست که می تواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می روید، یا خودتان پشت فرمان می نشینید و هدایتش می کنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هِن و هِن دارید جلو می روید؛ هم نمی رسید، هم خسته می شوید، هم همه بار حمل نمی شود، هم این موتور اینجا بیکار می ماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها می گفتیم، اثر هم نمی کرد. امام هم هرچه می گفتند به مردم بدهید، اینها می گفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - نظر امام را توجیه می کردند! - مردم یعنی توده مردم. به توده مردم چه جوری می شود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا می کردند! خوب، این توجیه غلط بود. الان فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آن جور حرف می زدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تفریط می کنند. بالاخره یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه مردم و مدیریت مردم، اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده ی دولت باشد. اگر چنانچه ان شاءاللّه این کار به خوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه مدت هم انجام نمی گیرد؛ این جزو کارهای میان مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد- واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد. (۱)

مقام معظم رهبری در مقام اسلام شناس نظریه پرداز و رهبر انقلاب

۱- بیانات مقام معظم رهبری، ۸/۶/۸۹.

ص: ۱۱۹

اسلامی مفاهیم و اصطلاحات بسیاری را وارد ادبیات انقلاب اسلامی کردهانـد که می توان به نهضت تولید علم و آزاد اندیشی، الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی، بومی سازی دانش و اسلامی کردن دانشگاهها، پیوست فرهنگی، نقشه علمی و نقشه فرهنگی و تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی اشاره کرد. در ادامه به مفهوم شناسی برخی از این اصطلاحات می پردازیم.

«با کاوشی در سیر تعابیر رهبر انقلاب اسلامی درباره رویکرد غرب علیه جمهوری اسلامی، تطور زیر را مشاهده میکنیم. (تهاجم تبلیغاتی– ۲۴/۷/۱۳۶۸؛ تهاجم فرهنگی – ۲۴/۷/۱۳۶۸؛ هجوم فرهنگی– ۱۲/۲/۱۳۶۹؛ جنگ فرهنگی– ۱۲/۲/۱۳۶۹؛ حمله فرهنگی – ۲۳/۵/۱۳۷۰؛ توطئه فرهنگی– ۲۳/۵/۱۳۷۰؛ شبیخون فرهنگی– ۲۲/۴/۱۳۷۱؛ غارت فرهنگی– ۲۲/۴/؛ ۱۳۷۱؛ قتل عام فرهنگی – ۲۲/۴/۱۳۷۱؛ نیرنگهای فرهنگی – ۱۹/۱۰/۱۳۷۵؛ هجوم تبلیغات – ۲۷/۱۱/۱۳۷۹؛ شبیخون به سرمایه های معنوی– ۱۵/۴/۱۳۸۳؛ حرکت فرهنگی و روانی – ۲۳/۱۲/۱۳۷۹؛ انحلال فرهنگی – ۲۹/۰۶/۱۳۸۳؛ تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی– ۱۱/۹/۱۳۸۳؛ ناتو فرهنگی – ۱۸/۰۸/۱۳۸۵؛ جنگ های روانی و تبلیغاتی–۱۳/۱۰/۸۶؛ تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم – ۲۲/۲/۸۸؛ جنگ نرم– ۴/۶/۸۸.

فراوانی و تعدد تعابیر مختلف درباره جنگ نرم در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی، بیانگر اهمیت این مقوله است، طوری که در سال ۱۳۸۸ ایشان اولویت اول کشور را جنگ نرم دانستند.

واژه جنگ نرم (Soft War) در برابر جنگ سخت (Hard War) بهکار میرود. البته گاهی به جای جنگ از واژههای تهدید یا قدرت نیز استفاده میشود، ولی در نهایت این تعابیر معمولاً به یک مفهوم ختم میشود.

ص: ۱۲۰

نظریه جنگ نرم طی دهههای اخیر وارد ادبیات سیاسی شده است. دراین باره، منسجمترین کتابی که با عنوان Soft Power- قدرت نرم- انتشار یافته به جوزف نای تعلق دارد. وی معتقد است مبنای قدرت سخت یا جنگ سخت بر «اجبار» و مبنای قدرت نرم بر «اقناع» است. (۱)

محققان برای جنگ نرم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی تاکتیکهای زیر را برشمردهاند: پخش شایعات و دامن زدن به آن برای ایجاد جوّ بیاعتمادی و ناامنی روانی، اختلاف افکنی در صفوف مردم و برانگیختن اختلاف میان مقامهای نظامی و سیاسی کشور، اشاعه بذر یأس و نومیدی درمیان مردم، برچسب زدن، کلی گویی، دروغ گویی ودشمن تراشی، ارائه پیشگوییهای فاجعه آمیز، حذف و سانسور، جاذبههای جنسی، ماساژ پیام، ایجاد تفرقه و تضاد، ترور شخصیت، تکرار، توسل به ترس و ایجاد رعب، مبالغه و مغالطه. (۲)

از ادبیات این جنگ برداشت میشود که این پدیده فرهنگی اجتماعی نیز مثل بسیاری از پدیدههای دیگر از زاویه علوم انسانی رایج و غیر بومی مورد بررسی قرار گرفته و مباحث آن از قدرت رسانهای و تولید افکار عمومی در ساحت جنگ رسانهای و آگاهی بخشی نسبت به موضوع و افزایش توان مادی و رسانهای فراتر نمیرود.

جنگ نرم به حوزه نگرش افراد مربوط میشود و درصدد است تا با تغییر نگرش افراد، شخصیت و هویت آنان را دچار تغییر و کرده و زمینه

۱- مهدی صادق، «جنگ نرم چیست؟ » پایگاه اینترنتی قدس، ۱۳۸۸ www. paigahghods. persianblog. ir

۲- محمد قربانی «تبیین مفهومی پیشینه تاریخی و تاکتیکه۱۹، جنگ نرم، پایگاه اینترنتی www. tabnak. ir.

ص: ۱۲۱

استحاله فرهنگی را در سطح کلان جامعه فراهم کند. نگرش افراد یعنی قلمرو سه ساحت آدمی: یعنی ادراکات، احساسات و عواطف و آمادگیهای رفتاری که با تولید تمایز بخشی افراد هویتساز است و با تولید فرایندی از صفات تکامل یافته در شخص شخصیت ساز میشود.

پیشینه پدیده جنگ نرم

پیشینه پدیده جنگ نرم

واقعیت آن است که جنگ نرم به موازات جنگ سخت در طول تاریخ بشریت وجود داشته است. از وقتی که شیطان، آدم و حوا را وسوسه و زمینه خروج آنها از بهشت را فراهم کرد و قسم خورد که از هر راهی برای اغوای انسانها استفاده کند، جنگ نرم آغاز شد. کشمکش نیروهای متضاد درونی فرد به او هویتی دامنهدار بخشید که از یک سو تا «دنی فتدلی ثم قاب قوسین او ادنی» (نجم: ۹) (۱)پیش رفت و از سوی دیگر تا «اولئک کالانعام بل هم اضل»(اعراف: ۷۹)(۲) سقوط کرد. در صحنه اجتماع نیز همواره به موازات جنگ سخت، جنگ نرم تداوم یافت. البته لزوما پیروز در جنگ سخت، در جنگ نرم پیروز نبوده است و گاهی پیروز مندان در عرصه جنگ سخت در مبارزه نرم مغلوب شدهاند نظیر مغولان در ایران.

در این راستا استعمار و استکبار در نقاط مختلف جهان برای تضمین موقعیت استعماری خود از ترویج مظاهر فرهنگی خود و ایجاد باورهای متناسب با فرهنگ استعمار بهره بردهاند. به عنوان مثال با بهرهگیری از زبان وارداتی استعماری و حاکمیت آن، زبان بومی مردم را که حاصل فرهنگ آنها است به انزوا کشاندهاند و در نتیجه با ایجاد گسست فرهنگی و هویتی،

۱- سوره ۵۳ /۹

۲- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

ص: ۱۲۲

نسلی مطیع و دوستدار خود و چشم به دست غرب تربیت می کنند. عجیب نیست که انقلابیون الجزایری در مبارزه با استعمار فرانسه جنگ واقعی را در عرصه جنگ نرم دانسته، از دو عنصر فرهنگی زبان و دین به عنوان پرچم و سرلوحه مبارزاتی خود بهره میگیرند؛ زبـان عربی به عنوان مهمـترین ابزار انتقـال فرهنگی، و دین به عنوان اصـلیترین عنصـر بـاورداشت فرهنگی تلقی شـده که از تخم آن ارزشهای اجتماعی میروید و آن ارزشها، خاستگاهِ هنجارها و راه و روش و الگوهای زیستِ جوامع هستند.

پیشینه طرح بحث جنگ نرم

پیشینه طرح بحث جنگ نرم

فولر، مورخ و تحلیلگر نظـامی بریتانیـایی، اولین کسـی است که اصـطلاح جنـگ روانی را در سـال ۱۹۲۰ به کـار برد. در آن زمـان، اسـتفاده فولر از واژه جنگ روانی در محافل نظامی و علمی بریتانیا و امریکا، توجه چندانی را به خود جلب نکرد. در ژانویه ۱۹۴۰ با انتشار مقالهای با عنوان «جنگ روانی و چگونگی به راه انـدازی آن»، این اصـطلاح برای اولین بار وارد ادبیات امریکا شـد. همچنین نصراز اولین تعریف هایی یاد میکند که برای جنگ روانی عنوان شد و مورد قبول نیروهای مسلح امریکا قرارگرفت. او در مورد این تعریف مینویسد: «جنگ روانی یعنی اسـتفاده از هر نوع وسـیلهای به منظور تأثیرگذاری بر روحیه و رفتار یک گروه، با هدف نظامی مشخص». در پایان جنگ جهانی دوم، این اصطلاح به فرهنگ لغت وبستر وارد شد و بخشی از عبارت پردازی های سیاسی و نظامی آن زمان را تشکیل داد.

در سال ۱۹۵۰ یعنی تنهـا یـک سـال پس از پایـان جنگ جهان دوم نرومن رئیس جمهور وقت امریکا به منظور کسب آمادگی برای اجرای جنگ روانی در کره، پروژه ای را با عنوان نبرد حقیقت با بودجه ای معادل

ص: ۱۲۳

۱۲۱میلیون دلار تصویب کرد. ارتش امریکا، اداره و ریاست جنگ روانی را به عنوان بخش ستادی ویژه ایجاد کرد و در کنار واحدهای رزمی، واحدهای جنگ روانی گسترده ای را با استفاده از تجربیات جنگ جهانی دوم تشکیل داد. از آن زمان تاکنون، سازمان ها و واحدهای روانی تبلیغاتی امریکا با توسعه ای روزافزون همواره به عنوان یکی از بازوهای اصلی آن کشور در جنگ و صلح عمل کرده اند.

جان کالینز، تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، معتقد است جنگ نرم «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن است برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوههایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری میشود». (۱) وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکلدهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی پروفسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶ در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین الملل» به آن اشاره کرده بود. با این وجود مهمترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی منتشر نمود. (۲)

چرایی جنگ نرم

چرایی جنگ نرم

گستره جنگ نرم فکر، اندیشه و فرهنگ ملت هاست، لکن گستره جنگ سخت و نظامی مرزهای جغرافیایی یک یا چند کشور است.

۱- «جنگ نرم، تبیین مفهومی پیشینه تاریخی و تاکتیک ها»

۲- «جنگ نرم، تبیین مفهومی پیشینه تاریخی و تاکتیک ها»

ص: ۱۲۴

سیاست جنگ نرم به دست آوردن باورها و اعتقادات ملت ها، به حاشیه کشاندن فرهنگ دینی و ملی جوامع است، ولی هدف از حمله نظامی و جنگ سخت تصرف زمین و کسب منابع و مراکز مهم اقتصادی است.

در کارکرد نظامی و جنگ سخت، تلفات و خرابی ها محسوس و ملموس است و در ضمن با هزینه کردن، قابل بازسازی است، ولی در جنگ نرم ویرانی ها و آسیب ها نامحسوس است، و به آسانی قابل بازسازی نیست.

جنگ نرم بلندمدت، کم دردسر و کم هزینه است، اما جنگ سخت و نظامی کوتاه مدت، پردردسر و پرهزینه تر است.

تلفات انسانی به ویژه در جبهه دفاع مقدس، تحت عنوان شهادت، با ارزش و ماندنی است، ولی در عرصه فرهنگی و جنگ نرم ذهن ها و اندیشه ها آسیب می بیند و کمتر قابلیت معنویت سازی ملموس و محسوس است. (۱) از جمله اهداف جنگ نرم در حوزه فرهنگ ملی و دینی جوامع و ملتها این است که با حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی در راستای فرهنگ سازی جهانی خواستههای خود را در تمام ابعاد تأمین کنند و در عمل اداره کشورها و به تعبیر صحیح تر اداره امور جهان را به دست گیرند. (۲)

رسانه به عنوان ابزاری جهت مقابله با جنگ نرم به شمار میرود اما نباید فراموش کرد که جنگ نرم تنها از طریق رسانهها نیست، بلکه جنگ

۱- دومینیک ولتون، جهانی سازی دیگر، ترجمه عبدالحسین نیکگهر، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۷، ص ۱۵.

۲- محمود سریع القلم، مبانی نظری سیاست خارجی دولت بوش، فصلنامه مطالعات منطقهای، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۰.

ص: ۱۲۵

نرم موضوعی است که شامل کنش، واکنش و فعالیت در حیطه اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ هر کشوری است. به نظر میرسد مهاجمین جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی با همه ابزارها و در همه ابعاد و عرصه‌ها از جمله رسانه وارد شده‌اند. جنگ نرم اصولا جنگی است که فرصتهای داوطلبانه بدون خشونت را ایجاد میکند و بدون خونریزی میتواند در ایجاد افکار عمومی و جاذبه‌های فرهنگی و هنری در بخشی از جامعه مؤثر باشد. اگر فرض بر این باشد که دشمن از ابزار رسانه استفاده میکند، به این معناست که سیاست ها، دیپلماسی خارجی، رویکرد اقتصادی و فرهنگی خود را از طریق این ابزار به ما نشان میدهد.

جنگ نرم در شرایطی صورت میگیرد که قدرت نرمی وجود داشته باشد و دارندگان قدرت نرم میتوانند از تاکتیکها و فرصتهای جنگ نرم استفاده کنند. قدرت نرم هم در جریان فرهنگی و سیاسی گفتمان جمهوری اسلامی وجود دارد و هم در گفتمان جریان رسانهای غرب. بنابراین پایگاه جنگ نرم، قدرت نرم هر کشور و هر جریانی است.

بهترین راه مقابله با جنگ نرم ایجاد قدرت نرم در رسانهها و بهترین وضع قدرت نرم، داشتن وحدت موضوع و وحدت نظری رسانههای جمهوری اسلامی در منافع و مسائل اساسی نظام و تولید در تکثر و انتقال است. به این ترتیب است که میتوانیم با جنگ نرم دشمن مقابله کنیم. در غیراین صورت، فقط باید نظارهگر همراهیهایی باشیم که اتفاق میافتد.

هدف قدرت نرم، افکارعمومی خارج وسپس داخل کشور است. وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز، جهانهای ذهنی و غیرواقعی را به دنیا مخابره میکنند. آنها دیگر به انتقال واقعی فکر نمیکنند، بلکه واقعیتها را میسازند. هدف رسانهها از قدرت نرم، دیگر مدیریت افکار عمومی

ص: ۱۲۶

نیست، بلکه رسانه‌ای در این دنیا موفق است که بتواند با افکار عمومی حرکت کند و خود را سازگار با آنها نشان دهد. در عصر رسانه‌های نوین جهانی، به یاری فناوریهای نوین ارتباطات واطلاعات کسب قدرت نرم به مراتب راحتتر از به دست آوردن ونگهداری قدرت سخت است. دولتها اگر بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود، باز تعریف کنند، درآن صورت مجبور نیستند لشکرهای عظیم نظامی خود را تقویت کنند.

مصادیق قدرت نرم جبهه جمهوری اسلامی عبارتند از : رهبری دینی و تأثیرات عمیق در سطوح مختلف منطقه، فرهنگ غنی اسلامی با محوریت جهاد و شهادت و انتظار، جمعیت جوان و نخبه کشور و قابلیتها و فرصتهای آنان، قدرت و همراهی مردم در صحنه با حکومت اسلامی، ظرفیتهای راهبردی جغرافیای توسعه‌ای و نهایتاً دیپلماسی عمومی فعال اسلام سیاسی در منطقه و بسیج گروهها و جنبشهای اسلامی. (۱)

راهبردهای اسلام برای رویارویی در جنگ نرم

اشاره

راهبردهای اسلام برای رویارویی در جنگ نرم

زیر فصل ها

الف)تقویت فطرت آدمی با ترویج معارف و عرفان ناب اسلامی

ب) بصیرت و دشمن شناسی

الف)تقویت فطرت آدمی با ترویج معارف و عرفان ناب اسلامی

الف)تقویت فطرت آدمی با ترویج معارف و عرفان ناب اسلامی

بر اساس دیدگاه اسلامی انسان دارای فطرت است. همانطور که در نهاد او غرایز و نفس اماره کمین کرده است، استعداد و کشش تعالی نیز در او وجود دارد. در ادبیات اسلامی از این دو بعد وجودی انسان تحت عنوان «من علوی» و «من دنی» یاد میشود. تقویت و رشد هر یک از دو بُعد در مجموعه شخصیتی آدمی وابسته بر عوامل مختلفی است که برخی از آنها جنبه زیستی و ژنتیکی دارد و برخی مربوط به حوزه وضعی و تکلیفی

۱- وحید خاشعی، کاوشی بر بستههای سیاستی حوزههای مختلف رسانهای کشور، ص۳.

ص: ۱۲۷

خود فرد و اطرافیان او مثل پدر و مادر است و در نهایت ساختارها نیز در این فرایند تأثیر مهمی دارند. بر این اساس به نظر میرسد راهبرد اساسی اسلام برای مقابله با جنگ نرم، مبارزه با نفس و تقویت ابعاد فطری در سطح خرد و تأکید و توجه به نهادهایی نظیر خانواده در سطح میانه و انسجام و هماهنگی در سطح کلان است.

ب) بصیرت و دشمن شناسی

ب) بصیرت و دشمن شناسی

دشمن واقعی کیست و جنگ واقعی در چه عرصه‌های است؟ براساس آموزههای اسلامی، انسان و جامعه انسانی در مقابل دو جنگ قرار دارد. و با توجه به تکلیف و تعهد اسلامی دو نوع مجاهده وجود دارد. یکی جنگ ظاهری و به اصطلاح جنگ سخت که جهاد اصغر و مبارزه کوچکتر نامیده شده و دیگر جنگ پنهان و به اصطلاح جنگ نرم و فرهنگی و هویتی که جهاد اکبر و مبارزه بزرگتر نام گرفته است. به عنوان نمونه وقتی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگی سخت و طاقتفرسا با موفقیت برگشتند پیامبر به ایشان فرمود:

مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر فقیل یا رسول الله ما الجهاد الاکبر قال جهاد النفس(۱)

مرحبا و آفرین به قومی که در جهاد اصغر موفق شدند و اینک بر آنها باد جهاد اکبر. پس سؤال شد یا رسول الله: «جهاد اکبر کدام است؟ » فرمود: «جهاد با نفس. »

رمز موفقیت در جبهه جهاد اصغر موفقیت در جبهه جهاد اکبر است.

۱- محمد بن الحسن حر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۱.

ص: ۱۲۸

پس دستگاههای متولی فرهنگ و هویت از جمله صدا و سیما در این خصوص نقشی اساسی دارند. با موفقیت در این جبهه است که" هر فرد مسلمان با ده نفر یا کمتر آن برابر دانسته شده است:

ای رسول، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید، بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده بر دو هزار نفر کافران غلبه خواهند کرد زیرا آن ها گروهی بی دانشند.(انفال: ۶۵) (۱)

طبق آیه مذکور نداشتن بصیرت و تفقه موجب ضعف کافران است. تفقه با فهم عمیق همراه با بصیرت دینی حاصل میشود که مستلزم درك و شناخت همراه با آمادگی و انگیزههای نفسانی و روانی است که در مجاهده با نفس در جهاد اکبر حاصل میشود. بر این مبنا است که رهبر انقلاب در جریان فتنه سال ۸۸ و پس از آن از واژه «بصیرت» به عنوان واژه کلیدی فهم درست وقایع یاد کردند.

برای کسب بصیرت تمهیداتی لازم است که صدا وسیما میتواند آنها را در برنامههای خود بگنجاند، از جمله:

توجه به اقتصاد اسلامی: بر اساس آموزههای اسلامی یکی از عوامل بیبصیرتی تغذیه از مال حرام است. همین عامل چشم بصیرت کوفیان را در جنگ با امام حسین علیه السلام کور میکند در نتیجه گامهای آنها در حمایت از امام حسین علیه السلام نه تنها لرزان شده، بلکه برخی از آنها به جنگ ایشان نیز میشتابند.

تأکید بر نهاد خانواده: موقعیت خانواده برای حیات فردی و جمعی در جامعه اسلامی از اهمیت فوقالعادهای برخوردار است. حفظ آداب و

۱- قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۵.

ص: ۱۲۹

سنتهای اسلامی این نهاد و ایفای نقش والدین و توجه به جایگاه اجتماعی آن مورد تأکید فراوان است. افزایش طلاق و بالارفتن سن ازدواج در شرایط کنونی هشداری است. اگر ورود به صحنه اجتماع زنان را صرفاً در بیرون خانه تعریف کردیم و نقش مادری زن و اهمیت حضور او در خانه و سرپرستی فرزندان به عنوان مهمترین نقش انسانساز و جامعهساز کمرنگتر جلوه دادیم، باید بدانیم که از سربازان جنگ نرم هستیم و با دشمنان همراهی کنیم. اگر در آموزههای قرآنی شکر و سپاس والدین، پس از شکر خداوند آمده است بیتردید به خاطر اهمیت و جایگاه رفیع والدین است

توجه به نهاد مسجد و جایگاه آن در شهر و دیار اسلامی نیز بسیار حائز اهمیت است. اگر فضای شهری را طوری آراستیم که مسجد نقش محوری یافت و زمینه حضور مردم را به مسجد هموار کردیم و در تجلیل و تکریم آن کوشیدیم و صدا و سیما و دیگر مراجع بر نقش انسانساز مسجد تأکید کردند؛ دیگر نیازی نیست نگران جنگ نرم دشمن باشیم و تأکید بر اهمیت جایگاه قرآن و عترت در میان جامعه نیز از همین قاعده پیروی میکند.

در این رویکرد به برآوردن نیازهای اساسی افراد جامعه برای رسیدن به سعادت و بیمه شدن از آسیبهای دشمنان درونی و بیرونی کارگزاران جنگ نرم و سخت تأکید شده است. به راستی چرا ازدواج نیمی از ایمان است و حتی زمین، جوان ازدواج نکرده را نفرین میکند. بی تردید قرار گرفتن در چنین شرایطی زمینهساز موفقیت شیاطین در جنگ نرم است. تبعیض، فقر و بیعدالتی نیز از این قبیلاند. لذا رهبر انقلاب بارها از سه آسیب فساد، فقر و تبعیض سخن گفته و برای رفع

ص: ۱۳۰

آنها سفارش کرده است. در برخی روایات امنیت، عدالت و فراوانی به عنوان نیاز همه تلقی شده است: «ثلاثه اشیاء یحتاج الناس طرّاً الیها الامن والعدل و الخصب».(۱)

در این رویکرد، در عین حال که به ریشه‌ها و منابع توجه میشود، تفاوتهای محیطی و اقتضائات زمانی نیز مورد توجه است و تأکید میشود که فرزندانتان را متناسب با نیاز زمانه خودشان تربیت کنید. با این نگاه هرگونه دگرگونی و تغییر به منزله گسست هویتی به شمار نمیرود و تفاهم و همدلی برقرار میگردد و همانطور که نیازهای مختلف گروههای سنی به رسمیت شناخته میشود، برای نسل نو نیز دگرگونی، زیبایی‌خواهی، تحول، خطرپذیری و نوآوری به رسمیت شناخته میشود و با این حساب از خمودگی، ایستایی و جمود پرهیز میگردد و راه برای انتخاب و گزینش باز گذاشته میشود.

حفظ کلیت نظام اسلامی: سخن و قلم معمار کبیر انقلاب اسلامی پس از گذشت دو دهه از رحلت آن عزیز، هنوز در گوش جان ما طنین افکن است که حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است. این رویکرد، ریشه در عمق آموزههای اسلامی دارد که بقای اسلام، تمدنسازی و تعالی آن و امکان رویارویی آن با دشمنانش در گرو توجه به این اصل است. توحید کلمه و کلمه توحید که خود از سفارشات امام راحل و مقام معظم رهبری است؛ ریشه در قرآن و روایات دارد.

توجه به اقتضائات رابطه امام و امت در همه عرصههای اجتماعی: امام و امت از واژگانی است که در فرهنگ اسلامی دارای بار فرهنگی و

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۲.

ص: ۱۳۱

تعیین کننده در جریان هدایت جامعه است. امام در جامعه اسلامی پیشوایی است که همراهی و اطاعت از او تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی است. امام در هنگام حضور، انسان کاملی است که از نظر عملی دارای علم لدنی و خدادادی است و در عرصه علم و عمل معصوم است و از خطا و اشتباه در حکم و موضوع در امان است و در عصر غیبت امام کسی است که اوصاف آن، توسط امام معصوم بیان گردید، کسی که از نظر دانش اسلامی برتر و قابل اعتماد به تشخیص اهل فن و از نظر نفسانی بری از هوای نفس و مطیع امر الهی است و وجود این عناصر تحلیه و تخلیه شرط بقای امامت است و این شرایط به تناسب در همه ارکان و رأس و بدنه و ساقه جامعه اسلامی باید جاری و ساری باشد. در این صورت، ریسمان محکم الهی باقی است و اتحاد و وحدت کلمه و کلمه توحید تحقق مییابد و در غیر این صورت زمینه ناملایمات و فتنهها فراهم میشود. آیه ۱۷سوره رعد به خوبی این مهم را به تصویر کشیده است. از این آیه برداشت میشود که:

۱. حرکت تکاملی جامعه مستلزم آن است که از کثرت به وحدت حرکت کند. هر چه به وحدت نزدیکتر شود تمایز خود را از باطل بیشتر تشخیص داده، و از آشوبها راحتتر میتواند رهایی یابد.

۲. همواره حق و باطل رویاروی هماند و باطل محتوای قابل ارائه ندارد. کار او موجسواری است و بر گرده حق مینشیند. در صورتی که فضا آرام شود و زمینه ارائه صحیح حق فراهم گردد باطل خلع سلاح میشود، چه اینکه باطل چون کف آبی است. گرچه در جریان تند سیلاب خود را بر سطح نشان میدهد، اما به واقع آنچه باقی میماند آب است و در رودخانه وسیع و آرام گرفته، جایی برای کف باقی نمیماند.

ص: ۱۳۲

۳. از مطالب فوق برداشت میشود که در جنگ نرم بایـد مراقب گلآلود کردن فضا توسط دشـمنان بود و با شـرح صـدر و حوصـله و درایت و تدبیر جامعه را آرام کرد و مرعوب دشـمن نشد. گاهی بیان اغراقآمیز کارهایی که دشـمنان انجام میدهند و انتشار کتابهایی که جز ترسیم کارهای آنها نیست، خود آب در آسیاب دشمن ریختن است.

۴. در هنگام کثرت و تفرقه مشکلات بروز میکند و شناخت حق سختتر میگردد.

۵. امیـدواری و نشـاط: در صورت شـناخت درست دشـمن، ماهیت جبهه باطل «کف روی آب»، توجه به همه ابعاد و پرهیز از «یؤْمِنُ بِبَعْضٍ ویکْفُرُ بِبَعْضٍ» و داشتن شرح صدر چون دل دریا، باید مطمئن بود که عاقبت از آن پرهیزکاران است.

۶. از تشبیه جبهه حق و جامعه اسـلامی به حرکت آب از سـنگلاخ تا دریا از آیه فدک و اینکه این جویبارها برای رسیدن به آرامش بایـد راه دریا را بیابند اسـتفاده میشود که جامعه اسـلامی در رویارویی با باطل و جنگ نرم نیازمند رهبری است و مدیریت به تنهایی کافی نیست. رهبری در سازمان نقش پیشبرد، هـدایت، تخریب ساختارها و بازسازی آن متناسب با نیاز را برعهده دارد، در حالی که مـدیر طبق ضوابـط تعریف شـده و مشـخص، متعهـد به حفظ وضع موجود سازمانی است و از قـدرت خطرپـذیری کمتری برخوردار است.

این شـرایط اقتضا میکنـد که جامعه هر لحظه، آمادگی دگرگونی و رویارویی با مشـکلات جدیـد را داشـته باشـد و این هم مسـتلزم داشـتن رابطه عاطفی و قلبی بین امت و امامت است. آیات قرآن بر اخلاق عظیم و پیشـگامی پیامبر صلی الله علیه و آله در رویارویی با مشکلات، دلسوزی ایشان نسبت

ص: ۱۳۳

به جامعه و... تأکید و آنرا تمجید میکند و این یعنی موفقیت جامعه اسلامی مستلزم همدلی و همراهی امام و امت است و از جمله توطئههای دشمنان در جنگ نرم خدشهدار کردن این رابطه است.

۷. از مطلب فوق استفاده میشود که جامعه اسلامی گرچه براساس احکام و قوانین اسلامی اداره میشود، ولی روح حاکم برآن هنجاری و اخلاقی است. به عبارت دیگر جامعه اسلامی از طریق حاکمیت بر دلها امور جامعه را به پیش میبرد و این حاکمیت است که ورای قوانین رسمی خود را نشان میدهد، این مسئله میتواند حال با یک جمله میرزای شیرازی در جریان جنبش تنباکو باشد، یا با حکم حکومتی امام و رهبری به عنوان ولی فقیه مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی.

۸. روح اخلاقی داشتن حاکمیت اسلامی مستلزم آن است که بر عنصر انگیزش و خواست تأکید دوچندان شود. جامعهای که برپایه قانون اداره میشود، جامعه بیروحی است که جبر و پاداش قانونی ملاک نظم و انضباط اجتماعی است، ولی جامعه اسلامی مبتنی بر اخلاق مستلزم بهرهمندی از پشتوانه وجدانی و خواست قلبی است. پیامبر اسلام۹ از جامعه جاهلیت، نسلی ساخت که سرآمد مجاهدان در طول تاریخ شدند، امام امت نسلی را ساخت کرد که خود شهادت داد نمونه آن در ادوار دیگر مشاهده نشده است. امروزه هم در رویارویی با جنگ نرم باید نسلی را ساخت که نگران تأثیر سایتها و کتابهای دشمنان بر آنها نبود. آنچه ما را در جنگ نرم موفق میکند تنها شناخت اینگونه امور نیست، بلکه رمز موفقیت ما تولید نسلی است که در مقابل این تهاجمات بیمه شده باشد. الگوی تربیت چنین نسلی در آموزههای اسلامی بیان شده است. ما در ادامه به برخی از آنها میپردازیم.

ص: ۱۳۴

احتیاط در انتخاب بد برای دوری از بدتر: رویکردی که در بخشی از بدنه مدیریت کشور، برای فرار از جنگ نرم به کار گرفته شده این است که برای پرهیز از بدتر میتوان به انتشار و ترویج بد مبادرت ورزید. این موضوع در رسانه ملی تا حدی خود را نشان میدهد. مثلاً۔ برای فرار از ماهواره، رسانه ملی خود به پخش فیلمهایی با همان مضامین منتها با حذف برخی صحنههای ناپسند میپردازد.

این استدلال چگونه قابل پذیرش است؟ از بحث پشتوانه دینی که بگذریم، نگاهی به روند اتفاقات اجتماعی فرهنگی نشان میدهد که این رویکرد چندان هم پاسخگو نیست. به علاوه باید در جنگ نرم به این نکته توجه کنیم که ذائقه افراد دائم در حال ساخت و تحول و دگرگونی است. ذائقه و سلیقه افراد چیزی نیست که در یک جا به اشباع برسد. ورود به عرصههای خلاف شرع، مخصوصاً جنبههای شهوانی و جنسی ورود به عرصههایی است که سراب و سیریناپذیر است بنابراین در دستورات اسلامی به عمل به اوامر و ترک نواهی و احتیاط در شبهات تأکید شده و دین چون برادر خوانده شده که برای پاسداشت آن باید بسیار محتاط بود. در مسایل اجتماعی فرهنگی که دارای پیچیدگی است برای اجرای دفع افسد به فساد به عنوان یک مسئله عقلایی باید بسیار محتاط بود، به علاوه آنکه استفاده نابجا از این اصل ابتکار عمل را از جبهه حق میگیرد می ستاند و بنابراین مجبور است دائم در حال دفاع باشد.

فرهنگسازی: فرهنگسازی از اصطلاحاتی است که در جامعه ما مظلوم واقع شده است. اگر برنامهای برای مقابله با مفاسد اجتماعی تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شود بلافاصله فریادها بلند میشود که

ص: ۱۳۵

اول باید فرهنگسازی کرد. آری، این چنین است اما رویه همه جوامع که مبانی اسلامی، نیز به لحاظ حکم کلی آنرا تأیید میکند، آن است که هـدایت جـامعه و برقراری نظم اجتمـاعی مشـروط به بهرهگیری از دو عرصه جامعهپـذیری و کنـترل اجتمـاعی است. به هر صورت وجود کنترل اجتمـاعی و قوانین بازدارنـده نیز خود بایـد از مصادیق جامعهپـذیری آحاد جامعه تلقی گردد تا وجـدان جمعی اعمـال کنترلهـای اجتماعی را پـذیرا شود. در این صورت جامعه همانطور که مبارزه با اشـرار و زورگیران را تأییـد و تشویق میکنـد، مبارزه با دختران و پسـرانی که با بـد حجابی و نابهنجاری چهره شـهر را آلوده کرد، زمینه گناه را فراهم میکنند، خواهد پذیرفت. در این باره هم میتوان از سازوکار تربیتی اسلام در امور تشویقی و تنبیهی بهره جست.

رویکرد مسئله محوری بـا نگـاه حکیمـانه رهبر فرزانه انقلاب اسـلامی در عرصه فرهنگ همخوانی بیشتری دارد. رهبر معظم انقلاب اسـلامی بارهـا و بارهـا این امر را مورد تاکیـد قرار دادهانـد که مـا در عرصه فرهنگ در حال مقابله با یک شبیخون، تهاجم و ناتوی فرهنگی هستیم.

این مسئله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم میآورم و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هر دویش برای شـما قابـل توجه است، یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی... . شاخه دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و به ارزشهای جمهوری اسلامی و ارزش های ملت ایران، از طریق فرهنگی با نوشتن، بـا تهیه فیلمهـا یـا نمایشـنامهها یا تنظیم کتابها یا فصـلنامهها، این کار هم الان در کشور ما با هـدایت بیگانه دارد انجام میگیرد... باید جبهه فرهنگی به وجود بیاید.

ص: ۱۳۶

سنگرهای فرهنگی باید به وجود بیاید. همه باید کار کنند و امروز، روز کار است.(۱)

نبرد فرهنگی را بـا مقـابله به مثـل میشود پاسـخ داد. کـار فرهنگی و هجوم فرهنگی را بـا تفنـگ نمی شود جواب داد. تفنگ او، قلم است... مثل جنگ نظامی، چشم ها را بایـد باز کرد و صـحنه را شـناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بـدون شـناسایی و دیده بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین طور است. اگر ندانید که دشـمن کار می کند یا از آن که می داند، فرمان نبرید، از فرمانده فرهنگی دسـتور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.(۲)

تعبیرات و بیانات صـریح مقام معظم رهبری، همگی ناشی از درک فضای یک جنگ تمام عیار در صحنه فرهنگ است. برای مقابله در این عرصه باید نقاط هدف را به خوبی مشاهده کرد. باید سـهم و وظیفه هر دستگاه به خوبی مشخص شود تا بتوانیم به درستی به نقطه هـدف بزنیم. این نوع همکاری و سـهم بندی، مانند جنگ نظامی ایسـتا و روشن نیست بلکه از نوع پویا و انعطاف پذیر است و باید جهت دهی شود. رویکردی که بتواند تمامی فرصت ها و امکانات و سرمایه های کشور را برای مقابله با این تهاجم تمام عیار به کار بگیرد، رویکرد مسئله محوری است. این رویکرد به مانند نگاه های تفکیک یا ادغام به دنبال هضم کردن همه فعالیت ها

۱- بیانات مقام معظم رهبری، ۸ مرداد ۱۳۷۲.

۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹.

ص: ۱۳۷

در یک مکان نیست؛ این رویکرد معتقد است که فعالیت سازمان ها بایـد در جهت حل مسائل متمرکز شود و از این طریق می توان به هم افزایی دست یافت.

رعایت تقوای اجتماعی سیاسی

رعایت تقوای اجتماعی سیاسی

یکی از ترکیبات بسیار زیبا و عمیقی که از سوی مقام معظم رهبری وارد ادبیات اجتماعی، سیاسی گردید؛ واژه تقوای اجتماعی است. فهم این موضوع متوقف بر درک درست معارف اسلامی است. اسلام دین اجتماعی است، همان طور که برای فرد قائل به تکلیف و حقوق فردی است، برای اجتماع هم حقوق و تکالیف ویژه ای را تعیین کرده است. از این نظر گرچه در اصالت فلسفی جامعه، در میان اندیشمندان اسلامی اختلاف نظر است، اما کسی تردیدی ندارد که اسلام اصالت اجتماعی را به معنای تأثیر متقابل فرد و اجتماع به رسمیت شناخته است؛ همان طور که تردیدی در احکام متفاوت و متمایز و ویژگی ساحت فردی و اجتماعی نیست. در این مقال به برخی از اصول رفتاری در ساحت اجتماعی اشاره می شود :

اصل توجه به شایسته سالاری: بر این اساس فرد مسلمان تا شایسته تر از خود را سراغ دارد به خود اجازه اشغال پست و مسئولیتی را نمی دهد و تلاش می کند شایسته را برای پذیرش مسئولیت متقاعد سازد . این رویه را در پذیرش مسئولیت مرجعیت دینی بسیار شاهد بوده ایم.

توجه به مصالح و مفاسد عمومی.

توجه به رعایت حقوق اجتماعی و آزادی های مشروع مردمی.

توجه به پایه گذاری سنت های حسنه عمومی.

ص: ۱۳۸

پرهیز از آشفته کردن فضای ذهنی و افکار عمومی و سیاه نمایی.

واقع گرایی و توجه به شرایط زمانی و مکانی و ندادن سوژه منفی به دشمان اسلام.

تقویت حاکمیت اسلامی و ولایت مداری.

برجسته سازی شایستگی های خود و جبهه مورد علاقه خود و بیان ارشادی مرام و اهداف خویش در عرصه های سیاسی و اجتماعی.

احساس تکلیف کردن برای حضور در جریان های اجتماعی سیاسی و پرهیز از بی تفاوتی.

اتکای به خداوند و پرهیز از علاقه های حزبی، در تعصب ورزی برای خوبی خاص.

تلاش برای افزایش غرور دینی و افزایش ظرفیت های انسانی و فرهنگی و توجه به آینده مصالح اسلامی.

مبنا قرار دادن امر به معروف و نهی از منکر در فعالیت های خود.

عدم اعتماد به دشمنان و تلاش برای مأیوس کردن دشمنان اسلام.

توجه به هم گرایی، همگونی و انسجام به رویکرد تقریب گرایی و ائتلاف و وحدت و اتحاد میان مستضعفان جهان، مسلمانان، شیعیان و نیروهای وفادار به نظام مقدس اسلامی.

بهره گیری از ظرفیت های هنری اسلام و جامعه انقلابی در حماسه آفرینی

بهره گیری از ظرفیت های هنری اسلام و جامعه انقلابی در حماسه آفرینی

برخی از مشکلات در عدم دست یابی به جایگاه مناسب در عرصه هنری بر اساس آرمان های انقلاب اسلامی عبارتند از: فاصله زیاد بین هنر موجود در حوزه سینما، ادبیات، هنرهای تجسمی و تلویزیون با ایده‌آل ها، کم توجهی به استعدادهای موجود در کشور، کم توجهی به

ص: ۱۳۹

هنرهای سنتی، استفاده از ملاکهای غربی برای ارزیابی، فقدان یا کمی دانشکده یا رشته هنرهای اسلامی، عدم تبیین عرفان اسلامی در قالب های هنری.

سالانه به طور میانگین دویست نویسنده تازه کار به عرصه حرفه ای داستان نویسی وارد می شوند. صدا و سیما از این فرصت می تواند بهره گیری کند همچنین است ظهور نسلی نو از شاعران جوان که هم از قوت و اعتبار ادبی و فنی برخوردارند و هم از صمیم جان خود را فرزند امام و انقلاب و دلبسته آرمان های دینی، اجتماعی و سیاسی نظام می دانند.این طیف از شاعران که به سبب توان فنی در شعر خاصه در قالب های سنتی، اعتبار و جایگاه مناسبی در میان شاعران کشور یافتند، در دهه هشتاد چراغ شعر انقلاب. را با پرداختن به مضامین آیینی، دفاع مقدس، مقاومت اسلامی و عدالت اجتماعی روشن نگاه داشتند. همین شاعران بودند که در ماجراهای یکی دو سال اخیر با شعرهای روشنگرانه خود توهم همراهی نخبگان ادبی با جریان فتنه را باطل کردند.

تجربه موسیقی انقلاب و جنگ (حتی در مداحی جنگ) و تعداد قابل توجهی از هنرمندانی که با ظهور انقلاب اسلامی به جامعه موسیقیایی معرفی شدند، امکان ها و قابلیت های بی نظیری را در اختیار می گذارد که می توان با جمع نمودن هدفمند این گروه های هنری، طرحی دوباره در انداخت.(۱)

ضرورت تشدید هم افزایی ومراجع کنترلی و نظارتی

ضرورت تشدید هم افزایی ومراجع کنترلی و نظارتی

با آشکارتر شدن نقش و تأثیر صدا وسیما چندی است که بیش از گذشته مسائل این نهاد عظیم مورد توجه محافل علمی و مذهبی از قبیل مرکز

۱- ۱خاشعی درآمدی بر سیاست های راهبردی حوزه های مختلف هنر کشور،ص۲۳

ص: ۱۴۰

پژوهش های اسلامی صدا و سیما، جامعه مدرسین حوزه قم و مجلس خبرگان قرار گرفته است. توسعه کمّی شبکه های عمومی و تخصصی و تنوع برنامه ها و در نتیجه افزایش مخاطبان بر احساس نیاز به کنترل و نظارت دقیق تر این سازمان افزوده است و بی تردید در صحنه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز این ضرورت وجود دارد. از این جهت رویکرد مسئله محوری و بهره گیری از ظرفیت های حوزه های علمیه ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مسئله محوری از جمله رویکردهای مهم است که سرمایه های دانش بشر را به حل مسائل واقعی زندگی معطوف می کند. در چشم انداز مسئله محورشدن فعالیت های فرهنگی، تلاش ها و فعالیت های محققان، مدیران و دلسوزان به حل مسائل فضای فرهنگی اختصاص می یابد و در جهت تسری نوعی عقلانیت در استفاده از منابع و ابزارهای فرهنگی هدایت می شود.

در جامعه اسلامی ایران که به طور روزافزون با مسائل فرهنگی مواجه است، ایجاد رویکرد مسئله محوری و هدایت فعالیت ها بر این اساس نه تنها به کارآیی سازمان ها و نهادها می افزاید بلکه می تواند راهگشای فضای همکاری میان سازمان ها نیز باشد. در این رویکرد همکاری سازمان ها ناظر به حل مسائل و مشکلات فرهنگی است.

شبکه مسئله محور بر اساس دو مفهوم همکاری شبکه ای و رویکرد مسئله محوری تدوین و طراحی می شود و هدف اصلی آن ایجاد هم افزایی میان سازمان ها در جهت حل مسائل حوزه فرهنگ است. این نوع شبکه، می تواند به تعداد مسائل حوزه فرهنگ گسترش یابد. حوزه های علمیه می توانند در قالب تهیه محتوا و تأیید متن در این شبکه با سازمان صدا و سیما رابطه تعریف شده و مناسب تری بیابند. برای

ص: ۱۴۱

شکل گیری شبکه مسئله محور مراحل زیر باید انجام شود:

تعیین مسائل اصلی حوزه فرهنگ.

اولویت بندی مسائل حوزه فرهنگ.

شناسایی حوزه های مختلف فعالیت برای حل مسئله.

تشکیل تیم مدیریت حل مسئله به منظور مدیریت و رهبری حل مسئله.

شناسایی سازمان های مرتبط و توانمند برای حل مسئله.

تشکیل شبکه ای از سازمان های توانمند متناسب با حوزه های لازم برای حل مسئله.

از اقدامات بایسته رسانه ملی که چندی است مورد تأکید مسئولان رسانه و حوزه های علمیه و در رأس آنها مقام معظم رهبری قرار گرفته، تعامل سازمان و صدا و سیما با حوزه علمیه است این مهم می تواند در قالب منشور همکاری اجرا شود. در این منشور گام های زیر می تواند مورد عنایت قرار گیرد:

گام اول تشکیل کمیته تخصصی تعامل متشکل از حوزیان و اصحاب رسانه: از آنجا که به دنبال به نتیجه رسیدن تعامل مذکور هستیم و این امر نیازمند همفکری و همیاری دو نهاد مذکور می باشد، لازم است که کمیته ای متشکل از اصحاب رسانه و افرادی از حوزه تشکیل شود که آشنا به مسائل رسانه ای می باشند. این کمیته پس از انجام تحقیقات در زمینه های آسیب شناسی حضور روحانیت و ساختارهای مذکور و شناسایی دقیق سایر مسائلی که احتمالاً ـ از نظرها دور مانده، در نهایت اقدام به تدوین منشور حضور روحانیت نماید.

گام دوم تدوین منشور حضور روحانیت در رسانه: این منشور

ص: ۱۴۲

دربردارنده نظام نامه ای است که از دو بخش اصول و آیین نامه رفتاری تشکیل شده است .

گام سوم تلاش برای ترویج منشور: این تلاش با روند آموزشی، پرورشی و ساختاری صورت می پذیرد.

گام چهارم بازخوردگیری از منشور: کمیته تعامل در مقاطع زمانی مشخصی که به تشخیص و تعیین اعضا معین می شود، نسبت به نتایج و ثمرات عملی منشور در میان افراد و گروه های مورد نظر دو نهاد بازخورد گیری می کند و به شناسایی علل و عوامل موفقیت یا ناکامی منشور می پردازد. در این گام یکی از منابع مهم، ملاحظه و تأمل در نقدها و انتقادهایی است که از سوی صاحب نظران و مخاطبان منشور مطرح می شود.

گام پنجم بازنگری و اصلاح منشور: در نتیجه بازخوردگیری و شناسایی علل موفقیت یا ناکامی منشور و مطالعه و دقت در نقدهای رسیده، کمیته مذکور به اصلاح و تقویت این منشور خواهد پرداخت.

ص: ۱۴۳

فصل پنجم:بایسته های اقداماتی رسانه ملی

ص: ۱۴۴

ص: ۱۴۵

بی تردید حماسه سیاسی با محوریت موضوع انتخابات و حماسه اقتصادی با محوریت تبیین و اجرای اقتصاد مقاومتی قابل تحقق است. مسلماً موضوع انتخابات آنقدر مهم هست که دشمنان برای برپا کردن فتنه برنامه ریزی نمایند و تمام مساعی خود را برای برگزار نشدن موفق آن به کار گیرند. بر این اساس برنامه ریزی دقیق رسانه ملی برای قبل و بعد از انتخاب و زمان برگزاری آن ضروری است.

رعایت فضای انتخاباتی و اخلاق اسلامی، الگوی سازنده و عینی پیش روی جهانیان قرار می دهد که دستگاه لیبرال دموکراسی بدان راضی نیست و آن را با هستی خود در تضاد می بیند؛ لذا هم بر فضای بداخلاقی در عرصه سیاست دامن می زند و هم برای بد جلوه دادن نظام از نقاط ضعف ما در پذیرش سازوکارهای قانونی استفاده می کند. پس ما باید اصول اخلاقی انتخاباتی را بیش از گذشته رعایت کنیم و آگاهی دادن مردم به این اصول و تشخیص سره از ناسره برای رسانه ملی بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا توجه به جنگ نرم دشمن و راه های مقابله با آن باید بیش از پیش در برنامه های رسانه تجلی یابد. ایجاد امیدواری و تبیین چشم انداز نظام و راه های رسیدن به آن به میزان لازم هنوز در رسانه ملی مورد اهتمام قرار نگرفته است.

جبهه استکبار در تلاش است مقاومت مردم را بشکند و امروزه روی تحریم ها و ایجاد بحران های اقتصادی تمرکز کرده است. او از اعمال

ص: ۱۴۶

تحریم های ارزی تا ایجاد فضای شایعه و ایجاد نیازهای کاذب و جوّ روانی بهره می گیرد تا به اهداف خود برسد.

توجه به موفقیت های نظام در طول عمر با برکت خویش، مقایسه وضعیت مردم با وضعیت معیشتی جوامع دیگر، ارائه مصادیق بد مصرف کردن که متأسفانه بسیار زیاد هست و از سوی دیگر آگاه کردن مردم به درست مصرف کردن و نوید آینده روشنی که با مقاومت به دست خواهد آمد باید در قالب برنامه های مستقیم و غیرمستقیم سازمان قرار بگیرد تا زمینه تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و مقاومت اقتصادی را فراهم کند.

توجه به سرمایه های اجتماعی چه در زمینه حماسه آفرینی سیاسی و چه حماسه آفرینی اقتصادی در ایران اسلامی ضروری است. اگر امام خمینی با بیان راهبردی خویش عشایر را ذخایر ایران می خواند با درک درست از سرمایه های نهفته در این مملکت است. در این کشور به رغم وجود قومیت های مختلف و مذاهب و ادیان مختلف هیچ گاه نزاع و درگیری و رقابت های متضاد با منافع ملی دیده نشده است. همه قومیت ها و مذاهب به شدت به ایرانی بودن خود علاقه دارند و برای سربلندی آن جانفشانی می کنند. آنها در امور اجتماعی به هم آمیخته اند و انفکاک و جدایی در میان آنها وجود ندارد. در طول تاریخ آنها با یکدیگر ازدواج کرده و در کنار هم زندگی کرده اند. این سرمایه را در جای دیگر کمتر می توان سراغ گرفت. همین مسئله تکثر قومیتی موضوعی است که همیشه مورد طمع دشمنان بوده است. آنان از اشتراک نژادی، قومیتی و زبانی همسایگان نیز بهره جسته و شبکه های قومیتی و زبانی راه اندازی کرده اند تا شاید این فرصت عظیم را به تهدید علیه نظام اسلامی تبدیل کنند. رسانه ملی باید در خصوص این سرمایه های مهم به طور ویژه

ص: ۱۴۷

برنامه ریزی کند و در عرصه حماسه آفرینی از آن بهره جوید و با ارائه برنامه های مناسب فضای همدلی بیشتر ایجاد کند و از نقاط ضعفی که گاهی اتفاق می افتد پیش گیری نماید.

بر این اساس در برنامه های رسانه ملی ضروری است به این اقدامات توجه شود :

اقناع مبتنی بر ارشاد.

بیان اختلافات و تضارب آرا به همراه آموزش، فرهنگ سازی همدلی و تکلیف مداری و افزایش سعه صدر.

بیان سلایق مختلف با فرهنگ پذیری اتکا به قانون اساسی و ولایت فقیه و قانون مداری.

تحول گرایی همراه حفظ تجارب.

برنامه های نشاط آفرین و آرامش بخش با پرهیز از جنجال آفرینی و تهمت و افترا و. . . .

فرهنگ سازی حق مدرای توأم باتکلیف مداری.

توجه به حق الناس و حق الله (حق الاجتماع).

تحقق بخشی به مردم سالاری دینی و توجه به امتیازات آن از دموکراسی رایج در غرب.

تشویق به حضور حداکثری در صحنه های سیاسی اجتماعی با ارشاد به اصلح و معیارهای اسلامی.

راهنمایی به گروه های مرجع به ویژه روحانیت به همراه پرهیز از ایجاد احساس رفتار آمرانه برای مخاطبان.

توجه به همه اقشار و قومیت ها و طبقات اجتماعی و اقلیت های مذهبی و صنوف و. . . .

ص: ۱۴۸

تلاش برای تفکیک حفظ کلیت نظام و رهبری از رفتار کارگزاران و استقلال از انتقال گلایه ها و شکایات منطقی و ناراستی ها و کاستی ها و انتقادهای واقعی و سازنده.

پرهیز از برنامه های کلیشه ای خودساخته و غیرطبیعی که موجب سلب اعتماد دلزدگی است.

تنوع بخشی به برنامه ها و تلاش برای استفاده از راه کارهای غیرمستقیم در انتقال پیام.

تولید برنامه هایی که پیروزی ها و کامیابی های دوران انقلاب را به تصویر می کشد و غافل نشدن از تولید برنامه هایی که شکست ها را به تصویر می کشد و انتقال پیام عبرت گونه آنها.

تلاش در به تصویر کشیدن وضعیت پیش و بعد از انقلاب

به تصویر کشیدن ایثارها و تلاش هایی که از قبل از انقلاب برای به ثمر رسیدن انقلاب صورت گرفته است.

به تصویر کشیدن تاریخ ایران و فراز و فرود هایی که رخ داده است و تلاش برای انتقال پیام های درسی و عبرتی آنها.

به تصویر کشیدن نقش ایرانیان در گسترش اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام.

بهره گیری از سرمایه های اجتماعی اقوام مختلف با برجسته کردن همگونی ها و هم گرایی های آنها و تعلقات قوی آنها به اسلام و ایران و نیز پررنگ کردن نقش آنها در طول تاریخ و دوران دفاع مقدس و شناساندن بزرگان دینی و ملی آنها به ویژه در شبکه های استانی.

بهره گیری از شخصیت های خوش نام و کم حاشیه، نظیر جانبازان و ایثارگران و علما و مراجع و گروه های مرجع مثل هنرپیشه ها و

ص: ۱۴۹

ورزشکاران و مدال آوران و افتخارآفرینان صحنه های علمی.

اهتمام به زنده کردن روحیه امر به معروف و نهی از منکر با بیان مصادیق معرفتی و انسانی. (در این راستا جهت دهی به نهاد های برخاسته از مردم و هیأت های مذهبی و کانون های فرهنگی و احزاب می تواند مفید باشد.)

بهره گیری از منشور اخلاقی انتخابات.

اهتمام به برگزاری میزگرد های تخصصی و کارشناسی.

اهتمام به برگزاری مناظرات با رعایت اخلاق و معیارهای شرعی.

تلاش در جهت ایجاد وحدت و ائتلاف در جامعه.

ارائه مصاحبه های کارشناسی.

حضور در صحنه های واقعی مردم و ارائه گزارش و اکتفا نکردن به روز انتخابات.

ساخت فیلم های مستند از وضعیت مشارکت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم.

تهیه انیمیشن ها و فیلم های کارتونی ویژه کودکان و فرهنگ سازی در عرصه های سیاسی، اقتصادی.

ارائه تحلیل دقیق از ساختار سیاسی نظام اسلامی به ویژه در خصوص اصل ولایت فقیه و جایگاه شورای نگهبان و بیان امتیازات این سیستم نسبت به سیستم های غربی.

ترسیم درست سیستم های سیاسی غربی و به نمایش گذاشتن سیستم های غیر دموکراتیک و حزبی و حضور ضعیف مردم در این احزاب و به چالش کشیدن ادعاهای آنها.

صدا وسیما در عین واقع نمایی نباید به بهانه جذب مخاطبان با سلایق

ص: ۱۵۰

مختلف زمینه تشویش اذهان مخاطبان فعلی خود را فراهم سازد.

صدا و سیما باید نشان دهد که در مسائل حساسی چون انتخابات بی طرف است و تنها به رسالت ملی خود توجه دارد. پس باید موج آفرینی کند نه تحت تأثیر امواج زود گذر قرار گیرد.

صدا و سیما رویکرد فراجناحی را در رفتار کارگزارن نظام فرهنگ سازی نماید و این رویه اشتباه را که مردم عملکرد نمایندگان خود را بخشی و منطقه ای ارزیابی کنند اصلاح نماید.

صدا و سیما رفتار برخی کارگزارن را که خود را وامدار افراد خاص می بینند و در حوزه اختیارات یا سفارشات خود، جناحی عمل می کنند به نقد کشیده، آن را تقبیح نماید.

صدا و سیما باید این رویه غلط و وارداتی غربی را که برد و باخت انتخاباتی را خارج از حوزه ادای تکلیف فرض کرده و احساس شکست برای بخش عظیمی از جامعه را به وجود می آورد با ارائه برنامه های ارشادگرانه از بین ببرد و این واقعیت را روشن کند که همه کسانی که به تکلیف و برداشت خود عمل کرده اند مأجور اند و سهم مساوی در عظمت اسلام و مسلمین دارند.

توجه به برنامه های کودکان و نوجوانان در عرصه سبک زندگی اسلامی در حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

تا حد ممکن باید از برنامه های بلندمدت اجتناب کند و از یک نواخت شدن برنامه که در سخنرانی ها ایجاد می شود پرهیز کند و پیام هایش را به صورت غیرمستقیم ارایه نماید.

گرچه ماهیت تلویزیون تفریحی است، اما می توان با برنامه های تفریحی مضامین عالی را ارائه کرد؛ بنابراین باید از سطحی

ص: ۱۵۱

برگزارکردن برنامه ها به ویژه برنامه های مذهبی پرهیز کرد. صدا و سیما به جای دیگران فکر نمی کند بلکه ارشاد می کند.

با بیان واقعیت و راستی باید تلاش کند مخاطبان خود را حفظ و گسترش دهد.

همان گونه که محتوای پیام این رسانه باید مقدس باشد، باید از سازوکار های مقدس نیز استفاده کند.

همواره افکار عمومی را رصد کند و به دور از جنجال آفرینی در اصلاح آن بکوشد.

صدا وسیما اوقات فراغت مردم را پر می کند، پس باید سلایق مختلف را در نظر بگیرد.

همواره رقبای خود را رصد نموده، با دقت و بدون تشویش افکار عمومی، در رفع شبهات بکوشد.

صدا وسیما قرار نیست جای محافل عمومی مثل مسجد را بگیرد، بلکه باید مشوق حضور مردم در تعامل مساجد باشد، پس برنامه ریزی از این جهت بسیار دقیق و ظریف است.

نباید احساس شود که صدا وسیما در برخی موارد از مردم استفاده ابزاری می کند، چنان که در برخی موضوعات مثل انتخابات اقشار بد حجاب و غیر خوش نام را نیز به تصویر می کشد که در زمان های دیگر ممنوع التصویرند. این نوع اقدام موجب افزایش مشارکت نمی شود، بلکه موجب بدبینی مخاطبان فهیم خود است.

صدا وسیما باید برای سه مقطع پیش از انتخابات، در زمان انتخابات و پس از آن سیاست گذاری مجزا نموده، خود را آماده کند.

اطلاع رسانی رسانه ملی باید به موقع ولی دقیق باشد و برای هرگونه

ص: ۱۵۲

فتنه آماده باشد.

توجه به سیاست بین المللی نظام با محوریت عزت، حکمت و مصلحت حائز اهمیت است.

تبیین جمهوریت و اسلامیت نظام بسیار مهم است.

تبیین سیاست اسلامی برای زندگی مسالمت آمیز با اهل ادیان و مذاهب باید مورد تأکید قرار گیرد.

جایگاه زنان در نظام اسلامی تبیین شود. این مهم با واقع بینی اسلامی صورت گیرد نه آنکه چون عده ای برخی از احکام اسلامی را نمی پسندند تلاش کنیم از مجرای توجیه غیر شرعی موضوع را بیان کنیم. همین طور است تمایزات شغلی و برخی احکام که دشمنان آن را حمل بر تبعیض جنسیتی می کنند.

رفتار کارگزاران به عنوان یکی از مهم ترین مجاری اعتمادساز مردم مورد تأکید قرار گیرد و ساده زیستی، مردمی بودن و پاسخ گویی آنها، هم در مقام بایدهای نظام و هم تحقق های عینی مورد توجه قرار گیرد.

رفع فقر و فساد و تبیعض که مورد تأکید رهبری بوده مورد توجه قرا گیرد.

تبیین اقتصاد و مبانی آن و تقبیح رویه های غلط مصرف گرایی مورد تأکید قرار گیرد.

برای آموزش سبک زندگی آبرومندانه و شرافتمندانه اسلامی به موارد زیر تأکید شود:

تعاون، مساوات، تکافل، تعهدات اسلامی، رض الحسنه، ارزش سنت های حسنه ای چون وقف، انفاق، مشارکت های جمعی در حوزه اقتصادی، امور عام المنفعه نظیر ساخت مساجد و مراکز آموزشی و

ص: ۱۵۳

تربیتی و حوزه های علمیه، توجه به وجوهات شرعی و اثر آن در توسعه دین اسلام، ارزش کار و تلاش و مذمت تنبلی و ربا خواری و...

به موضوع اقتصاد مقاومتی با ارائه الگو های ساده زیستی و به دور از اسراف در فیلم ها و سریال ها توجه شود.

تلاش برای فرهنگ سازی اهتمام به امور مسلمین و مستضعفان جهان.

به کارگیری نمادهای اسلامی در عرصه های مختلف هنری، نمایشی، فضا سازی ها و. . . مورد تأکید و توجه دوچندان قرار گیرد و به عبارت دیگر بومی سازی جدی گرفته شود.

با ساخت برنامه های مستند و غیر آن ارتباطات میان فرهنگی اسلام مثل زبان مشترک، دین مشترک، آداب و رسوم و تاریخ مشترک بین ایرانیان و همسایگان مورد توجه قرار گیرد.

ادبیات انقلاب اسلامی همواره زنده نگه داشته شود. مفهوم جهاد، ایثار، دفاع مقدس، کاخ نشین و کوخ نشین، مستضعف و مستکبر، رابطه برادری و خواهری ازآن جمله است.

تلاش جهت آموزش و گسترش روحیه و فرهنگ نوآوری و خلاقیت به عنوان فرآیند مستمر توسعه و به کارگیری آگاهی و دانش برای کار، زندگی، تولید و خدمات.

آینده روشن و امید آفرین مورد تأکید مقام معظم رهبری در برنامه ها به نمایش گذاشته شود.

نهادینه کردن فرهنگ نقد سازنده و بالا بردن آستانه تحمل مردم با تأکید بر حفظ بر اصول نظام و حفظ خط قرمز های نظام.

رویکرد تمدنی اسلام و حیات طیبه آن با رویکرد کلیت اسلام و دوام آن و سرنوشت مشترک جامعه از گذشتگان، حال و آینده در اندیشه

ص: ۱۵۴

اسلامی تبیین و برای آن برنامه سازی شود. در این خصوص توجه به سبک زندگی اسلامی در همه عرصه ها و آسیب هایی که متوجه سبک زندگی امروز جامعه ما است ضروری است.

عدالت رسانه ای در رسانه ملی مورد توجه قرار گیرد.

با اسلام هراسی، شیعه هراسی و ایران هراسی مقابله جدی صورت گیرد.

اولویت بندی بر اساس منویات مقام معظم رهبری صورت پذیرد.

آثار مخرب بداخلاقی های سیاسی تبیین و از آن پیشگیری و پرهیز شود.

خط نفاق و انحراف بر اساس معارف وحیانی بازنمایی شود و خط اصیل ولایت تبیین و فرهنگ سازی شود.

گفتمان اسلام بر اساس عقلانیت، معنویت و شریعت مداری تبیین شود.

برای صدور انقلاب بر اساس اصل خود باوری و پایداری بر حقوق خویش و تنویر افکار عمومی تصویرسازی شود و کارآمدی نظام برای جهانیان به تصویر کشیده شود. همان طور که نا کارآمدی نظام های دیگر و ظلم ها و ارزش ها و هنجارهای غیر انسانی آنها به تصویر کشیده شود. در این موارد باید ابتکار عمل را به دست گرفته، منتظر نمانند تا فیلمی موهن تولید شود، آنگاه از موضع انفعال با مسئله برخورد کنند. جنگ نرم دشمن که آینده سازان را هدف قرار داده جدی گرفته شود و برای نونهالان برنامه ریزی ویژه شود.

جریان سازی متناسب با منویات رهبری پیگیری شود و از احساس نبود فضای آزاد انتقال پیام های ناراضیان پیشگیری شود.

ص: ۱۵۵

عنایت ویژه به اندیشه ها و فرمایشات امام خمینی رحمه الله به عنوان بنیان گذار یک نظم و نظام فکری جدید در عصر حاضر.

اهتمام به شناسایی و تأکید بر متغیرهای استراتژیک عرصه فرهنگ و استفاده از آنها جهت ارتقای سطح نظام فرهنگی در کشور.

عنایت به تنوع و تکثر فرهنگی به عنوان یکی از مؤلفه های ضروری برای ایجاد و حفظ روحیه نوآوری در فرهنگ و نیز اشاعه فرهنگ نوآوری.

تعریف، تبیین و اشاعه حقوق فرهنگی و آزادی فرهنگی بر اساس مبانی اسلامی.

ارتقای کیفیت و گسترش صادرات کالاهای فرهنگی.

توجه به عرف و آزادی به عنوان دو متغیر استراتژیک در عرصه فرهنگ و تلاش جهت بهره مندی از ظرفیت های این دو.

تلاش جهت نهادینه کردن مشارکت به عنوان متغیری اساسی در کاهش فاصله قدرت و تحقق سلسله مراتبی کارویژه های یکپارچگی، تحقق اهداف، حفظ الگو و وحدت.

توجه به عجین بودن ثروت و فرهنگ در جامعه و تلاش جهت افزایش تولید ثروت در کشور مبتنی بر سازوکارهای اسلامی.

تبیین ماهیت منابع و شبکه های خبری گوناگون جبهه معارض انقلاب اسلامی برای مخاطب.

ایجاد خلاقیت و نوآوری در تولید برنامه های رسانه ای متنوع و جذاب.

تلاش برای اعتمادسازی عمومی با استفاده از انواع رسانه ها.

توجه به نظریات گوناگون، به ویژه نظریات منتقدان در برنامه ها به خاطر افزایش اعتماد عمومی و غنای محتوایی برنامه ها.

ص: ۱۵۶

تعریف دوباره خط قرمزهای رسانه ای و حذف خطوط پیچیده نامدونی که نه بر پایه مصلحت ها، که بر اساس سلایق ترسیم شده است.

بازنگری و کاهش بروکراسی و سلسله مراتب طولانی تصمیم گیری در راستای انتشار سریع اخبار با هدف کنترل افکار عمومی.

تبیین دقیق استراتژی مقابله با جنگ نرم و مهندسی پیام با بهره گیری از نقطه.

بهره گیری از نظریات کارشناسان، متخصصان و اندیشمندان آگاه به مبانی هنری.

تعامل گسترده تر با حوزه های علمیه.

ص: ۱۵۷

منابع

اشاره

منابع

زیر فصل ها

کتاب

مقاله

پایگاه اینترنتی

کتاب

کتاب

قرآن.

نهج البلاغه.

صحیفه نور امام خمینی رحمه الله.

بیانات مقام معظم رهبری.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

احمد، اکبر و هاستینگز دونان؛ اسلام، جهانی شدن و پست مدرنیته، ترجمه: مرتضی بحرانی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.

احمد، اکبر؛ پست مدرنیسم و اسلام، پست مدرنیته و پست مدرنیسم، ترجمه: حسینعلی نوذری، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.

برگر، پیتر، بریجیت برگر، ذهن بی خانمان و نوسازی و آگاهی، ترجمه: محمد ساوجی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

پیغامی، عادل، «تعاملات دوسویه فرهنگ و اقتصاد»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

الحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسایل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، بیتا، مجلد ۱۵ و ۱۴.

ص: ۱۵۸

خیری وزوانی، حسن؛ جزوه درسی جامعه شناسی توسعه، ارائه شده به جامعه المصطفی العالمیه، ۹۰۱۳۸۹.

خیری وزوانی، حسن؛ دین، رسانه، ارتباطات اجتماعی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خیری وزوانی، حسن؛ مبانی نظام اجتماعی اسلام، در دست چاپ توسط :قم، پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلامی.

دفتر تبلیغات اسلامی؛ ره توشه راهیان نور ویژه محرمالحرام ۱۴۳۱، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، رشید، ۱۳۸۸.

صدر، محمد باقر، المدرسه القرآنیه، قم: دار الصدر، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۸.

صدر، محمد باقر؛ الاسلام یقود الحیاه، قم: انتشارات دار الصدر، ۱۴۲۹.

صدرا، علیرضا؛ ارزش های حاکم بر جامعه ایرانی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.

غمامی، سید محمدعلی؛ درآمدی بر سیاست گذاری تحول فرهنگی، بسته سیاستی تحول فرهنگیِ معرفتی، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

فخیمی، فرزاد؛ سازمان و مدیریت، تهران: نشر هوای تازه، ۱۳۷۹.

قمی، عباس؛ سفینه البحار، بیروت، مؤسسه الوفاء، جلد ۲، بی تا.

کلینی، اصول الکافی، تهران، انتشارات مسجد چهارده معصوم:، ج ۱، بی تا.

گلشنی، مهدی؛ گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.

مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث، ۱۳۰۳.

محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.

ص: ۱۵۹

مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

مصباح یزدی، محمدتقی؛ مجموعه مشکات مصباح، اخلاق اجتماعی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (مجموعه مشکوه) جلد ۳، ۱۳۸۸.

مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۷۱.

میرمعزی، سید حسین؛ فلسفه علم اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، بی تا.

مقاله

مقاله

اسدی، عرب؛ و دیگران «تبیین سیاست های شکل گیری نظام اداره فرهنگ کشور، با تکیه بر راهبرد مردمی سازی»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

اسلامی تنها، اصغر، «نظریه پدیدارشناختی فرهنگ و سیاست گذاری فرهنگی»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی تا.

اشتریان، کیومرث، «باز اندیشی در فناوری و صنایع فرهنگی، مدلی جهت کاربست فناوری در صنایع فرهنگی و سیاست گذاری آن در ایران»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی تا.

خاشعی، وحید؛ «درآمدی بر سیاست های راهبردی حوزه های مختلف هنر کشور»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی تا.

خاشعی، وحید؛ «کاوشی بر بسته های سیاستی حوزه های مختلف رسانه ای کشور»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی تا.

ص: ۱۶۰

رحمان یاسی؛ «متغیرهای اساسی در معماری فرهنگی»، بی تا.

غمامی، سید محمدعلی؛ «تحول هدفمند فرهنگ با تکیه بر ارتقای ظرفیت یادگیری و هوشمندی فرهنگی بسته سیاستی تحول معرفتیِ فرهنگی»، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

کچوئیان، حسین؛ «هست ها و بایدهای هویت ما»؛ ماه نامه زمانه؛ شماره ۶۷ و ۶۸ .

یزدانی، جمال، «مفهوم جامعه شناختی استضعاف و جایگاه آن در ارتباطات میان فرهنگی» مطالعه موردی تاریخی ارتباطات میان فرهنگی حضرت امام در نوفل لوشاتو)، ارائه شده به شورای حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی تا.

پایگاه اینترنتی

پایگاه اینترنتی

صادق، مهدی؛ جنگ نرم چیست؟ پایگاه اینترنتی قدس، www .paigahghods. persianblog. ir.

قربانی، محمد؛ «جنگ نرم، تبیین مفهومی، پیشینه تاریخی و تاکتیک ها»؛ پایگاه اینترنتی تابناک:www. Tabnak. ir

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹